دریافته زر زود هر یک بوصول خواهند آورد معلوم شد بالفعل
مطابق صدر تحصیل زر نموده من بعد یک یک عامل و
یک یک ن نهوک را طلبیده وحساب خام وصول وغیره
دریافته مطابق حکم مرکه از حضور مرحمت شده است بحساب آید

امیر قمر الدین علی ان حسب معروضه شما یک قطعه برواته در
جواب عرضداشت کما لابندت که برهان الدین ارسال حضور
داشته بودند در برواته که مبلغ برهان الدین صادرت
مرقوم و ملفوف است بندت مذکور خاطر خواه خود در باب
قسم وغیره معروض نموده است درین امر قسم وغیره چه
ضرور بهر طرح شما و برهان الدین از شعبده بازی دگمت
عملی قلعه کیان را زود دریابد آورد یک قطعه برواته بنام شیخ نصیر
مرقوم و ملفوف است

ایضاً برهان الدین عرضداشت مرسله معروض در جواب
مردم قلعه از نظر گذشته و کیفیت معروضه ظاهر گشت حسب

درجواب فرود درخواست ملفوفه قولنامه بنام کالا بندت
دستر قطعه پروانه بنام محمد علی وغیره سپرداران مرقوم
ملفوف است و بندت مذکور خاطرخواه خود در باب قسم
وغیره معروض نموده است درین امر قسم واقع م چه در کار
شما باتفاق قمرالدین بهر طرح از شعبده بازی و حکمت
عملی محصوران را فرود باید آورد

۱۴ نامه از احسان الله خان بخدمت حسین بمعیت سنگرکی عرضداشت
مرسله معه تپی کیفیت ساعده از نظر گذشت و کیفیت
معروضه ظاهر گشت نوشته بودند که برای دادن ساعده
عبدالرحمن حکم مجدد میخواهد معلوم شد چنانچه تاکید بنام
نامبرده در باب دادن زر ساعده مرقوم و ملفوف است
زر مذکور خواهد داد باید که زر از نامبرده گرفته ساعده
داده بسرعت بهر تی کنانند و تیکه موافق زر ساعده
بهر تی شود باز ساعده داده بهر تی بسکنانند باشند

۱۹ نامه میر معین الدین خان عرضداشت بخط هندی متضمن

For 2 letters
Add'l
Ann. Ins. P. 372
" 373

برینکه طرح آمدن بدلنا یک نزد خود معلوم نمود ارسال
حضور کرده نمودند ظاهر شد باید که بعد آمدن عومی الیه رجوع
و مقابله ازنمی کوتاه نموده و تقصیر مرتکب مطلوب ثابت کرده
اورا در بزرگ داشته باز باو بگویند که اگر قبایل خود را
در پی مطلبی نزارها مکنم باین بهانه قبایل او را طلبایند
همه را در بزرگ گذاشته کیفیتش معروض حضور نمایند
ایضا را مجدد نوشته بودند که باعث نبودن عامل
متعلقه باکری کارانجا اینست معلوم شد از حضور
متعلقه مذکور عامل روانه شده است نوشته بودند که
بر عامل چنین رای درکشا نهوک انجا چنی قرب
دوازده هزار مون نوشته آورده و بدون تغیری
او رجوع و مقابله نمی توانند شد معلوم شد باید که
از طرف خود عامل دیگر متعلقه مذکور فرستاده مقابله نمی
مذکور باید نمود حسب معروضه شما نامه بنام رسته دیاران
متعلقه دیون پلی و سکونه وغیره بهست کرفتن کلتهی و نخود

ومنوبک وغیره مرقوم گشته زیاده چه

بایستی بالیضا نوشته بودند که حسب الحکم در هر تعلقه یک
یک صراف و یکنیک نویسنده را نوکر داشته دکاکین
از طرف سرکار مقرر ساخته اند لاکن در چند تعلقه آمدنی
نافع بالکل مفقود و در چند تعلقه قدری بلکه بدرماهه
صرافان و نویسنده ها اکتفا نمیکنند چراکه در دکاکین معتبر
برای خرید و فروخت نقد و طلا و نقره هزاران هون ها
که می آورند هر یکدر بودن نام دوکانهای سرکار خوف
خورده بمکانات دیگر می برند فقط مردم خرنامرادی
وغیره شش هفت فلم خرید نمیماند معلوم شد مثلا اگر
هفت هون منافع بسرکار می آمد وده هون بخرج
درماهه نویسنده و صراف می افتد تا کی نقد و طلا
بجای دیگر خواهند برد آخرش خواهند آمد و از دوکان
سرکار خرید و فروخت خواهند نمود در هر تعلقه موافق
آمدنی انچه بهت دیده صراف و نویسنده با برداشت

دانسته

نوشته بودند که بکی سا هورا با مید تقرر در ماه بنجو بر نگاهداشتن
دکاکین صرافی از طرف سرکار در همکی تعلقات و نگاهداشتن
دو کانهای پارچه در همکلور و هسکوته وغیره اگر حکم شود مقرر
خواهند نمود مفهوم گشت از سرکار در هر امر انچه حکم اصدار می
یابد اول اندیشه با نصدشال نموده حکم کرده میشود درین
صورت هر قدر که حکم است مطابق ان کار بند بایدشد
و زیاده از ان از طرف خود معروض نمودن درکار

الدین
ع ۴۵ منه سید قمر الدین نوشته بودند که شما با تفاق برهان
از محصورین سوال و جواب نموده اند دو یکروز دو روز
قلعه کیان را فرو دمی آرند معلوم شد باید که بهر طرح محصورین
را از قول و حکمت علی فرود آرند که فوج سرکار انکی آرام
گیرند و عقوبت کار سنگین در پیش و از بنها کرفتنی است
نوشته بودند که آن برخوردار و برهان الدین با تفاق همدگر
در کار سرکار ساعی و سرگرم آنند شاید بعضی حاسدان از راه

نا توان ہنی بحضور برعکس آن معروض داشتہ باشند معلوم
گردید کسی چہ قسم معروض خواہد داشت کہ فیما بین ان
نور چشم و برہان الدین نفاق است چرا کہ ہر دو برخوردار
تربیت یافتہ جناب ما اند یقین است کہ یکدل شدہ بکار
سرکار ما سعی خواہند نمود زیادہ چہ

ایضاً بر ملک الدین نوشتہ بودند کہ آن برخوردار و
فخر الدین خان باتفاق از محصورین سوال و جواب نموده
اند و از حکمت عملی فردومی ارند معلوم شد باید ہر
عنوان بسرعت قلعہ کیان را فرود آرند کہ فوج سرکار
اللہ کی ارام گیرند چرا کہ غبار بیتکار کلان در پیش
است نوشتہ بودند کہ ان نور چشم و فخر الدینخان
در ہمہ امور باتفاق ہمدیگر بکار سرکار ما سعی می باشند
مفہوم شد یقینکہ در ہمہ باب یکدل خواہند بود چرا کہ ہر دو
برخوردار تربیت یافتہ جناب ما اند ہرگز نفاق راہ نخواہد
یافت

27 Feb 110

۴۴ راجه رام چند نوشته بودند که عرضی مرسله سرکاره
مذکری مرحمت شده است که عامل انجا منجمله جمعبندی
تعلقه بجاپ نمی هون یک انه علیحده وضع کرده سوای
این از اکثر دوالها رشوت گرفته است ان زمانیکه
نمایندگان معلوم شد باید که هر که مرتکب این امر و فعل
ناشایسته شده باشد او را سزا داده انچه خورد برد
نموده است بوصول باید آورد نوشته بودند که شیخ
برای تیاری کوتهه جوبنه وغیره سرانجام میخواهند معلوم
شد انچه در حکمنامه قلمی گشته مطابق ان کارپرداز باید
شد و سوای ان هیچ کار بعمل نباید آورد زیاده

۴۶ میر فخرالدین نوشته بودند فردا که بست و دوم
تمامی مقهوران را از قلعه فرود آورده تهانه سرکار در
قلعه گذاشته معروض خواهند معلوم شد باید که تمامی
محصورین را از قول فرود آورده تهانه سرکار در قلعه
قایم کرده از قسم پیاده ها وغیره را مطابق قول گذاشته

وکالا بندت دسه ساهو که معتبر اند وزنار داران و
متصدیان وغیره از معتبران از هر فرقه که باشد همه ها
را در نزک بخبرداری واحتیاط تمام داشته بحضور
معروض دارند زیاده چه

[illegible] نوشته بودند امروز که بست دوم
نشان سرکار معه جوانان چهار پهره بر بالای قلعه
داخل شد و فردا قلعه کنان نبر فرود می ایند معلوم
شد باید که کالا بندت معه خویش واقارب وچهار
ساهو معتبر وجماعه داران سواران وغیره معتبر از هر
فریق که باشد همه ها را در نزک داشته مابقی غنیم را
موافق قول بگذارند وجوانان زخمی انچه در فوج آن
برخوردار هستند وانچه جوانها که بدار و اد فرستاده
بودند دلی ها را فرستاده جوانان زخمی را انجا طلبداند
که با تفاق خویشتر واقارب خود ها بوده بارام مانند
واز خبرداری انها لازم زخمی ها را درست کنانند وایشان

وبنده و مردمان لشکر را جائیکه آب و کاه و دانه و مارا ان
کم و زمین خوب باشد فوج را فرود آرند که بسیار محنت
نموده اند چندی ارام یابند نوشته بودند که ان
برخوردار یک رساله سواران سایر و اسپان یک
طویله بسمت کنک کیری و بنده روانه نموده تصدیق
انها بنام محی الدین مغلبخان دیوان کره نوشته فرستادند
و خانمذکور تصدیق را پس کردند معلوم شد از حضور
تاکید اسمعنی بخانمذکور مرقوم گشته موافق تصدیق
مرسله ان نورچشم وجه سواران و رسانب و بنده اسپان
و بنده خواهند داد پیش ازین برای غرض فوج همراهی
آن برخوردار زر فرستاده شده بود رسیده باشد
دستی های فوج که ارسال حضور نموده بودند رسیدند
زر دیگر فرستاده میشود زیاده چه

حاشیه راجه رام چندر عرضداشت مرسله متضمن
بر انکه سید عمر سبه دار و قلعدار اکشنکری جهت ضدیت

نمودن قلعه کنکی درک وطلبیداشتن رعایا وغیره بعامل
کشکری میگویند لاکن بحکم حضور نامبرده اقدام
امور مذکور نمیتوانند کرد از نظر گذشت انچه میگویند
بهتر میگویند عامل بندوبست وغیره امورات قلعه
مذکور بعمل آرد

از راجه رامچندر و عرضیت قلیخان عرضداشت مرسله متضمن
استدعای حکم حضور جهت آمدن خود ها به بنگلور از نظر
گذشت وکیفیت معروضه ظاهر گشت سواری خاص
رونق افزا بانجا میشود شما هم به بنگلور آمده شرف
ملازمت حاصل نمایند

ایضاً راجه رام چندر عرضداشت مرسله متضمن آنکه
ناجخان وعبدالغفور قلعدار کشکری بدرخواست
پانصد راس کاوکرایه و پانصد نفر بیکار پیاده ها بر
دیکت راو عامل دوازده محال محصل داشته است
وخط لوی الیه که رسیده بود ملفوف عرضداشت است

از نظر گذشت

از نظر گذشت و کیفیت معروضه ظاهر گشت سوای کاوان
نوکر سرکار کاوان کرایه در کار نیست مگر بجهت ضرور
اگر در کار شود مضایقه ندارد چرا که کاوان نوکر قلیل اند
و بعضی اوقات کار سرکار زیاده می افتد و کار سرکار
معطل داشتن نمیشود و انوقت کاوان کرایه در سنادان
جای دارد با این تاکید بنام مومی الیه مرقوم و ملفوف است
باید رسانیده کاوان کرایه درخواست نخواهد کرد

بمحی الدمعلنی ان عرضداشت مرسله معروضه نهانهای
ببری از نظر گذشت و کیفیت معروضه ظاهر گشته
بوضوح پیوست ببری نزدیک نزدیک و دربان ببری محرر
داشته باشد چپراسی باریک از طرف خود
عهده دار و کننده برای دیگران تیار باید کنانید
چنانچه نمونه ان ملفوف است ظاهر حضور شد که شما
در خانه می نشیند و بکچهری نمی آیند یعنی خوب نیست
باید که در کچهری بوده بکار سرکار گرم باشند و اگر

را در خانه آمدن ندهند و حکمنامه که بایشان داده شده
معلوم میشود که انرا نمی دهند اگر مطابق حکمنامه معمل آرند
بهتر والا نه انچه دران مرقوم است ساداشش این
خواهند رسید

۴۴ میر محمد صادق ظاهر حضور شد که حساب تعلقه
دیوستان مدبر میشود و بهرد و مقصدی دفتر دارکه
متعینه سید محمد برای دستخط مقرر فرموده شد از انها
ما ربالای میگیرند باید که فیصله حساب تعلقات و
دیوستان و غیره بسرعت سریعه نمایند و مقصدیان
متعینه سید محمد کار بالائی نگرفته کار نداشته باشند

ایضا سید محمد نوشته بودند که تبی تعلقه میسور و
قلعه مالور ارسال حضور نموده اند و فردا تبی های
حساب تعلقه منکل و قلعه نرسیپور فردا ارسال
خواهند نمود معلوم شد چنانچه تبی ها رسیده رسید
داد بخط فرموده باز نزد شما فرستاده میشود

بی‌های حساب تعلقه مکمل و قلعه رسی پورزود ارسال
حضور شما شد و در باب جلد فیصلات نمودن حساب
دیوستان و کار نداشتن و کار بالای نکرفتن از مصدیان
شما میرمحمد صادق تاکید نوشته شده قسمکه سابق
فیصلات حساب دیوستان میشد حال هم بزودی حساب مذکور
فیصل ارسال دارید زیاده چه
ایضاً میرقمرالدین خان نوشته بودند که ایام دو روز تنبی فوج
قریب الانقضاست و ایام دو روز تنبی شون شیخ عنصر
منقضی شده چند روز دیکر کذشته معلوم شد چنانچه
سابق برین زر رسد فرستاده شد رسیده باشد
نوشته بودند که مطابق افراد مطلوبات مرسله کوندلها
درست شد و با بند و نعل میخ و زین و خوکیر و کاوان نوکانه
وغیره سرانجام ضروریات وغیره مرحمت شود معلوم شد
پیش ازین برای آمدن ان نورچشم نوشته شد همکه
می‌باید همه سرانجام مطلوبه خواهد شد

اختتام

۲۳ میر حیر اللہ بخشی دوم بخبری بابن عرضداشت مرسلہ
معہ دو قطعہ جمع و خرچ تعلقہ ہوشس ہزل و قلعہ سوسلہ
از نظر گذشت بر ہر دو قطعہ مذکور دستخط فرمودہ باز
نزد شما فرستادہ میشود و حساب تعلقہ کرور و قلعہ
ستی کمال حسب معروضہ خود زود تیار کردہ ارسال
حضور نمایند

ایضاً محمد مہدی خان عرضداشت مرسلہ معہ دو قطعہ
جمع و خرچ یکی بابت تعلقہ کرام و ثانی بابت قلعہ ہاس
از نظر گذشت و کیفیت معروضہ ظاہر گشت بر ہر دو
قطعہ جمع و خرچ مذکور دستخط فرمودہ باز نزد شما فرستادہ
میشود نوشتہ بودند کہ حساب تعلقہ ستی منگل و کوہ تنوز
و حساب قلعہ مہاراج درک و منلور نیز تیار کردہ ارسال
حضور میسازند معلوم شد باید کہ زود حساب مذکور
تیار ساختہ ارسال حضور نمایند

۲۵ میر حیر اللہ بخشی دوم بخبری اختتام یافت حساب تعلقہ کمال

وحساب تعلقه کرد که ارسال حضور نمودند رسید از دستخط خاص
مزین شده نزد شما فرستاده میشود باید که مطابق حکم حساب
فلوجات و تعلقات بررسی نموده ارسال حضور نمایند

---

۲۶ میر محمد امین معلمان نوشته بودند که چند توکره فراهم
کنانیده شروع به عبور دریای سنگ بهدره نموده هر روز
مردم فوج عبور میکنند و دو کیل و هر کاره کنگ کیری و کماشته
ساهوکاران برخوردار آمده ظاهر کردند که مبلغی پیشکش
حضور برقمه زنبدار مذکور واجب الادا است و ایریناک
بالبکار متعلقه انها که سرف دبر داشته است جهت تنبیه
او یک رساله مردم جیش و یکرساله سوارانش سایر فرستاده اند
معلوم شد روانه نمودن مردمان جیش و سواران سایر
سابر تنبیه بالبکار مذکور مستحسن شد بعد آمدن مردمان
مذکور انها را هم عبور دریای مسطور کنانیده همراه خود
بیارند برای خرچ فوج همراهی ان نورچشم نداز حضور
فرستاده شد بدها رواد رسیده است مردمان خود را

فرستاده زر مذکور را زانی طلب دارند

۳ دراسمی ورا بهرام بیک دارد که ۱۰۰ اشتی نه عرضداشت
مرسله متضمن تیار شدن حالی دورخ برسبیل نصف
تباری رخ سیوم و موقوف ماندن ابریشم باعث مرسیدن
تخته ها و توقف سوزانیدن خشت کنده موجب مرسیدن
هیزم از نظر گذشت و کیفیت معروض ظاهر گشت چنانچه
تاکید بنام سید محمد قلعدار برای زر سپردن تخته ها
و کج وغیره مرقوم شده برای کامگاری ابریشم و ساقر خانه
وغیره که بانیان حکم کرده شد تخته ها و کج وغیره از قلعدار
گرفته زود تیار سازند

ایضا میر قمرالدین معلی ان در بهبولا بلغ بیست هزار هون
برای خرج فوج همراهی آن سعادت نشان فرستاده
شده خواهد رسید

۴ منشه میر غلام حیدر سوت خام بوزن شانزده انار
تخته برای بل دوانیدن از سرکار داده شد باید که سوت

مذکور را تاب داده مطابق تفصیل ذیل رنگ نکنند

رنگ زرد رنگ سرخ رنگ ناری رنگ سبز

۳ مار ۲ مار ۲ مار ۱ مار

بیرزن العابدین سپه دار قشون در مولد ظاهر حضور شد

که کورکها در ظفرآباد شرارت میکنند لهذا برای روانه

نمودن شما معه دو ضرب توپ و دو هزار هون همراه

بطریق علی الحساب برای خرج قشون دیگر هزار روپیه برای

زخم پیشی منشور بنام بخشی حشمت مرقوم است باید

شما را مذکور و دو توپ همراه کرفته و در رسالهٔ غنیمان

مردمانیکه لیاقت دارند برانها نوکر داشته معه قشون

روانه ظفرآباد شوند و منشور دیگر بنام زین العابدین

فوجدار انجا مرقوم و ملفوف است باید که با اتفاق شما

کورکها را تعاقب آورده و قتل عام نموده و دو سنکر

کب نیکه کشته شدند دو نیکه اسیر شوند معه زن و بچه

همه را آسمان نماید و چنان بندوبست سازند

کوبازکسی مصدر شرارت وف ونشود وقاعده رحم
بنی از نوشکنی نه نوشته کرفته مطابق ان با بردار
وبکسانیکه انعام دادن باشد نیز ازان با بردارد
منجمله زرمذکور بمردمان قشون خود بطریق علی الحساب
مناسب دیده بدهند
ایضاً غلام حیدر سیاه تاریک برنک کسنه کار سال
حضور نمودند رسید
ایضاً مرزا محمد بیک دارونه هرکاره نقشه کرده که بر
اضراب کنده بنده ارسال حضور نمودند رسید نام
کار یکرا کر معلوم نشده مضایقه
ایضاً غلام علی بخشی احشام حضور ظاهر حضور شد
سابقهوکان قلعه شنکیری که به بتن آمده اند بسیار
خورد ببرد در قلعه مذکور نموده اند لهذا اقلم می آید که
سرشته داران جدید بقلعه مسطور روانه نمایند و
ازانها نهوکان قدیم حساب خورد ببرد دریافت اند

الصاً بر محمد صادق نوشته بود مد که شاهبهوکان قلعه
سیکری برای فهمانیش حساب بکهری پیش آمده اند
بسیار خورد برد نموده اند اگر اینها را باز روانه اینجا
نمایند افعال خود نخواهند گذاشت در منصورت منشور
لامع النور بنام غلام علی جهت فرستادن سرشته
داران جدید درانجا صدور فرماید معلوم شد جانبه
بنام مشارالیه پروانه مرقوم است سرشته داران جدید
بقلعه مذکور خواهند فرستاد شما هم بتقریم می آید که
سرشته داران نو در انجا روانه نمایند

الصاً بر درکاسیه بنی حساب قلعه کاوری پور
و تعلقه هوشنگ آباد که ارسال حضور نمودند رسید بتپه
مذکور مد بخط امین شده نزد شما فرستاده می
شود

الصاً محی الدین علی ان عدو سرشته دار فارسی بقیه
شش شش گماشته برای حساب دیوانی از مردمان

سکنه ارکاط وغیره خوب حساب دان و باهوش دیده
داشته بحضور معروض نمایند که از سرکار ضابطه
ما هیانه نوشته فرستاده خواهد شد

ایضاً جانصاحب مهربان گرشتاسف حافظ محمد خان حاکم
شیرزه پور شما انچه زر بسرکار میرساند منجمله آن
پانصد و هفتاد هون معاف فرموده شد کفیتش
زمار داران خواهد گفت و محمد حسین برادر زاده
شما که نزد ایشان هستند روانه حضور سازند
بقدر لیاقت و حوصله شان الیه غور برداخت و مدد
خرچ و بکار و خدمات سرفراز فرموده خواهد شد

ایضاً محمد ابراهیم خان و مهر قاسم خان و اسمعیل خان
درینولا ظاهر حضور شد که شما پرگنه اشنخاص و انجا
بکار در خانه نشسته اند میباید ان بقلم می آید که مجرد
صدور پروانه خود ها را زود بحضور رسانند
مورد عنایات خواهند شد

Jubbo See Page 84 for 87 for some more letters of month of June

۳ ز برحسب غلام حیدر نوشته بودند که در مادهٔ نرخ
خریدی اجناس کیلی و وزنی بسرکار عالی ارشاد شود
تا بدانموجب بخرید آرند معلوم میشود که درین روزها
از باعث پیری و رعشهٔ شما خللی واقع شده نرخ
بازار انچی از متصدیان انچی چه طور بوقوع نیده شود
چنانچه شرح نرخ خریدی اجناس بمتصدیان و در حکمنامه
انچی نوشته داده شد از کچهری دیوانی دریافت نموده
بدانموجب بعمل آرند

سلخ منه برهان الدین عرضداشت مرسله محتوی فرود
آمدن خود معه جمعیت همراهی متصل کدهی کتور از نظر
گذشت و کیفیت معروضه ظاهر گشت باید که اول دیوانی
انچی را برای ملاقات نزد خود طلبداشته و خاطر جمعی
کاربار یان او نموده و بحمایت حامداری ملک بندران
تعین کرده بعد رسیدن دیوانی مذکور نزد شما
تهانه سرکار در کدهی کتور داخل نمایند

عره حیدری سید پیر برای داشتن سرانجام سرکار تو شکنجانه
قلعه سیر و راجه رامچندر باید کرد که تا سرانجام سرکار در انجا
ندارند مقام متصل ظفر انار

الف راجه رام چندر حسب معروضه شما پروانه بنام سید
قلعدار انجی در باب سپرد کردن توشکخانه قلعه جهت
داشتن سرانجام سرکار متعلقه شما مرقوم و ملفوف

۴ جب علی برات قلعدار سدهوت نوشته بودند که
قلعدار سدهوت حواله کدام کس نموده بهره یاب حضور
شود معلوم شد محی الدین خان و ارشد علیخان قلعدار ای
که فرستاده اند حواله او کرده بحضور میرسند

۵ سید محمد قلعدار زربابت همه جوانان اسد اللهی
که نزد شما است منجمله ان یکقلوس به فی زنان جوانان
مذکور برای خرچ یالائی مطابق اظهار سید محمد خان بخشی
اسد اللهی سیاده باشند

الف دیانت خان محمد اوا و بجه راو دیره دار و توه و

لوزمان

مقصدیان تعلقه تونکابنی نه جنبی با انار خام کرمشتاب
برای دوای مرض جوانان احمدی حواله سید محمدخان بخشی
اسد اللهی نمایند

الصفا سید محمدخان بخشی اسد اللهی مطابق معروضه ان
سید محمد قلعدار پروانه مضمن انکه منجمله زر بهرم جوانان
اسد اللهی برمان اهنافی اسم یکفلوس بومیه برای بالای
میداده باشند و پروانه ثانی بنام داروغه و مقصدیان
تونکابنی نه جنبی تبابر دادن با انار خام کرمشتاب برای
دوای مرض جوانان احمدی مرقوم و ملفوف است اگر کرم
مذکور مفید شوند معروض دارند که دیگر هم دابنده خواهد
نوشته بودند که یعقوب رسالدار اسد اللهی خلعت یافته است
معلوم شد او را پروانه حضور سازند

الامیر کاظم داروغه مقسط جریره دراز درانجا بهت کرم
ابریشم و مبلغ ان درانجا میدانشود دابنده که کرم های
مذکور نا مبضه ای ان معه پنج شش نفر مرد دانکه آن کرم ها

را پرورش می نمایند روانه حضور سازند نکهای کار
که در انجا میرسند بدروز سرانجام ان فرود آورده
و برنکهای مذکور در دو روز کوکرد و سرب و مس وغیره
بار کرده بکوربال روانه نمایند و در فرود آوردن و بار
کردن سرانجام اگر از چهار روز افزود خواهد کشید انچه
خرج ان خواهد گردید از شما گرفته خواهد شد در دو برنکها
میرسند و روز بکر روانه میشوند هر دو تاریخ معروض
دارند و بجز اسس خرگلان هم آورده روانه حضور نمایند
که برای بچه کشی بکار آید

۱۲ ایضا میر کاظم دار چینی و صندل و مرچ سیاه و
برنج از کوربال و خوشحال پور در انجا فی آید باید
از انها خبط داشته و چلدی نه نموده و قیمتها گران
میشود و نفع بسیار میابد از انمان بفروخت آرند

۱۳ میر برکت دار دوغه بوشلی نه میر جعفر دار دوغه
دار الضرب دویم را حاضر داشته هر روزه قدر

Ms Add. 98 (5)
Add 98 (6)
Ms Add P 130
L 43

هونهای حیدری تیار میشوند معروض می نموده باشند
قطروفهای نقره که تیار میکردند وزن کرده داخل
دستگی نه نمایند و برای دستخط وغیره کار سرکار انچه
درحکم رسم رقوم است هر زود خوانده مطابق ان بر
لوائد دستخط میکرده باشند

ه ابرمان الدین پیش ازین بنابر تصرف آوردن قلعه
لنور نوشته بتعده ست باید در هر بندر پیر وعدد قلعه
مذکور را در تصرف سرکار آرند واگر در قدر سخنی در
تصرف آوردن باشد بیارند وابمغنی را تاکید بلیغ
الکارند

الضا سید محمد وسید غفار مصول قدر علیحده
علیحده

الضا رضا علی منشور دویم قلعه بکلور باید که شما
به پیش اید در دو چهار روز ملاقات مرا لطف علیک
نموده بار تعلقه مذکور را انشوند

ایضاً صبحت پناه محمد حسین شاه نورالله و اباجی رام
بحضور عرض نمودند که ایشان و هر دو برادران
ایشان لایق عاطفی آن نواب هستند لهذا بقلم می
آید که شما معهر دو برادر بحضور برسند کنار دولت
و تعلقه آن نواب سرفراز فرموده خواهد شد

میر کاظم بکصد اطل بادام و سی اطل پسته سال
بسال خریده کرده نزد عامل کوریال بفرستاده باشند
و صندل و مرچ سیاه بابت سابق در انجا است و
حال دیگر هم میرسد از انفروخت نیاورده بگویند
که ما را حکم موقوفی فروخت صادر شده و این حکم رسیده
است در جده کوتهی سرکار است بفرستند انجا و رساند
است این طور شهرت داده باید داشت و قتیکه از
نرخ سابق مبلغ و نخ فیصد و سه چند افزود
شود از زمان بفروخت آرند

ایضاً بدر الزمان خان الاجی نجاری باید داشت شتر آر

بیمان

120

میکائیل و مفسدان را معه زن و بچه و کری نمبر ۱ که
اسیر کردند خوب شد زن و بچه را داشته اگر او
مفسدت بر درخت او نیز ان باید کرد
سر دشمن نیره افکنده به که از ریگدر خارین کنند
به و چند دست کتل از مردمان کرده همه مردمان را
همراه کرفته تجسس نموده مفسدان و شرارت پیشکان
را بدست باید آورد و برای کرفتن موناکول بحکمت
علی سابق هم نوشته شد حال هم بقلم می آید
نامبرده را بحکمت و حیله باید کرفت و تا حال چه قدر
زن و مرد جمع شده اند بیک ان ارسال حضور نمایند

ایضاً بدر الزمان خان موناکول را خط نوشته و مرد
خود طلبیده بدست آرند

و تجارت پیشه رفته و شکایه خواجه هرواسی
و خواجه مراطول و خواجه اوانیس و خواجه حبیب سلمه
در بنولا از التماس خواجه و اونس حاضر حضور شدند ان

ارادہ دارند کہ معہ جہازات مال تجارت برای خرید و
فروخت بنادر سرکار برسند و میخواہند کہ بر جہازات
خود ناخدایان انگریز یا پرتگیزی نصب کردہ بیایند و
در بمقدمہ قول سرکار درخواست دارند امعنی مستحسن
است بنا طرح جمع و اطمینان کلی معہ جہازات مال تجارت
بکوریال بندر بامبندر کلیکوت رسیدہ مال خود فرود
آرند در سرکار انچہ مطلوب خواہد بود بقیمت واجبی خرید
خواہد شد مابقی مال بخوشی خود بفروخت آوردہ ہرگاہ
بخواہند بروند در جناب دو قطعہ پروانہ بنام ارشد کلی ان
فوجدار بندر کلی کوت و غلام محمد عامل کوریال مرسل
است در بنادر مذکور ہر بندر کہ خواستہ باشند رسیدہ
فرود آیند

ایضاً حال عظمت و رفعت نشان ارشد کلی آن
فوجدار کلی کوت دو سہ جہاز بابت خواجہ جد ہروات
و خواجہ ہراطون و خواجہ اونس و خواجہ سیت کہ در انجی

مرسندنش ن آن انگریزی ما بر تکینشی خواهند بود
انرا فرود آورده و بران جنسی که می آمد تنی ان بحضور
ارت لدارند بعد ملاحظه فرمائی تنی مذکور جنسی که خانه
خریدی سرکار خواهد بود بقلم خواهد آمد ما بقی را مختار اند
فروخت نمایند

الصا شرافت و عوالی پناه عامل گورنمنٹ غلام محمد
بمضمون صدر

بم حشمتی نوشته بودند که حسب الحکم
عامل بود مال را طلبیده و حساب خرد و برد و بانفاق
زین العابدین دریافته و دیگر عامل باهوش را به
تعلقه مذکور روانه می نمایند یعنی مستحسن است و
فتح محمد خان را تا حال در انجا داشتن چه موجب
باید که برودی فیصله حساب خانمنطه رموده روانه حضور

الصا محی الدین علی ان حسب المعروضه ایشان تاکید شدید

پیام ارشد الله خان بخشی اختام متضمن نمودن هرکار
بداخله و دستخط و مهر ایشان و متصدیان تعلقه دیوانی
و نیز خان تکرار ایجا مرقوم و ملفوف است و کیفیت
دمبر علاء الدین قلعدار معزول جمل مرد نوشته بودند
معلوم شد نامبرده را نوکر داشته معه یک متصدی
برای سراغ معدن سرب که در نیلپوار است روانه
نمایند و هفا دجگره باب اسامی مفروره که در نامبرده باقیست و رطلب نامبرده بتدریج وضع
نمایند

ایضاً شمس الدین خان افراد فارسی و هندی و کنری
بابت حرج رد نوشکی نه سرکار فیض آثار از ابتدای
ششم ماه حیدری لغایت شانزدهم شهر مذکور
تلفیف عرضداشت ارسال حضور نمودند رسید
ام غلام حیدر دار و غه توشکی نه کتب که حواله شما
لرده شد منجمله آن کتاب بحر الجامع براورده ارسال

Julio

مورخ ماه

۲۲ بدر الزمان خان عرضداشت مرسله معه یادداشت
العارضه مولفی و نقد و جنس از نظر گذشت باید که
سرانجام مذکور بر بالفعل نقران مذبور بار نموده خویش
و بهره مستقیم ساخته نزد غلام علی که بربالی ناک تار
هست و از انجا یک نفر از نفرهای ده بحضور آمد نسبت
باید فرستاد که همراه جوانان مذکور با جوانان همراهی
فرستاده ایشان بحضور خواهند آمد و دیگر هیچ تحبس
نموده نگیرند

ایضاً احمد علی تعلقدار مرسله حجاب پناه
از عرض دیوان گجری ظاهر حضور شد شما گفته آمدید
بروانجات بنام شان مهوکان و سرشته داران آن
تعلقه صادر نمیشوند و بنام خود صادر میشود لهذا القلم
می آید که بروانجات صادره نامبردها ارسال حضور
نمایند و انچه یک دو دانش شاهوک متعلقه شما حکم

داشته مابقی شاهوکان را روانه حضور نمایدوں شاہوکان
که خود نموده اند حالش دریافته بتے ان ارسال
حضور سازند

۴۷ شمس الدین خان و علام حیدر سپهر مرتضی از روزنامچه
سواری خاص امیظرف متوجه شده است منجمله تحصیل
هشت هزار هون فقط کلان بی انیرش هونهای
حشر را بهشت کهند و تالسته سر بمهر سرعت سریعه
براسکدار روانه حضور نمایند که سوداگران کاروان
وادن است

۴۸ علام حیدر تعلقدار مکلور مجروح شده تا
تعلقه ملک النی رکه جرانی هستند انهارا روانه
حضور سازند

۴۹ عوث محمد خان دار و غه سقط نوشته بودند که در
حساب حومسقطی وحساب جوده بره ملک سرکار نقاوت
است ان حضور بره مات شده رو مرو عرض خواهند

کرد معلوم شد باید که حساب مرحومی سرداریده باو لیت نموده
ذمه غلام محمد عامل کورپال نموده براسکدار روانه حضور سازند
که حساب مذکور درنجا بدریافت خواهد آمد

غره ماه مطلوبی ارشد بیک خان کرود ورم راج راجه کرت نا
ویک برادر او سیاهت دانند کرپ کاربار ی جمله چهار
نفر را به ملاقات نزد خود طلبیده تعهد ساخته بحضور معروض
دارند دائمعنی را خفیه داشته توقف بعمل نیارند

۳ را مجدد نوشته بودند که در حکومه زبره جوین دارا
حضور و متعینان قلعه جات مدلی جوانان بعمل می آرند
و در باب تصدیق کرده دادن باینها حکم صادر شده بود
کرده می دهد لیکن بتصدیان کچری اهتمام برای متصرفان
عهده جمعداری وغیره نمیکوشند و قاعده این امر در حکمنامه
مندرج نیست بنجا از فهم و دانائی ایشان کشت انچه کار
مدامی است در حکمنامه مرقوم است و باین اعتبار منازعه
هر وقتی که منشور احکم صادر شده دائمعنی در حکمنامه

بطور مندرج نمودند نوشته بودند که سید میر قلعدار جوانان
جش و احتشام و بنره را نوعدم داشته در ردیف
اظهار اتش ان بی داخله ان متصدیان کجری احتشام و جوا
دارند و در حکمنامه انطور مندرج میشد محکوم کنت انچه
در حکمنامه مرقوم است مطابق ان بعمل آرند و اگر برعکس
و سوای آن عمل خواهند کرد در آن شما را دادن خواهد
افتاد

مفهوم

۴ شمس الدین خان در علام خیدر صلع است هزار سوار
کلان و پیاده بنوه جوری شال و دوشالان جامه دار بر
اسکدار که روانه حضور نمودند رسید ترجمه فارسی و
هندی و کنری بابت زر خرچ نوشتگانه که ملفوف
عرضداشت بود ملاحظه افتاد

۵ سید میر در راه راجه ریبا مرروانه نمودن ماروت
کوله بتعریف چهار صد براس کاه تیار کرده اند و جهت
بدرقه تعویق است باید که حسب درخواست بشاره مرقوم

بدهند کہ باروت وغیرہ روانہ شود

اظہار راجہ رام چندر حساب اسنادہای مبایعہ اول مدرجہ
تاکید بروانہ بنام سید میر قلعہ دار مرقوم و ملفوف است
رسانیدہ و مدرقہ کرفتہ و باروت و کولہ متعینہ روانہ
نمایند

شمس الدین ارغلام حیدر و یک منصدی و دو
کماشتہ دو دفتر توشکی نہ نفری بودار و غہ و منصدیان
توشکی نہ جنسی و یک منصدی کچری دیوانی بتین و یک
کماشتہ دفتر دیوانی کچری بتین را تشخیص قیمت بارہا
کنانیدہ بستہ ہا بستانیدہ بردارند

راجہ رامچندر حساب فیصلانی تعلقات کہ حضرت
بموجب حکمنامہ بازدہ فلم است و تاکید بقلم آمدہ بود
دریں آمد کہ در وقت فیصلات اعتماد منصدیان نکردہ
دایشان و مرہٹہ علیحدہ از ہمدیگر حساب خام وصول
دریافتہ فیصلہ نمودہ باشند

ه محمد عیات سپس ازین برآمی روانه نمودن هرکاره
بقلم آمده بود و حال هم می آید که همراه هرکاره مسطور یک
هرکاره انچه داده بلاتوقف روانه حضور سازند

۱۱ اعتمادی توجه فراست یادداشت اردوه مرسلاز
نظر گذشت دران که عطریات مرقوم ست استعمال
نرنک و مجدبیک حکیم یونانی نبض اردوه های یونانی را
گذاشته دواهای استعمال نرنک که نوب بندند مخص
برای انکه بمردمان داده منافع خود نخاهند یادد
یادداشت اردوه یونانی ازنامبرده نوب بنده
ارسال حضور سازد که فرستاده خواهد شد

۱۳ اسمس الدینجان سخار و نقاشش که متعین بکلور
شده اند حاضری وصول هر هر نفر که تا کجا یافته آیند و
از کدام تاریخ دادن شد نوب بنده ارسال حضور
نمایند که از حضور بدستخط و مهر مزین شده به بکلور فرستاده
عرضداشت خود که بحضور ارسال میدارند تاریخ ان

انشاء الله

125

اندرون نبوشته باشند

۱۴ سید محمد فلعه ارزین کتاب حنا دولی برهنه در خانه
شریعت پناه قاضی احمد شریف مست باید که از انجا
جلد مذکور گرفته بحضور روانه نماید و اگر جلد مذبور در
خانه مذکور نباشد معرفت شان بهمرسانده بحضور
ارسال دارند

ایضاً شمس الدین جان کتاب شرح هدایه و مجموعه حاشیه
و شرح صراط المستقیم هر سه جلد مرا سکدار ارسال
حضور نماید

ایضاً میر مرتضی دار دغه توشکی نه عرضداشت مرسله
معه دو فرد باد داشت ملفوفه بابت تیاری رقم های
جواهر و طلا و نقره از نظر گذشت و کیفیت معروضه
ظاهر گشت باید که خبر گیری جواهر خانه و زر گر خانه مدام
گرفته از تاکید رقم تیار کننده باشند چنانچه بر جواب
شما راجع اری ملفوف بست تاریخ عرضداشت اندرون

منوشته باشند

ایضاً بیک اسکدار بین هرکاره اهلکاران انجا
عرایض حواله شما نمایند فوراً روانه حضور مکرده باشند
تاریخ عرضداشت خود اندرون می نوشته باشند

ه اسمش الدینجان و بهر سر لفظ و غلام سید بهر یکدام
بابت شش مثقال و یک گرسی نقره نوتباز که ارسال حضور
داشتند معلوم و مستحسن شد و سابق سوجی و مبده
که ارسال حضور نمودند نمایند ه نباید فرستاد
که در ضلع فرح یاب حصار کندم خوب میشوند و سوجی
تحفه از انجا می آید

ایضاً محمد اشرف تعلقه سروبل دجانگل سری که
شیخ سرکار آمده ست آن رفعت نشان بهر دو تعلقه
مردآدیان هشیار رادیده برای عاملی هم دو تعلقه
دیهم سرشته داران باهوش مقرر کرده روانه نمایند

ه اسمش الدینجان دو قطعه عرضداشت مرسله معه

Fulum

محتهای زر موجودات توشکی نه وهم افراد خرج زر توشکخانه
که ارسال حضور بود از نظر گذشت خانه مرتخه فارسی
برای زر امانت داشتن و خرج نمودن و سخط فرموده
و برتخه هندوی در باب امانت داشتن و خرج نمودن
نوشته داده و الیس فرستاده شد مطابق ان بعمل آرند
نوشته بودند که برای فرستادن دو شیشه ساعت و یک
دوربین و سوم معه پروانه حضور نزد عامل کورمال ارسال
شده بود خانه شیشه ساعت و دوربین فرستاده
و سوم بود بنام محمد غوث پروانه اگر مرحمت شود سوم
طلبیده خواهند داد معلوم شد بنام مشارالیه پروانه
جهت طلبیده دادن سوم فرستاده شده سوم طلبیده
خواهند داد باید که سوم هم پیش عامل کورمال روانه

محمد بیگ و محی الدین رضا و میر قاسم مشورت

اسد اللهی نوشته شده بود الحال موقوف نموده شد
خانهایات ضرورت نیست

ایضاً عامل وحی مشکل نوشته بود مکتوب انار ارسال
حضور نموده شد معلوم گردید انیده انار بحضور رساند
ورسانده همانجا بفروخت باید آورد

ایضاً راجه رام چندر عرضداشت مرسله معه بارده
روبیه نذر از نظر گذشت آینده هم موافق حکم به
بعمل باید آورد

ایضاً سید بیر عرضداشت مرسله معه هجده روبیه نذر
از نظر گذشت آینده هم موافق حکم به بعمل باید آورد

ایضاً سید محمد قلعدار پتن عرضداشت مرسله معه
بیست روبیه نذر از نظر گذشت آینده هم مطابق حکم به
بعمل باید آورد

۲۳ راجه رام چندر بخط عرضداشت مرسله از نظر
گذشت نوشته بود که نرخ قدار فرمایش است وجها

25,1 Julio

Jalooey

قلم کنبتی رای در انجا منهاران میکوبند معلوم شد نرخ
مذکور مناسبت باید که نوار سوتی خرید کرده کارکنداها
جاری دارند دموازی پانصد اطل نوار سوتی باب
خیمه خرید کرده بتوشکی به پتن بفرستند برادر نگلان
اثنان که سبب بیماری در انجا آمده اند معلوم شد
از حکمای انجا معالجه کنانیده بعد حصول صحت کلی
روانه حضور نمایند بعامل اوتری درک بازنا کید باید
نوشت که دو دیگ خانه سفال پوس برای دارالشفا
مرادی تیار کرد انیده بدهد

ایضاً سید جلال الدین خان بتوسط نوشته بود ند
که دو هزار و سی و هشت راس اسپ کوهی خود
نعل طلب اند معلوم شد پس از ین بتوشکی به پتن
جهت فرستادن دیه های نعل مبلغ حکم فرموده شد
از انجا روانه شده است خواهند رسید میرحاشم علی

۲۴ میرقاسم علیخان اسکدار فیض حصار نوشته بود ند

Ali
112(a)

که در بندال یکهزار پیاده و پانصد بارزوسه صد سوار
ناظم کرنول فردو آمده اراده رهانیدن ملک خود که
بضبطی سرکار آمده است دارند معلوم شد چه وسواس
است اگر همچنین حرکت خواهند کرد باداش آن
خواهند دید

~~۴ سید محمد بخشی اسدالهی کجری نوشته بودند که~~
سعید خان لب محی رساله عبدالنبی کاسهای قلعه ساخته
است و حیدر علی نامی بزرگ دار عسکر برادر میر نظام الدین
سالدار او را آموخته است و هر دو برادر بزرگ داشته
اند معلوم شد باید که هر دو نفر را حواله سید محمد قلعدار نمایند
یک پروانه بنام سید محمد قلعدار علحده برای سکدار و ثانی
بنام محمد بیک بخشی کجری عسکر مرقوم و ملفوف است نوشته
بودند که رستم لب محی جا و انگیز خورده حرکات بجا
میکنند اگر حکم شود چندی برای عبرت دیگران او را
نزد ارمغده بدارد معلوم شد بهتر است

3 Julia

Zulaby

ایضاً میرکاظم درسرکار مقرر فرموده شده کسی که
در پی یاریان اهل اسلام چنهی بنام شما از بردعامل
کوتریال و منجیسر و کلیکوت آمده اظهار امر صحیح نماید داد
و در پی یاریان مسقط شهرت ایمنی بدهند

Ar Mss
113(ff)

۲۹ محی الدین علیخان نوشته بودند که سراغ سرب پیدا
کردند و موافق نمونه سابق بهم آمده هفت زنبره آن را
عسکدار روانه کرداند و سرب که بری آید بر کاوا
کرایه روانه سازند یا کسی دیگر از حضور می آید ارشاد
شود معلوم شد باید که سرب مذکور در قلعه سند هوت
جمع سازند و از قدیم دستور است هر جا که معدن سرب
است زیر آن معدن نقره یعنی خاک نقره میشود باید
که خاک مذکور طلبیده بمکان مطهور جمع نمایند و مردمان
شناسنده های خاک از حضور فرستاده میشود

Fr Ms Mss
113(aa)

۳ شیخ بن العابدین شعبه مسقط در باب دریاچه
بود که معروض نموده بودند معلوم شد باید که کیفیت دریاچه

Ar. Mss 440
113(f) 451
113(g) 454

خود بعامل کوریال بگویند چراکه در داون طلب و نخواه
نبود اکران ذمه شان رالیه است

الضا مرتضی کیفیت رسیدن نقره بورن سی و
هشت هزار و نهصد پنجاه و چهار مدار الضرب
ظاهر گشت مابدکه از دست کارپردازان اسد اللهی و غیره
روپیه های حیدری سلطانی بزودی تیار کنانند

الضا شمس الدین خان عرضداشت مرسله خود دائر
کیفیت اقرار تیاری حساب قرار واقعی بارکیران
از نظر گذشت و کیفیت معروضه ظاهر گشت چنانچه
یادداشت مذکور ملفوف است از زجر و توبیخ و
تنبیه بمنصبدیان کچهری بارکیران بزودی زود حساب
مسطور از بسز اولی تیار کنانند در نیاورده قدغن بلیغ
انکار

عرض ماه یوسفی غلام علیخان در تملک سرکار در خت
کافور مدار کرده دوشیشه عرق او برای ایشان
ارسناده

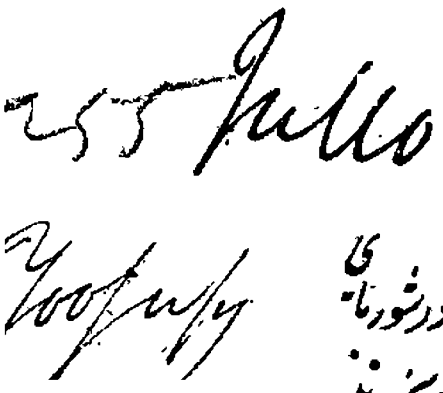

فرستاده شده باید که بپای خود مالیده و در شورپای
کاشت هم عرق مذکور بقدر یک تولا انداخته بجوشند
و کیفیت فایده او معروض دارند زیاده چه نگارش
رود

ابو سعید چغتائی بارخان دیوان فرح باب حصار نوشته بود
که شصت هزار هون کنی رای رانا از فرجات حصار
روانه دربار داد نمود و متعلقداران بنگاپور و لکهیسر
وغیره تاکید فرستادن زر موصله بدربار داد که حکم
فرموده شد باید فرستاد و اینده انچه بدربار داد
فرستادنی است از حضور مرحمت خواهد شد زیاده چه

ایضاً زین العابدین بخشی احشام فرح باب حصار دو قطعه
عرضداشت سابقه چهار یادداشت راهداری مطلوبه و
بقی پای اشیای کتور از نظر گذشت چهار قطعه راهداری
بموجب نوشته ایشان مرقوم و ملفوف است زیاده چه
مقام منصل تکاوپری

۱۰ معه شمس الدین خان و غلام حیدر ده قزلباش بابت
اول و یک ساری مهتابی کارچوبی و سه ساری سفید
بابت کناره زری و دو ساری سیاه سر کناره
زری جملگی نرده نهان که بر اسکدار ارسال حضور
نمودند رسید

۹ غلام علیخان نوشته بودند که تاریخ ۳۰ قلوی
منکر رسیدند فردا که ۹ است معه لطف علیخان
بموضع قدری روانه میشوند و محمد خنف به ۱۹ معه
بسته های سفید ناب بموضع مزبور روانه شدند معلوم
شد که سرانجام که همراه محمد خنف روانه کردن است
باید کرد و ایشان هم سرانجام نموده زود روانه شوند
و مردمان همراهی شما مطابق تصدیق حاضر ماید داشت
و یکنفر چوبدار از روی یادداشت طفوفه که کم است
بسید محمد قلعه دار بتن تاکید نوشته شده است تا نهم
خواهد رسید

۱۵ کوکی

دار وغه امرت محل کوسفندان سقط شده را بر عایا
داده زر قیمت ان میگرد مکشوف گردید در نیاده
حکم مه نزد دار وغه مذبور نوشته داده شد شما هم
نقل آن نوشته گرفته موافق ان کار بند شوند و
کوسفندان سقط شده را فی راس یک و نیم قلم
بر عایا داده زر قیمت ان میگرفته باشند و گاوان
و جاموسان وغیره سقط شوند جریمه آن بر آورده
رنگ دهانیده برای سرکار باید داشت و رسید
کوسفندان وغیره بدار وغه مسطور باید داد زیاده

Left: 144
Cat. 7

ایضاً بمحمد اشرف عرضداشت مرسله معه یادداشت
ملفوفه زر وغیره روانه شده توشکی نه تین از نظر
گذشت در یاده نوکر داشتن ده نفر الکی جدید نوشته
شده اند معلوم شد برای تحصیل وغیره امورات کچهری
ضلع تفریباده از متعینه قلعه قرار یافته اند باوصف
این همکاهداشت الکیان شد برای جلو منظور شده

باشد باید که از پیاده ها کار تحصیل وغیره میگرفته باشند
زیاده چه

اظهار راجه رامچند نوشته بودند که مزدوری رنگ
قی نهان ببری بشش فلم کنی رای مقرر است تا جان
مستدعی افزایش اند معلوم شد شما مناسب دیده
قیمت رنگ نهانهای مزبور مقرر نمایند و رنگ دهنده
رود زود روانه میباخته باشند زیاده چه

۱۸ امیر عبد الملک قلعدار سکوته نوشته بودند که
ببری قلعه بسبب بارش شکست شده بود ایشان
درست کنانیده بسبب عدم سنگ کار آن معطل
داشتند معلوم شد باید که دوران همانجا بهر سانیده
کار ببری باتمام رسانند

۲۲ یوسفی سال جلوس شاه نور الله مرقده اسد الهی
سزاول جنس روانه از حضور شده اند خواهند رسید
موسم اخر شود تنخواه نموده احاسر و غیره مرمت

برادر اینده خود هم روانه شوند

نام سنه بنام راجه رامچندر حسب درخواست شما
یکقطعه راهداری ملفوف کاوان تات بتی دیغره روانه
حضور نمایید

الفاً ترجمه علیخان حسب درخواست شما بروانه
تاکید بنام راجه رامچندر صادر شد که هرگاه سری نواس
راو مقصدی فارسی نویس کماشتها بهمرسانیده
بکار ماموره خود سرکرم خواهد گردید در ماهه سررشته داری
و در ماهه کماشتها از همان تاریخ باید رسانید زیاده
الفاً راجه رامچندر ترجمه علیخان مقصدی فارسی نویس
برای سررشته داری انجا بهمرسانیده جهت رسانیدن
و در ماهه سررشته داری او بروانه حضور بنام شما
خواسته بودند لهذا نوشته میشود که هرگاه نامبرده
کماشتها بهمرسانید بکار ماموره خود سرکرم خواهد
شد از همان تاریخ در ماهه سررشته داری و در ماهه

Enclo

کجا شتها باید رسانید زیاده چه

ه ۲ تا جه را مجدد برای عنایت فرمودن دو قطعه
راهداری یکی بابت دو صد راس گاو بارودکوله
معه پنجاه نفر سیاده و غیره جهت رد انکی بفیض حصار و
باقی در باب ارسال نمودن بحضور شتاد و نمزل کندله
بحمل چهل راس گاو معه بیست نفر کباری وغیره که
نوشته بودند معلوم نشد جهت معروضه شما دو قطعه
راهداری مرقوم و ملفوف است بارودکوله بفیض حصار
روانه ساز مزدکندله ارسال حضور نمانید زیاده چه

الفاتحه ۵ نورالله یک جلد کتاب فتح المجاهدین
سر بمهر بعنایت محمد امام جیکا جوقدار جیش فرستاده شد
خواهد رسید باید که در نمی واخله کتاب مسطور رد
منصدیان خود نوشته نشده و جلد مذکور نزد جوقدار مسطور
داشته تاکید نمایند که موافق کتاب مسطور هر روز قوا
نمکنشده باسندوشما هم در باده قواعد کنا سدن سر

بقید مزید دارند

بیضا راجه رام چندر انچه کیفیت بهمرسانیدن دو نفر
صیقلگر برای کارخانه سمس اباد و از تعدی گذاشت
کنانیدن سید میر قلعدار انجا نوشته بودند معلوم شد
قلعدار مذکور سخت بجا کردند لهذا بروانه تاکید پیام
مشارالیه مرقوم و ملفوفت برسانند و صیقلگران
گرفته جائیکه در کارخانه مطلوب باشند روانه نمایند
برای تقرر جمعبدی تعلقه بونکور که از کدام هوبلی
باید کرد نوشته بودند معلوم شد جمعبدی هوبلی
کی رای باید نمود برای روانه ساختن عامل کولار
مرقوم بود قبل از حصول عرضی شما عامل مذبور روانه
شده رسیده باشد و الا خواهد رسید

"ف" شاه نورالله دو جلد کتاب فتح الملک المبین سر
بمهر یکی بصحابت محمد امام جوندار حشم و اسد اللهی
فرستاده شد و دیگر همراه کمال چیله حضور فرستاده شد

Julio

خواهد رسید باید که داخل کتب مذکور نزد منصدیان خود
نویسانیده یک جلد برای داشتن نزد جوقدار مسطور
باید داد موافق ان مردم را قواعد مسکن نبده باشند
و جلد ثانی پیش خود دارند و شما هم برای قواعد کنانیدن
مردم تقید بکار می برده باشند

ایضاً چیتی بارخان نوشته بود مدکه راجه هرسن بلی برای
فیصله نزد شکش ملکیار را فرستاده لنکیار را معه دلوای
و پسر خود کوبند ایار افرستاده است شما ملکیار را معه
متعلق او و کوبند ایار را طلبیداشته اند معلوم و مستحسن
شد بعد رسیدن ملکیار معه متعلق و کوبند ایار در انجا
داشته پسر خود و کوبند ایا که معه دلوائی در انجا رسیده
است انهارا هم تا سبیل نزد مذکور باید داشت و از
معرفت کوبند ایا انفصال معده هندی نموده نامبرده
را برای ایصال نزد سرکار روانه هرسن علی باید کرد

۴۶ غلام علیخان بعد رسیدن روم پسر اول و جوانان

716 (4

اسد اللهی بی نفر چهار چهار طرنک یعنی توشه بعد از
روز دها نبده قواعد میکنا بیده باشند

۴۱ ابو سفی بسال حوار مقام پتن بنام برهان الدین فرستاده
فرستادن طلا و نقره و جواهر و اسپان و فیل و غیره بابت
دیبای کتور و غیر ردانه ساختن دیبای مذکور معه متعلق
ان همراه بزک های معتمد با حتیاط بحضور و اینکه از کاربافان
دیبای مذکور کسانیکه متعلق مدت سته بی اعتمادی
باسد باز نجیر کرده بموجب ترقیم سابق بحضور روانه

۴۲ قصه بنام سید پیر قلعدار بجلور نوشته بود بدانکه قریب
سه صد جوان حبشی و اخشام نوملازم شده اند و برآورد
انها نبرد متصدیان نوب نبده دلو سران پیش متصدیان
دیوانی منوب نبد با وصف این راجه را مجدر عذرها در
پیش می آرند معلوم شد شما حکم مه خود را در طاق
نسیان گذاشته نگرا ربی دلا یقی میسازد و انچه راجه

مذبور اظهار دارند واقعی است اگر شما حکمنامه خود مطالعه
نمایند احتیاج نوشتن حضور نیست زیاده چه

ثانی ۲۹ بوسفی سال جلوس مبارک مرزا ابوالفتح مسموع حق
شود که مشهور فوج سنگین خود بارادة دعا نمودن بر
فوج شما روانه نموده است لهذا اعلام می آید که بمجرد ورود
این برواله شما معه جمعیت خود بما دواو فرود آیند
و در ولیت بهیرو بنگاه فوج خود سلک نکرده نمانند
و خود معه فوج جریده باشند و در نهاده احتیاط و تقید
کلی بکار برند نشود که خدانخواسته فوج مشهور دغا کند
زیاده چه

---

۱۹ غلام علیخان چهار شخص حاجی نروان معالیمرتبت
رسیده باید که ایشان در بصره بجائیکه فرود می آیند
نامبرده باهم فرود آرند

ایضاً ۲۲ ابزدی دلطف علیخان وشاه نورالله خان
قلعی دسه سریح دسه مدک بقیمت سی و شش هزار

دو صد و سی روپیه در یک صندوق داشته نزد مهر
خاص نزد ایشان فرستاده شد ایشان او را کرده دیده
باز مهر کرده نزد خود باید داشت و سابق سه فلغی و سه
سر بچ و سه بدک در حکمنامه که مرقوم کشته بود لاکن
قیمت سبک داشت بنابران انرا موقوف کرده
حال رقوم های سنگین دیده که باید داشت ان ملفوف
است میرسیده باشد نقل ها باید داشت ملفوفه در
کتاب حکمنامه باید نویسند

فوج جانفشان برهان الدین بحضور خبر رسید که هولکر و
کاکوار و غیره فوج مخالف قریب سی هزار سوار روانه
شده میخواهند که بران نورچشم زیرش نماند و وکلای
سورا پور دالا و زمیندار ان کیچن کهود و غیره تعلقات سرکار
که بیش تا سردار مخالف برای سوال و جواب رفته
بودند انها هم مستمایه ساخته تاکید کرده اند که شما هم
با جمعیت خود با همراه فوج خود باشند بنابر احتیاط مان

ان

267 Julio 135

Bruton

Letters

1283 (?)

Julio 1868

نور چشم ریب ارقام پذیرفت

۹ بیاضیه غلام علیخان در باب دادن توجه برادر
محمد عمر جوبدار و شیخ مدین جوبدار در انجا حکم شود نوشته
بودند تعلوم شد بهتر است زر توجیه هر دو نامبرده در انجا
میداده باشند زیاده

۱۰ برهان الدین نوشته بودند که بهیرو سنگاه وغیره برادر و
برای مصری که تو روانه کرده لشکر فیروزی جریده و
مستعد داشته اند معلوم شد باید که جلدی نموده از
خبرداری و هوشیاری فایو دیده تنبه بعمل آرند و اگر
نزدیک فرود آیند جستجوی فایو کرده شبخون باید زد

۱۱ راجه راه عرضداشت مرسله معتمی مای اموال
میر محمد رضا کوتوال و کهولی بوا از نظر گذشت و کیفیت
مع وضع ظاهر گشت انچه جواهر و طلا و نقره و نقدیات است
ازسال حضور سازند و مابقی پارچه وغیره همانجا بقیمت
مناسب فروخت نمایند

۱۲ محمد جان همن تعلقدار ترکانی معروض نموده بود
که شما دریافت حساب تعلقه می ندارد و غره کرده اند و
سرارت شما ران جاریست و قلعدار ترکمانی بخانه
خود نشسته است و بکیفر ساده کند اجار همراه شما نبیدند
معلوم شد عامل و قلعدار هر یک علیحده از حضور روانه
شده است بند و بست او خواهد کرد شما از تعلقه خود
جردار بوده بکار سرکار سرکرم باشند

۱۲ راجه رامچندر عرضداشت مرسله سعه خط مفهوم
محمد جعفر عامل انباجی درک از نظر گذشت و کیفیت موضوع
ظاهر گشت خط بار ملفوف است دریافته و مناسب دیده
بعمل آرند عرضبیگی خاص جلوه افروز انجا می
شود انچه بند و بست شدنی است خواهد شد

۱۲ میر فتح تبع تعلقدار بالا پور عرضداشت مرسله از
نظر گذشت و کیفیت برآمدن چیک بنوانان احمدی و
فوت شدن انها ظاهر گشت حسب استدعای شما پروانه

265

جهت داون مارجیل خام بنام تعلقدار بندی کده مرقوم
وملفوف است رسانیده هرقدر که مطلوب شوند گرفته
رسید بداده باشند وخرکیری واحتیاط جوانان مذکور
باید نمود

ن
ه اخشاه حضرت قمر رمدساه نور الله بامید که مجرد دید
پروانه خود را بحضور پرنور رسانند که بعد بهره مالی
ملازمت سرفراز فرموده خواهند شد ودر اندازی آمدن
بشما سعده ازده آدم مرقوم وملفوفست مقام بیر
ا احمدی شمس الدین خان جمع وخرچ نویسکی نه فرش ابند
ششم ماه احمدی سال دلوشه ایچ غایته هفتم ماه
مذکور که ازین حضور نمودند رسید معروض نموده بود
که غایت نامه در باب دابندن کوسفندان از امارت محل
بطفلان تعلقه عظیم الدین شرف صدور یافت که از شکار
فی راس کوسفند بهت دابدک بخته گوشت که تقرر یافته
بست حساب نموده بگوسفندان بدامنه حسب الحکم مدانند

و در باب دادن کوشت راتب چیله های اسد اللهی
منعبنه جامدار خانه هر چه ارشاد شرف نفاذ یابد بجا
خواهند آورد معلوم شد باید که کوشت راتب چیله های
مذکور بموجب طفلان تعلقه نظیم الدین کم در داد دیده
برداره

۲ دامنه الیف عرضداشت مرسله معتمد خان
وزن تیاری حوریهای کنکن و ستاره ها و انگشتریها
وغیره از نظر گذشت و کیفیت معروضه ظاهر گشت و رقوم
صدر بحضور پر نور رسید معروض نموده بودند که طلا
برای تیاری کهاٹ اسرف سدا نند متعلقه جواهر خانه
از سرکار عنایت شده است مکرر برای کندن طلا تخمیناً
یا نصد هون مطلوبست معلوم شد خرد کرده بدا نند
نداشته بودند که زر قیمت مصالح پیاریان منجوا نند
در صاب هر چه ارشاد شود معلوم شد که ایشان تکلفانه
را یکطرف داشته اند و منجوا نند اگر دران قلمی ما نند که

حبش کسیکه بسرکار خرید میشود زران بدهند باید داد
اگر قلی باشد که مذهب نباید داد مقام بنکلور
~~الشه برهان الدین معروض نمودند که قلعدار دامارواد~~
سوای مبلغ پنجاه هزار هون حکمی نبرسید و پنجهزار هون
روانه لشکر فیروزی کرده است وان نورچشم امانت
داشته انتظار حکم دارند معلوم شد باید که مبلغ مذکور
را بخرج آرند و آینده که برای رسانیدن مبلغ بهت
خرج فیروزی که بنام قلعدار مذبور حکم صادر خواهد
شد منجمله ان اینقدر مبلغ صدر بقلعدار مسطور مرحمت
معروض نمودند که یکپرسالہ سوار و یک فشون مردم
حبش برای نسه مخالف از راه جهازی روانه کرده اند
را گر خبر یابید به جمعه سهوران بردارند والا براهی که
رفته اند معاودت نمایند معلوم شد اینده مردمان
حبش روانه باید ساخت مگر سواران متفرقه برای
ذاتی فرستاده تاکید نمایند که فراکی کرده اشیاء

اسان وشتران وغیره عیت ارند مقام بکلور

۱۷ شمس الدیجان گذشت وکیفیت اسندعای
رامداری جهت روانکی سه آدم از نزدان رفعت نشان
بگذرگذشته که خط از انجا آورده بود ونظر ظاهر گشت
عروضه ان دیانت نشان رامداری مذکور مرقوم و
بعوضت مقام بکلور

۱۸ سید عطار سپه دار برای اسندعای برداشه سعلی
بنام صاحداران لشکر مشهور که معروض نمودند معلوم شد
عنقریب سواری خاص در انضلع جلوه فرما میشود
دریافت نموده حکم صادر خواهد کرد میرای درماهه
برادر آن رسالت مرتبت که بخدمت رسالداری سرفراز
گردید نوشته بود نظر ظاهر گشت سابق از کچهری جیش
یاد داشت درماهه رسالداری که ده هون میشود و
رسیده فی تغرد وازده انه فلمی درانی مرقوم شد مطابق
آن هر قدر که جوانان حاضر باشند رسد درماهه میداده

Dulles
293
Khan

ماشند بکلو

ه م شمس الدین خان وغیره برگ کوشش بورزان دوصد
دنخاه دشش هون یکفلم معه مردارند حضور رسیدند
برای تباری انگشتریها طلای با صد هون ارطلای
مرکار که بنابر دارالضرب داده شد از انسان ضا
ف نشده بزرگرخانه بدهند الماس و یاقوت
وزمرد که ازصندوق اینه محل برآورده برای کامکار
بجواهرخانه کرادند بهترشد وصله های نقرئی با بتها
سربتیار کرده بحضور ارسال دارند نمی های تباری مرکوس
وغیره که ارسال حضور نمودند رسید مقام سکلور
الصا
شیخ محمد ایضاً شیخ محمد نامی کاریگر کارچوب بزردان
رفعت نشان روانه نموده شد درکار یگران نزدور
داشته مردوی کار کارچوب ازدست نامرده هم
سیگرفته ماشند مقام سکلور
الصا سید محمد خان شیخ اسد اللهی وکفت کوشان

کتن راوکه سه خط نوشتن بداند و در علم سیاق
دست دارد و حساب و کتاب راست و غیره می تواند
ظاهر گشت چه حساب و کتاب نوشته است از نظر گذشته
و نامه ده را در بر آورده کیفیش عرض نمایند

۴ شمس الدین ای عرضداشت مرسله معه عرضداشت
علی راجه از نظر گذشت و کیفیت معروضه ظاهر گشت
در جواب عرضداشت مذکور پروانه وحسب المدعا
از فعلنشان راهداری و جنفر کلنا نور مرقوم و
ملفوفست بمقام ملوک

۵ بهاری چغتائی بارخان و رزق العابدین عرضداشت
رسله معروضه چهاردهم ماه بهاری رستم منه از نظر
گذشت و کیفیت عارضه سنگ نشانه دولت خان
ظاهر گشت چنانچه مکرر نوشته دوای قی و هفت روزه
دوای خوردن علحده علحده و در نامه سر مهر اسکندر مرسل

Julio

Julius

ست نرمت دوائی قی ایست که دوای قی را در آ
کرم که قدر بهار تولد باشد انداخته بوت نند و بعده
هر وقتیکه قی بشود پیش از قی ماهت تولد اب کرم می نوشا
باشند و وقتیکه ع شش دفعه قی بشود بعد دو پهر شور باب خشک
بخورانند وقت شام مش از طعام نیم تولد اسپغول در
روغن بادام حرب کرده با اب سرد بخورانند بفصله در
یک دو قی حبس بول برفع خواهد شد باز صبحی یک خورا
دوای خوردن همراه ست تولد شیره اب شاخ و برگ ترب
بخورانند همین طور نا مفت روز بخورانند و پرهیز مرغی
نیست مگر مرغ سرخ و سیاه و دیگر اشیای مادی و گرم
باید خورد و غذا قلیه ترب و خشکه ماتحم خربزه و تخم خیار
و خار خشک فی نیم تولد هر سه را شیره کشیده همراه دوای
صدر نبوشند اگر سنگ هم خواهد بود خواهد افتاد

Thus a cure
Cures also the
Tiepsoo and
Chancres of
a Physician

۹ ۴ بر مرتبه عرصه دانست مرسل مبروصه سنه ماه بها
سه مست و نهم ماه طور از نظر گذشت بوده بود که مرگ ظهور

Bhilo

Ahmad

نقره وجهلهای نقره ارسال چپور نموده اند معلوم و مستحسن
هنوز نرسیده اند بعد رسیدن ملاحظه خاص خواهد

~~جمعه~~ احمدی برهان الدین عرضداشت مرسله از نظر
گذشت و کیفیت معروضه ظاهر گشت برای حکم شدن
رسالداری عسکر برادر خورد سید غفار سید دار که
معروض نموده اند معلوم شد بهتر است رسالداری عسکر
نامبرده مقرر نمایند نوشته بودند که محمد یوسف جوهدار
لشکر و در قشون شیخ عنصر سید احمد هر کی رساله خود را
نموده اند معلوم شد انها مکه بهر که نموده اند رسالداری
مقرر ساخته و تاکید کرده بهر که رسالداری تاکتا نند
رسالداری رساله حمل متعلق از حضور روانه شده است
برای صدور حکم بنی مبادی مطلوبات که معروض
نموده اند معلوم شد عنقریب سواری خاص با فضایح جلوه افروز
میشود حکم فرموده خواهد شد

۲۹ اکتوبر

عرضداشت مرسله متضمن بر آنکه سید امین جمعدار بوا از یک
بخشی لاچیان زد که فوت شد و جاعدار مذکور را مدت
دیاز نخیر انداخته مستحکم کرده انداز نظر گذشت سواری
خاص پیش فرد ابصلح با لابور کلان جلوس فرما مبنود باید
ادرا دردست و پا ببری معینی طوق انداخته و مستحکم
نموده در دولی نشانیده از جوکی دبهره مستقیم همراه
خود بحضور رسانند

ه بریان الدین عرضداشت مرسله معه خط جمعدار بادا
که بجام این پور رسیده بود از نظر گذشت و کیفیت
معروضه طاهر گشت ملک داله تاکید بسازند که از حرداری
و هوشیاری باشند و السعادت نشان ماحتاط نمایند
و نقشه کاغذ جهت فرود آمدن لشکر همراهی آن
برخوردار ملفوف مطابقش بر جریده بوسانیده
موافق نقشه مذکور لشکر را فرود می آورده باشند

ه ۴۹ [illegible] ترتیب علیحدا ن و راه را بخیر [illegible] از [illegible]

Bulbo

Mehmed

سمن برنیکه حافظ محمد خان قلعدار کشنکدی روز یکه از
حضور ارشاد و مرخص با قند سمانبر و یکسلری روانه
شدند اگر حکم خواهد شد [illegible] روانه حضور
خواهد ساخت [illegible] وکیفیت معروضه ظاهر
گشت نامه که بت عالیه را از کشنکدی طلبیده روانه
حضور سازد

الصا مجمود علیخان تصدق مردمان روانگی بیکو همراه
نوشته داده شد از دیده مطابق تصدق مذکور
طلب سیاده باشند و انهارا حالی جدا نشده اند تا
زده بگوز بان بفرستند که رفته تباری جهاز انجا را به
بندند که کدام کدام سرانجام شده وجه کامکاری ماست
بعد دیدنش از حضور حکم خواهد شد که سامان و سرانجام
نموده روانه بیکو خواهند شد

الصا محمد بیک بخشی گجری عسکر شتر داس است نگهدار
اسد اللهی داده شد منجملهٔ ان چهار داس حق داده شد

حال وبکر دوراس وهرشش راس راازین وخوا
کرده بدهند

۳ جعفری عبد الفتح عامل ابرود معروض نمودند که
محمد غازی مرد آن شجاعت دستگاه فوت گردید و
درباب بحالی اشان سبد در منشور سرفراز شود معلوم
شد باید که بندولت تعلقه مذکور پرداخته شب و روز
بکار سرکار سرکرم مانده بتکثیر زراعت و رضامندی
رعایا کوشیده ارسال زر بحضور مبذول دارند

القاضی محمد یوسف کوتوال رکاب بارگاه معروض نمودند
که سابق دو هزار و چهار صد و هشتاد و چهار راس پنج
دوانه سرخ وغیره و حال یکهزار و یکصد و نه راس پنج
دوانه ارسال رکاب سعادت نموده اند معلوم شد
بحاشه نصف هزار راس گاوان لمبانه را که محصول
- ف فرموده داشته شده است و از انمان یکهزار
دو هزار راس را روانه نمودن بسیار تعجب مدرک تا کند

نموده ده نفر را سر علف را روانه حضور نمودند

ماشند

الصابدر الزمان خان معروض نمودند که سید میر قلعه
اندیور با جمعی از سادکان در پی تحبس کرفتن رحمان
و سزارت تبکان رفته بودند قضارا در اثناء زدو
خورد قلعه ارمذکور مقتول و مقهوران مخذول و مفرور
شده و آن رفعت نشان یک جوق حبش معه جوقدار
در قلعه مسطور داشته اند و قلعه ار برای مکاندور
از حضور مقرر و مامور شود معلوم شد شما ارانی ناک
شخص برای قلعه اری مقرر نموده قلعه مسطور بقرسید
و برای سه نفر خدمت سزارت تبکان و قطاع الطریقان
مذکور دو نفر سرمان علیحده مقرر و مامور کرده تاکید نمود
که تنبیه و اسیر سازند

و امر قلعه Ar دار و غه اسکدار قصبه حصار برای آمد
خود بحضور که معروض نمودند معلوم شد همراه دلوان

ایجا حضور میاید

~~ایضاً عبد الملک قلعدار سنگوته معروض نمود مذکه در باب~~

توپهای سابق عرضداشت نموده اند و نادوق هم برای

توپخانه دولت جیش و حملهای سرکار ضرورست در سنگوته

بالای قلعه تمام ریخته شد و کماشتیان انجا مشغول به بتن هستند

اگر حکم بنام انجا جهت آمدن انجا صادر شود حکم تیار طرف

معلوم شد بهر قی کماشتیان نموده سنگوته وغیره تیار کنانند

بعد تیار شدن توپها و نادوق هم خواهد رسید نوشته

بودند که سابق بتری یکطرف شکسته بود حسب الحکم

بتری مذکور را مستحکم کرده تیار کنانیده اند

دیگر فصیل سنگی دروده مقصد درجه تیار شده کار کج د

ایک جا ریست معلوم شد بعد له بتری قلعه باتوار

درستی تیار کنانند

~~ایضاً محمد رحیم دیوان دویم یکه معروض نمود مذکه برای~~

شریک نمودن اسلم الشان در خطوط عمال برسما حکم

حضور میخواهد معلوم شد شما را وقت روانگی انجا منشوری
که بنام شاهزاده نوشته داده شد از او اگرده به بندد همچنکه
دران زیب ارقام پذیرفته شد مطابقش کار بندشوند و کر
دران شریک بودن شما در معاملات مرقوم است باتفاق
سومی الیه بکار سرکار سرکرم و حاضر باشند و کر موفقی شراکت نماشد
بدانموجب عمل نمایند

بنام سید محمد خان دیوان سیوم نوشته شود که بمشار الیه
حضور هست داخل نمودن نام ان رفعت نشان در سرداران
شامل نام سید محمد خان دیوان دوم ارشاد صادر گردد

معلوم شد شما را که برای رسیدن بحضور حکم شده بود هست
ماندن انجا که گفته بود چرا در انجا سکونت ورزیده اند

ایضاً شمس الدین خان بکهرکه های سری انچه تیار شده
باشند حواله محمد غوث دیوان نموده معرفت نشان بر
کاوان کرایه ارسال حضور مینموده باشند

ایضاً برهان الدین متصل مصری کوته که فرود آمده اند باید

همانجا در جای قلعه و سپاه جهاری بوده و قابو یافته بر
فوج اشقیا باید تاخت

ایضاً بدر از مال خلق در محکمه نشستن چه فایده باید
که با طراف و جوانب مثل ارکنی وغیره متعلقه نگر سکونت
داشته نبه اشقیا می نموده باشند

اشهر مذکور ایضاً معروض نمودند پیاده هائی که ذخیره
بقلعه کنور رسانیده آمدند میخواستند که بحضور روانه
نمایند لاکن جا بر استماع خبر آوارگی فوج مقهور بسمت
سانور وغیره پیاده های مذکور را در قلعه هرپال و الوتی
وغیره جا بر استحکام منقسم ساخته ایشان در محکمه نشسته
اند معلوم شد موافق حکم مرکه با ایشان نوشته داده شده
دران جمعیت ده پانزده هزار نفر خود داشتن انچه مرقوم
است داشته و جا بجا تقسیم و متفرق ساخته معه جمعیت
خود در ضلع نگر مثل هرپال و ارکنی وغیره سکونت دارند
حالا موسم باران است از کور پال بگیر تا جنس طلبیده

دها

دیگر مردمان جنس و پیاده ها مطابق حکم مرا بجمعیت
ده هزار دوازده هزار رقوم است جمع نموده مثل برکش
و اژکنی و غیره که آنطرف رود تنگ بهدرست سکونت
داشته کیفیتش معروض دارند بعد ازان قسمیکه از حضور
حکم فرموده خواهد شد مطابقش بجا آرند

ایضاً محمد حیدر دیوان مکرر مضمون رسیدن خود به نگرار
راه تعلقه کهمی و اندپور بنابر تقسیم جنسی که از حضور
برلور و سونده رسیده است از نظر گذشت و کیفیت
معروضه ظاهر گشت باید که با تفاق نرسیا بکار سرکار
سرکرم بوده انچه نرسیا معامله میکند در نظر داشته
باخبر باید بود

ایضاً عبد الکریم سپهدار کهری جنس مفصله از سدیکنی
نوشته بودند که کور کل نمکرام زخمی شده معه زن و بچه
در انش افتاده سوخته شد و بلا مفرور گردیدند معلوم
شد مردم خود را فراهم کرده داشته از قواعد آرانده و

درست و مستعد دارند

ایضاً شمس الدین خان داروغ مبلغ یکصد و چهار تومان
دینار واوی شیخ اسمعیل جوقدار رقعه نوشتن بنام
برهان الدین بنابر وضع نمودن زر مذکور در طلب
جوقدار مزبور معلوم و مستحسن شد بعد رسیدن حاضری
وصول سیر محمود سپه دار عوض دو ماه یکی برای تقسیم
دیگری بطریق علی الحساب نزد برهان الدین روانه کرده
نوشته باید فرستاد که عوض یکماهه سپه دار مذکور
رسانیده عوض ماه دیگر نزد خود دارند که آمده برای
داروغ علی الحساب بکار آید و بدین خط بعد رسیدن
حاضری وصول عوض مذبور سپرد ساده باشند

ایضاً براجه رام چندر نوشته بودند که در کارخانه جات
جانجان میله شده و نقره انگریزی نمودن ست و برای
فرستادن آن بعمال متعلقات تاکیدات نوشته بودند
و عمال مذبور در جواب قلمی نمودند که رعایا غدر ایام گشتکار

2807 Delhi 145

دارند معلوم شد چون کشتکار منحصر براینکران نیست
لهذا بالقلم می آید که بعمال علاقه خود تاکیدات مزید نوشته
در سزاولی شدید نموده بقدر مطلوب کارخانه بناوتی
مذکور اینکران طلبداشته مامور نمایند

ایضاً بر راجه دیاک دار دغه مرکاره وزیاده در ساده دل
منشیان هندی و فارسی جهت نوب بندل حکمنامه

ایضاً بر ان الدین انچه از نسبه نمودن مقهور دیرینه
یافتن انها نوشته بودند معلوم شد بدر الزمان خان
را حکم فرموده شد معه جمعیت خود بر دران نور چشم
خواهند رسید آن سعادت نشان با تفاق یکدیگر
دو چهار کروهی کرده بواج موج مخالف کنت و کوچ
ننموده نباشند که دانه و کاه بهرسد و با هم عبور دریای
تنک بهدرا نموده از راه هرن هلی مرخص نوشته
بودند که

الفبا نوشته بودند که در فکر شبخون نمودن مخالف
می باشند معلوم شد اتفاق شبخون کی خواهد شد مگر
همین که دوسته لوهی نوح منموده باشند سابق نوشته
شده بود که ان نور چشم غضب نوح مخالف تنبه کنان
میباشد الحال ضرور نیست همانجا در ضلع کنتور دار داد
و نبرکند و سالور و غیره باشند ان شاء الله تعالی تنبه
اشقیا چنانچه باید بعمل می آید حسن فدویت منشور اول
کنتور و شیر خان عملدار و غیره که معروض نمودند ظاهر شد
چنانچه بروانه برای فرستادن دو جوری حلقه طلا دو سی
جوری حلقه نفره که فی جوری یک دگ خام و زنان باشد
نام محمد حیدر و برسیا متعلقداران مرقوم شد نامبرده ها
نزد ان برخوردار خواهند فرستاد و حلقه طلا منشور اول
و شیر خان عملدار و حلقه های نقری به محصران بطریق
انعام بدهند انچه قصور سواران نوشته بودند معلوم شد
به بخشی انها تاکید نمایند که بدلدهی سواران بپردازند که تا

ان

بوقت کارنامردی اختیار ملتند جانبان که متعینان
نورچشم هستند باید که بقدر کار داشته مابقی را
برای برداشتن دولی های مجروح و بیماران بهر چهار
قشون تقسیم کرده داده مجروحان را القلعه جات
قرب جوار بفرستند و یک نیکه اسپان و شتران
وغیره از فوج مخالف آرند آرند کان را معاف
نمایند

[illegible] نشود دیم بطور انچه اروصول
نشدن مبلغ کند اچار بابت بقایای مرزا احمد حسن
و تصرف نمودن اهلکاران انجا نوشته بود ند ظاهر
شد زر واجب الطلب سرکار بر ذمه که می آید
انامیهای مذکور را حواله راجه رامچندر بنمود که خود
وصول خواهد کرد شما در نباده دخل نباید شد از
لاعرشدن کاوان کوتهی بسبب احتیاطی و اینکه پی
های بنادیق و باروت وغیره موافق حکم حضور تیار نمیشوند

قلمی بود موضوع شد در حکمنامه جهت تباری باروت
ولی های بنادیق قسمیکه مرقوم شده است اگر مطابق
ان بعمل نیاید مواخذه آن ذیه تعلقداران انهاست
از فراشدن فرنگی توپ سازمرقوم بود معلوم شد
فرنگی مذبور را هر نحویکه دانند و توانند بکیر در آورده
بطلبند والا منجر بقباحت خواهد شد و مواخذه آن
از ایشان بعمل خواهد آمد در مقدمه شرح جوانان
امر و تعلقه چیش نوشته بودند که ایشان پنج شش
روپیه مقرر کرده اند و انها نه روپیه درخواست نمایند
معلوم شد کسیکه کم عمر است همین در ماهه و قتیکه جوان
خواهد شد موافق معمول نه روپیه خواهد یافت تباری
باروت خانی های بنادیق وغیره امورات سرکار هرچه
که بایشان متعلق است اگر موافق حکمنامه بعمل نخواهد
آمد باز پرس آن قسمیکه باید دشد خواهد شد
۱۴ منه سید میر در بنولا حاضری وصول جوانان اند اللهی

مرقوم و ملفوف است مطابق ان ماهیانه انها موافق ضابطه
سرکار راجه راجیندر دیوان انجا که پروانه هم درمیان
بنام شان مرقوم است گرفته دست بدست با نفاق بخشی
و داروغه تقسیم نموده باشند

ایضاً راجه راجیندر در بولا حاضری وصول جوابان
اسد اللهی ابلاغ است مطابق ان معرفت سید میر قلعدار
انجا مطابق ضابطه سرکار ماهیانه انها داده رسیدی
گرفته باشند

ایضاً محمد امین و غلام حیدر کیفیت رسیدن مبلغ از
مکرر و ضرابی شدن آن ظاهر گشت باید که بعد صرافی رسید
زر مذکور بدهند و بحضور اطلاع نمایند و از هر جا که زر رسید
رسیدش سپرده باشند

ایضاً میر حیدر علی خان از بخشی گری فضل الهی قلعه دار مولی قر
الافتتاح است ان شاء الله تعالی بعد وقایع انجا سزای
خاص در انصلع رونق افزا میشود باید که خاطر خود مطمئن

داشته بحفظ و حراست قلعه کما ینبغی بردازند و از جوکی
و پهره خبردار و مستعد باشند و سواری خاص رسیده
دانند

ایضاً امین خان قلعدار کوپل بمضمون صدر

ایضاً زین الدین بخشی اخام فرمایند که دو قطعه
پروانه معلی موسومه رجب خان قلعدار کننده کنده و امین خان
قلعدار کوپل مرقوم و ملفوف است نزد قلعداران مذکور
رسانیده نماند و خود هم خاطر جمعی و استقلال آنها بر
نگارند

ایضاً بر مرتضی دارو غه توپخانه بمضمون سوار عرضداشت
رسله معه یادداشت مرسله مرقوم دارند که برای روزن
نمودن بجواهر خانه منصبدان توشکی نه خبر داده
بودند از نظر گذشت حسب معروضه شما مکفیطه راهداری
برای طلبیدن فرزند شما از ستی منکل مرقوم و ملفوف

ایضاً تربیت علیخان فراجه را مجدد در باب روانه
نمودن پنجهزار کوله بابت مست و چهار رطلی و پنجهزار
بابت هجده رطلی برکاوان کرایه بفیض حصار

ام را مجدد دو قطعه عرضداشت مرسله معه دو قطعه خط
مشکار تعلقه بونکنور از نظر گذشت عامل تعلقه مذکور
را تا حال چرا داشته اند باید که او را تعلقه مذکور روانه
نمایند بر طبق مفروضه شما پروانه تاکید بنام قلعدار
انجا فرستاده دادن خلاصیان بقدر مطلوب شما مرقوم
رقم عفو گشت

ایضاً شمس الدین خان داروغه توپخانه بتبن انچه از دادن
طلای شش صد هون منجمله دادنی طلای یکهزار هون برای
کامکاری جواهرخانه سدانند و زرگرخانه و عدم بهرسی
طلا و برای بدکهای ملمعی و غیره طلای دو هزار هون بوزن
می باید نوشته بودند معلوم شد باید که منجمله طلای دادن
دار الضرب برای تیاری بدکها و غیره داده تیار نمایند

Duplicate

۴۴ ایضاً برخداشت مرسله متضمن بر بنکه دو هزار
اکبر که سبری بنابر ردانکی حضور حواله محمد غوث دیوان
نموده اند دابنده نیز هر قدر که تیار خواهد شد متواتر
حواله خواهم نمود از نظر گذشت نوشته بودند که زر طلب
دو ماهه معه راهداری حضور نزد میر محمود میفرستند
و بعد رسیدن حاضری وصول از انجا باز زر طلب دو ماهه
نزد شما رانیه فرستادن راهداری حضور ضرور است معلوم
شد آینده زر مذکور نزد شما رانیه نباید فرستاد که
موم رانیه را بحضور طلبیده شده است

ایضاً مطابق ۴۴ شعبان میرتراب بخیل رفیق وسعادت
پناه سلمه از عرض اخلاص دستگاه لاله ولد راس
عمدگی و شایستگی و قابلیت ایشان بحضور ظاهر شد
لهذا از جیب نگارش می یابد که بهمه وجوه خاطر را مطمئن
داشته خود را بحضور رسانند که بقدر لیاقت و حوصله
ایشان موزد عنایات و فلاح و بهبود خواهند شد

۲۴

۱۴ میر عبید داروغه کچهری عمارت معروض نموده بودند
که در ایام بارش در عمارات کلان دریادولت مانع ما
وصف مرمت هر سال میگذد و بعد استفسار از کارکنان
اظهار آنها انکه کچ وخشت وغیره از جاندنی برآورده
سه درجه خشت باین بحال داشته بالای آن صدر
بله نهاده کچ باید نمود و مناسب دریافت اینست
که از بالای جاندنی دو انگشت کچ کهنه برآورده سه درجه
صدر بله فرش کرده بران کچ نمودن نخواهد چگید معلوم
شد باید که اینهمه کیفیت بسید محمد فلعدار گفته آنچه
بگویند مطابق آن کامکاری نمایند

۱۵ محمد رفیع سپیدار نوشته بودند که داروغه حبس
خانه آن بی اطلاع شما کاوان بچراندن
فرستاده بود و مردمان مقامبر آمده بودند معلوم شد
باید که داروغه مذکور را تازیانه کاری کرده بر طرف
نمایند میر علی بیک رسالدار که از جوانان رساله

جوقداران شرارت میکنند معروض نموده بودند معلوم شد
باید که او را تاکید شدید خان سازند که باز شرارت
نکند

ایضاً برهان الدین نوشته بودند که قلعداران و رعایای
تعلقات باغی شده اخبار باطنی و ذخیره بمخالف میرسانند
معلوم شد باید که انها را بگیر آورده تنبیه سخت بر درخت
او بزنان نمایند که تا عبرت دیگران شود.

ایضاً رئیس العابدین بجهت انتظام فرستادن خبار عرضداشت
مرسله سمعه خط قلعدار کوپل از نظر گذشت نوشته بودند که
بنا بر بندوبست قلعه کوپل و فرستادن هزار پانصد
مردم اخباری معروض حضور نمودند و جوانشن ضابط در
نگردید معلوم شد بیشتر برای فرستادن مردم اخباری
وجواب عرائض انان زیب نگارش نیافته بهت
با این همگان مذکور از حضور مردمان فرستاده می

غره دارائی سال دلوسنه هجری محمد اشرف نوشته
بودند که نامه مبلغ یک لک روپیه وسی هزار هون به
جنس موجودست معلوم شد از حضور ده نفر شتر
معه ده کوتی همراه جوانان سورت سنکه روانه فرموده شد
باید که ضابطه های مسلعه مذکور بسته از خبرداری واحتیاط
بوقت سه پهر که وقت خنک ست شبانه منزل
بمنزل خواهد شد همراه جوانان مذکور روانه حضور
سازند

سنه بربان الدین و کیفیت فراری شدن فوج
مخالف از مکان هت بلی و فرود آمدن ان نورسیده
بجهل کهنکی که پناه گاه مستحکم ست ظاهر گشت لاکن
آن جای شدت باران ست بجائیکه باران کم باشد
فرود باید آورد چراکه اسپان وغیره ضایع نشوند و
مردمان تضدیع نکشند نوشته بودند که در باب
مقید نمودن عبد الصمد خان پسر حکیم خان عرض دلیر خان

Duplo

امنیت که او ارادتمند سرکار است وازو نوعد یکرا داد
فاسد یافته نمیشود لاکن ما این برای فرق نمودن او
ان نورچشم اعتبار حکم ثانی دارند معلوم شد باید که او را
مقید ساخته روانه نکرنمایند حسب المعروضه شما برای
رسانیدن رسد غله تاکید بنام تعلقدار نکروعمال
انضلع زیب نگارش یافته شد باید که تاکیدات
مذکور ما نهار سانیده غله باید طلبید

بهمنه راجه رامچندر معروض نمود بنکه برای ارسال
نمودن کوله های توپ بحضور سید میر قلعدار انجا بنام
خود علحده حکم حضور میخواهد معلوم شد حال کوله های
انواب درکار نیست ارسال نباید نمود

بهمنه الیه نمودن داغ لنگاوان خوبیاری و
فرستادن ان بجای خوب شد موجودات جنس
پارچه دیده وفوقل کرده اوزن کرده یادداشت ان
ارسال حضور دارند وفوقل مذکور بقیمت بدهند مرقوم بود

کارکنان

که رعایای سباری سی هزار روپیه قبول کرده اند و مهلت
دو ماه میخواهند و میگویند که چهار یکس منحصه ما برآورده
رضا دهند تا سیل رسانیدن زر مذکور شود معلوم شد
باید که رعایای مذکور را چهل هزار روپیه مقرر کرده چهار
یکس را ضامن گرفته رضا داده مهلت دو ماه زر
صدر وصول سازند و جنس بارچه منرب هوان کچهری
بکلو بقیمت باید داد

۱۴ امضه محمد علی سپه دار دو قطعه عرضداشت مرسله
متضمن بر یکه دار دوغه جنبی قشون بی اطلاع کاوان
را برای چرانیدن فرستاده بود سواران مقاهیر بردند
ذابحان او را در برک داشته بودند و محمد قاسم
سفارش به برهان الدین نموده رها کرده اند از نظر گذشت
پیش ازین زیب نگارش یافته بود و حال هم زیب
ارقام می باید که دار دوغه مذکور را برطرف نموده عوض او
او دیگری مقرر نمایند و مخیم اقدس بر رود تنک بهدرا

Doc. 158
Ru. 1076
Ru. 1564
Ru. 1520
Inv. 460
Ru. 3001

شده است عنقریب سواری خاص در آنجا جلوه افزود

تصور نمایند

۶ امنه شمس الدینخان دو قطعه عرضداشت مرسله بکی

متضمن رسیدن شجر معه طبق نقره مرسله عامل منجیر و

داشتن ان در کرنکل توتی و ثانی معه یادداشت

یکصد و پنج عدد بدک نقره منجمله فرمایش سابق و

بریف تیاری بدکها بابت فرمایش حال طلا می باید

از نظر گذشت و کیفیت معروضه ظاهر گشت یکصد و

پنج عدد بدک مذکور بحضور رسید و طلا داده دیگر

بدکها بزودی تیار کنانند

۷ امنه محمود علیخان عرضداشت مرسله معه تبتی بخط

کنهری و کیفیت نصب نمودن نخته بادستون بانهان

و داشتن محمد امیر الدین را معه یک مقدی بدرباچه

بنجهون برکامکاری انتی و بوصول آورده روانه نمودن

بست هزار هون نقد و سه هزار مورد غلامات تکراز

۱۵۲۰

نظر گذشت مضمون مذکور را بدرماهه صدر مکذار ندبرای
نصب نمودن تکرای مس پیش ازین زیب نگارش
یافته بود و حال هم بقلم می آید که تکرای مس هر جهاز نصب
کنند چرا که از نصب نمودن تکر جهاز مستحکم و استوار
مرتها می ماند از کار بکران بپرسند اگر بپهور نصب نمودن
تکر مس استواری و مضبوطی میشود بر بپهور نصب باید
کرد و اگر بی بپهور نصب نمودن اب تواری زیاده ست
بی بپهور نصب باید نمود عرض در هر دو در انچه که استوا
باشد و جهاز هزار دو هزار سال درست می ماند بعمل
آرند

~~الصفا شمس الدین خان فرستادن سیه نهان نمودن~~
~~مستحسن نشد هنوز نرسیده اند خواهند رسید~~

~~۵ م منه قطب الملک قطب الدین خان در شکار گاهی اندکی~~
~~کارست بالفعل یک مهر کنش را بدانجا ضمیمه نمایند~~

~~۴ م منه میر غلام حیدر دارد عمارت نموده~~

Hello

بانفاق فلعدار کچکادان وغیره راهمراه کرفته بدریادولت باغ
رفته سرچاندنی عمارت جای چکیدن آب دیده از
کاریکران استفسار نمودند بعد رد وبدل قرار یافت
که حالا از کچ وغیره جای چکیدن آب مسدود کنانیده
بعد انقضای ایام بارش ترمیم آن بواقعی خواهند نمود
معلوم شد بعد برپا شدن کار مرمت عمارت دریادولت باغ
باید نمود بالفعل کار عمارت لعل باغ هیچ باقی نداشته
از رنگ وغیره همه تیار باید نمود زیاده چه

مرقومه چهارم ماه صدر ۱۲ الحجه مرسله منشی

For much
of the Letter of
La Clos, beginning
"Hitherto" to the

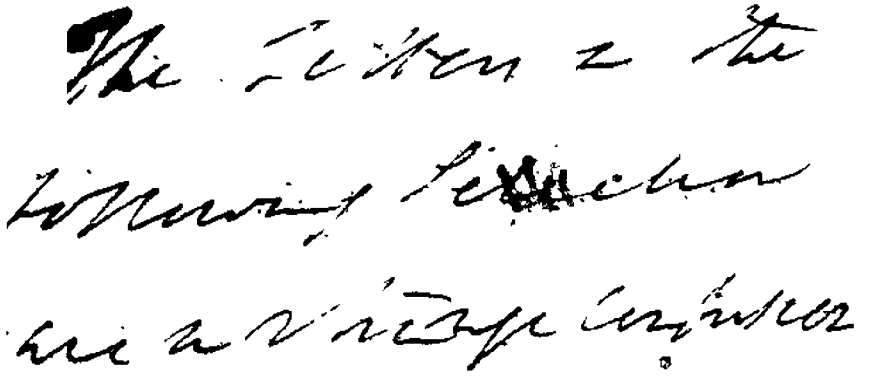

153

۳ بهاری بمحمد اشرف دیوان فیض حصار در باب
نگاهداشتن زر تحصیلات فیض حصار در فیض
حصار و ما بیدق زر بقلعه دار ثمرتن از عامل انجا

بمرمحب علی در باب فراهم نمودن پیاده های قلعجات
متعلقه فیض حصار در فیض حصار

محی الدین علیخان بمحب درخواست راهداری مرسل
شد زر تحصیله و تهان های سبزی و عبره روانه تن
باید نمود

بارسد بیک خان کور کل بنکرام را معه زن و بچه ها
بکیرآورده تجدید مسلمان ساخته باید رفته روانه تن
نماید سلیخ و اسمی بعامل تمک لاهور معه برواته موسومه قلعدار در باب

زین العابدین بخشی بقاسم فرخ بان حصار برای
دادن ذخیره بقلعه رن کبری تاکید دیوان انجا
بعامل زن کبری نوشته شده بحصلی ذخیره عامد قلعه
باید کناید و برای هرتی بودن پیاده ها موافق معین ضابطه

ادارن بمتعلقه پیاده ها در باب راهداری مرسل شده

Dulles

بقلعدار آنجی تاکید باید نوشت

Richey

سنگ کری برای تبدیل ذخیره بخشی
نوکری خود نوشته تاکید طلبیده ذخیره معرفت عامل
تبدیل باید کرد

مرزا جعفر تعلقدار انباجی درک پروانه معه راهدار
فرزند نامزد برای رفتن اول کونده برای
شادی و تاکید درباره زود باز پس آمدن

ہم ماہ بہاری سال دو سو سہ ہجری کو نرجنا
رفعت و عوالی مرتبت شوکت و معالی منزلت
ملاذ مہربان معاذ مخلصان دام مجدہ رقیمہ خیریت
ضمیمہ متضمن تقرر یافتن خدمت کورنری بندر بنیاں
از ولایت بآن رفعت مرتبت و رسیدن
خود در ماہ جمادی الثانی بہ بندر مذبور چہرہ آرا
وصول شدہ مسرور و مبتہج ساخت مرقوم قلم

To Richard Co
Campbell
15 March 178

365 Aleppo

Berlin

وداد رقم شده که حرکل والا تعلقداران سرکار با تعلقداران
تلجری آراده آویزش دارد و بمعنی منافی این دوستی
ماست باو تاکید شود که از بمعنی باز آید و مراتب مصالحت
که فیمابین سرکار و کمپنی مبسوط و مربوط شده استحکام
و افزایش آن ملحوظ و منظور موضوع گشته فی الواقع
چرکل والا از تعلقداران سرکار است سابق نامبرده
چند موضع تعلقه چرکل پیش تعلقداران تلجری بطریق
گروی داشته بود درینولا نامبرده از تعلقداران
تلجری سوال و جواب نموده که حساب داده دستخط خود
فیصله باید نموده و مواضع گروی باید گذاشت و درین
باره فی الجمله درمیان چرکل والا و تعلقداران تلجری تکرار
درپیش آمده بود چنانچه دوسه نفر تعلقداران تلجری
این مقدمه بحضور انگاشته و از حضور بنام تعلقدار
چرکل تاکید بتعلق آمده که حساب داده دستخط خود
از تعلقداران تلجری بواجبی فیصله باید نمود چون

فیمابین اینجانب و اهل کمپنی مراسم مصالحت بضبط
است درشتی ننماید کردجر کل والا در جواب نوشته
که حساب داد دستند بواجبی فیصله می نمایم و
نیز تعلقدار تلجری بحضور نوشته بود که این
کیفیت بکورندر رسمی نوشته بودم در جواب
رسید که حساب خود فیصله نموده مواضعات
بجر کل والا نگذارند چنانچه مطابق آن بحساب
فیصله نموده مواضعات می گذارم کپتان
تلجری بزبان آنملک خط نوشته بود لهذا
از فارسی ترجمه کنانیده ملفوف است موضوح
خواهد شد دوستدار را با این مراتب مصالحت
که با اهل کمپنی بعمل آمده است و استحکام آن
و نیز فیوماً افزایش مودت و محبت منظور
همت بوصول رقیم خیریت ضمایم مسرور دارد
سازمان باید داشت زیاده چه جسارت مدام

۳۰ Oct 153

ترجمه خط لیتان بلجری که بحضور رسیده بود روی
درم راح تعلقدار جرکل به بنده نوشته بود
موضع رندژه که ازان خودست باید گذاشت
وحساب کرده زرخود انچه واجبی باشد باید گرفت
لهذا بنده به کورندور بندرمنی این کیفیت
نوشته بود درجواب رسید که موضع مذکور
بتصرف جرکل واله بگذارند وحساب کرده زرخود
بگیرند روی درم راح مسطور پیش ازفیصله
حساب موضع مذبور بتصرف خود میخواهد نبا برده
تاکید شود که اول فیصله حساب نموده بعده
موضع مذبور بتصرف خود بگیرده

Hellany

۱۳ Nov
1786
Let. 138(6)
Let. 495

هفتم ماه بهاری سال دیو به میرغلام محی الدین
قلعدار کبجن کوه شوکت وتهوردستگاه
شما همه وجوه مستقل ومطمین باشند وهیچ
وجه وسوسه نمایند فوج مخالف دران نواح

Hon Hellany acquainted the Envoy of
monies in arrears and with the Captain's
determination at the above period

جقدر دکدام کرام جا فرود آمده است بقید نقد
بعین جمعیت و تمام هر هر مکان مشروحاً نوشته بفرستند
و تفید بکار برند که رسیدن این پروانه و این مضمون
باحدی ظاهر نشود

میر محب علی بخشی فیض حصار بهاری
عرضی مرسله از نظر گذشت زر طلب مردمان سنبهه
قطاع متعلقه شما از محمد اشرف دیوان گرفته بفرستند
و کمک قلاع مذبور نیز بعمل می آید

برین العابدین بخشی رح باب حصار سه صد و پنجاه
و سه سردوران و دوران کازکل و سنگ که حضور
روانه کرده به بنین رسیده باسد دیگر دوران نیز به
بنین نزد محمد مهدی بخشی و محمد غوث دیوان انجا
فرستاده رسید مطلبیده باشند

۹ شمس الدین علیخان وغیره دار و غه های توشکی
کتاب کنز اللغات مرسل ست در کتب خانه سرکار

30 Delhi

نگاهدارند

بهر میرابراهیم تعلقدارست مارعرضداشت مرسله
ازنظر گذشت معروضداشته بودند که زرتحصیله به
توشکنی نه کلنکوت فرستادم خوب شد مرقوم بود
اگر حکم شود برادران خود لنکار تعلقه مامور نموده خ
را بحضور خواهیم رسانید معلوم شد متعاقب این
شما را انجدمت عمده هامنجا سرفراز فرموده می شود
بهمه جهت خاطر جمعداشته در ماهه سرشته دارجدد
بموجب تصدیق میرسانیده باشند

ا ابهاری بزین العابدین بخشی تعلقم فرح باد
حصار در باب دادن اهل رقمه برای خرچ
حسن علی حکیم در روانه کردن نامبرده بحضور معه
راهداری
بدست علیخان معه دو پروانه انعام میدهید کلیم الله
وقاضی محمد عابد

† The Sumame is omitted in the original but as there is no doubt that the letter is addressed to Mr. Macpherson

† بعد از ماه احمدی ستر جان کور نر جنرل بنگاله
رفعت و عوالی مرتبت شوکت و معالی منزلت طلاز
مهربان معاذ مخلصان دام مجده رقیمه خیریت ضمیمه
بهره آرای وصول رشده مسرور و مبسوط ساخت
انچه از شنیدن کیفیت ارادهای سرداران نا
بخلاف کمپنی انگریز با ستر ضای انجانب نوشته
بودند معلوم و موجب بس تعجب شد از مدت
بست و دو سال نابران از سرکار منحرف و بارها
مصدر فساد شدند از همین تمامی انگریزان واقف
اند و پیش از چند روز بسبب خیره سری نبیه واقعی
نموده بتباه هزار کورکه را مع زن و بچه ها از مسکن
انها اخراج کرده شد ایمعنی از کمال اشتهار محتاج
شرح و بیان نیست مرقوم قلم و داد رقم شده
که راجه جرکل متصرف رندتر اشده با کنان تلخی
مناقشه دارد موضوع شد قبل ازین کنان تلخی

لطفو

377 Gulle

حضور و سبب بود نه سایر راجه جرکل موضع مذبور را
کردی داشته تمسک نوشته داده بود الحال تمام
دارد که الحال حساب خود فیصله کنند و موضع خود
بازپس بوجه ایجمله کیفیت بکور نرمنی نوشته بودم
جواب رسید که حساب خود فیصله کرده موضع او باو
واگذارند لیکن راجه مذکور پیش از فیصله حساب منصرف
موضع خود شده باو تاکید نمود که بعد فیصله حساب
موضع خود بگیرد چنانچه برطبق ارقام کپتان مذبور به
راجه جرکل نوشته شد که اول حساب فیصله کرده بعد
موضع خود بگیرد از انجا که قوم انگریز براستی و درستی
معاملت مشهور است لازم که به کپتان ملحری تاکید
برنگارند که بوا جبی حساب خود فیصله کرده موضع رامه
مذبور واگذارند بسمت نگارش یافته بود که برای
اوردن و بردن مرچ سیاه والایچی و صندل بمردم
انگریز مرد انکی باید داد مکشوف گردید پیش ازین از

بعضی سبب اشجار مرح سیاه را یکقلم قطع کنند
شد و قوم کورکه ها را بهمه شرارت اخراج نموده شد
چون نامبرده ها زارع الایجی بودند از نبودن انها
رزاعت الایجی یکسر موقوف شد و درختها
های صندل از ممر قطع شدن هر ساله یک درخت
کلان نمانده مگر درخت های خورد و نونهالان تا
اندلهذا قطع کردن آن موقوف نموده شد که
درخت های کلان و بهتر و خوش بوشوند چون
همچنین انگریز و سرکار دستی و یکجهتی متحقق و
روز افزون ست اگر همچنین استمامی بودند البته
بروانکی خرید و فروخت بردوم انگریز داده می شد

الاحقری به برهان الدین عرضداشت مرسله
از نظر گذشت کیفیت مندرجه موضوح انچه از قلت
غله جات نوشته بودند معلوم شد ملک بکر قرب
ست متواتر بوفور از ملک مذکور غله می طلبیده

Delhi

باشند اینقدر فوج بیکجا تعطیل نشستن چه معنی دارد
از دفعه ده روز گرفته ده بیست بیست کشت
و دوادوق بوکرده فوج مخالف را سرجنگ باید
رسانید و در بنباب سه داران و عبره هم
تاکیدات نوشته شد بهر نوبس به بونه رفته انگلیسی
له فوج منتشره هم تا هنگام طغیانی ندی محدول و
سنکوب معاودت خواهد کرد پسر حکیم خان را از
رساله داری موقوف کرده بقید آرند
محمد عیات و نور محمد خان شما با فوج ما حضار رسیده
ما برده روز سد بهری مکان با برده با برده سکونت
ورزیده طلب خود با و مردم همراهی بر سر کار باری
کنید و هر کاره های مخالف که همراه آورده اند از بمعنی
معلوم میشود که شما ها ترس جان و ابروی خود ما
ندارید خوب نیست هر کاره های مخالف را با بارس
روانه کرده زود خود ما را بحضور رسانند

شنداینقدر فوج بیکجا تعطیل شدن چه معنی دارد
از دقه ده روز گرفته ده بست بست گشت
و دوادوق بوکرده فوج مخالف را سرجنگ باید
رسانند و در بناب سه داران وغیره هم
تاکیدات نوشته شد بهر نوبس به بونه رفته انگلیسه
که فوج منتشره هم تا هنگام طغیانی مدی مخذول و
منکوب معاودت خواهد کرد بسر حکیم خان را از
رساله داری موقوف کرده بقید آرند
بمحمد غیاث و نور محمد خان شما با فرح ماب حصار رسیده
ما برده روز سه بهری مکان با برده با برده سکونت
ورزیده طلب خود با و مردم همراهی بر سر کار ما می
کنید و هر کاره های مخالف که همراه آورده اند از عنعنی
معلوم میشود که شما ها ترس جان و ابروی خود ما
دارید خوب نیست هر کاره های مخالف را با بارس
روانه کرده زود خود ها را بحضور رسانند

چهارم دارائی برنست جان فوجدار کرنول

نواب صاحب شفیق مهربان دوستان سلمه الله تعالی
دیرلست که تجربر نوید خیر و عافیت مسرور و شادمان
نساخته ایمعنی بعد از این دو سه ماهست
لازمه مودت آنست که همواره بوصول رقایم خیریت
ضمایم مسرور دارند چون لشکر فیروزی درین نواح
رسیده است می باید که انمهربان مسرور ملاقات
سازند که بنای محبت و اتحاد استحکام پذیرد و
اگر دران که منحصر همین هاست صورت ظهور
نپذیرد

همبر حیدر دار و غه کچهری عمارات عرضداشت
مرسله از نظر گذشت بالائی عمارات فعل باغ
کچکاری و باران پرتبار باید کنانید و کار رنگ امیزی
موافق حکم نامه تبار کنانند و عمارت خاص طرف
نظر باغ زود مرتب کنانند و در عمارات دریا دولت

باغ کناری کار شجاعت بوسی وغیره مرتب کنانیده
محمد اسد قدوائی خان فیض جهان محمد امین عامل انجا
را معه متصدیان علاقه او روانه حضور سازند و
متصدیان تعلقه شما را پیش ازین روانه نموده شد
براجه رام چندر در باب موقوفی و رسانیدن گوله ها
به اسد محمد خان بخشی اسد اللهی در باب رسیدن
بخشور معه مرحوم اسد اللهی و احمدی و سپاهیان را
برکاوان ثبت نموده آوردن و معالجه کنانیدن
و مواسیه قلعه دار و توقف نامه کاغذ تیار بود و

در انمیان برای تیاری کاغذ نیز حکم شده بود
تیار شده باشد نمونه هر قسم نظر رسد و مهر کاغذ
سفید طرف است موافق این سرخیار کنند سپاه
بابت کاوان را داد کردن تیار است اردو بیج
تیار کنانیده رات صبح اردو بیج رات شام بیج
مرحوم اسد اللهی میداد و نه انیده اند و در جواب کاغذ

بنای مسجد حسب الحکم شروع نماید باروی کار
وراو نیز نیز ترتیب کرده این کار فصل و دوره
هر جا که ضرور باشد تبا نماید که الی الست طفائی
مدعی کار پولی میتواند شد

بمحله محمد وحال رای بره هاشمی غرت انار
دو قطعه عرضداشت معه افراد احباب و یادداشت
جناب مصحوب مولوی نولارام وغیره بنظار
از نظر گذشت و کیفیت معروضه موضوح گشت
عرضداشت مذکور معروفت شاه نظام الدین
صاحب بحضور ارسال گردید رسیده شقه خاص
در جواب ان حاصل کرده فرستاده بود و مضمون
خریطه ای مراسله موصول گردید معروفت شاه صاحب
بعرض حضور رسانیده شد که آثار فتحهای جهت
خوبی برای استمراج و حصول حکم حضور ارسال
یافته بود الحال موافق ارشاد فیض بنیاد سلم

مبارک واصل ضبط نو نموده شد و پیش ازین همه
قصاید اقسیمی که بعمل آوردیم از بس اشتهار
محتاج بیان نیست الحال هم بسرحک بعضی
روسای رکنیات که مهر بکار بند انجام و ترکیب
حرکات منافی اسلام شده اند متوجه و سرگرم
هستیم این همه سرانجام بواسطه شاه صاحب تعرض
اعلی رسانیده ازین کاه ظل سبحانی نواب
نظام الدوله بهادر و غیره روسای اسلام تاکید
در باب اتفاق همدگر و تائید دین مبین احمدی مرقوم
و مرسول کنایند هوناجی و نهوده هر دو هر کاره را
وجه طلب سه ماهه داده روانه نموده شد در انجا
وجه طلب سه ماهه داده نزد وزرا رفته حضور نمایند
هوناجی نه روپیه و رماسد هوده دو روپیه و رماه
دار و اینده بکجوری تا صد را سر نفر رماهه نه
روپیه ده روز پیش از روانگی این خوب نوکر داشته

معه خطوط روزانه حضور مینموده باشند فوراً کنید باید نمود
که اگر در عرضه داشت ماه بحضور برسد سر نفر شش روپیه ورنه ماهیه
واگر بدیر خواهد رسید سر نفر هفت روپیه در ماهیه محسوب
خواهد شد بالفعل هندوی مبلغ یکهزار و نهصد روپیه
از نزد این پیشگاه جهان آباد فرستاده شد منجمله این
پنج رقم خلعت از انجمله سه خلعت کارچوبی بقیمت
شش صد روپیه دو خلعت مهتابی بسیصد روپیه
خریده کرده معه خرائط بمحمد بیک خان همدانی و بدل بیک خان
بدخشانی و نظام الدین صاحب دو دو خلعت مهتابی
معه خرائط به قاسم خان و صدیق بیک خان برسانند
یکهزار روپیه که باقی می ماند منجمله آن وجه طلب دوازده
شاهرو دکن من ابتدای شعبان سنه ۱۰۴۱ هجری لغایت
رجب سنه ۱۰۴۲ هجری بحساب سی روپیه در ماهه سیصد
و شصت روپیه و اضافه حال سر نفر بحر و پیه ده روپیه
در ماهه من ابتدای غره شوال سنه لغایت رجب سنه

بلکه

3/5 Delhi

یکصد روپیه جمله پنجاه صد و شصت روپیه در ماهه شما
هر دو کس و برای خرچ جوری قاصدان عازم حضور
و خرچ متفرقاتی صد و هشتاد و هشت و نیم روپیه
و یکصد و پنجاه و یک و نیم روپیه بابت فاضل موجب
فرد نوشته شما محسوب باید کرد و هیچ خلعت صدر
سرداران مرقوم باخفا وقت شب باید رسانید
و باید گفت که نظام الدوله با رسیده موافقت کرده
با انجا است که محاربه بسته است یعنی صریح منافی
اسلام چون شما مقرب حضرت ظل سبحانی و
سرداران اسلام هستند لازمه حمیت دینی اینست
که تدابیر صائبه نوعی بکار برند که بکار می رود و موید
ان مخذول و منکوب شوند و دین مبین احمدی
قوی تر گردد جوری قاصدان بفاصله یک یک ما
مقرر ستاده باشند هیچ خریطه صدر و یک خریطه
عرضداشت و یک خریطه منصور علی ان جمله بهمت

There are
Instructions
to the Hindu
Agents

مخذول ×

D. 1110

خریطه مرسوله است ۵

القاب محمد بیک خان همدانی نوابصاحب مشفق مهربان
کرم فرمای مخلصان سلمه الله تعالی کاغذ افشان رسید
خریطه عنبالی القاب بدل بیکخان و قاسم خان
نوابصاحب شفیق مهربان کرم فرمای دوستان
خریطه کمخاب کاغذ نقرئی بشاه نظام الدین نیز
بصدیق بیک خان خانصاحب مهربان دوستان
سلمه الله تعالی خریطه کمخاب بمنصور علیخان
نوابصاحب مهربان کرم فرمای دوستان خریطه
کمخاب

محمد بیک خان همدانی و شاه نظام الدین و قاسم خان
و منصور علیخان و صدیق بیک خان هر چند بحسب
ظاهر و بحسب وجوه نامبردت فیمابین اتفاق
و اتصال و وسایل نشد در بنولا باضغای محاسن
اخلاق و محامد وفاق و وجوه شجاعت و ابین

1765.

2 m 52

321

۱۰

ریاست سامی زبالی مال نکمد داس خاطر دوستی
ماثر راخیلی سرور و انبساط موفور دست داد بمصداق
کل موسین اخوة جوشش انحاد دینی محرک سلسله وداد
ساخت پیش ازین دوستدار قسمی که تنبه نصارا
بعمل آورد و از بس اشتهار محتاج تشریح نیست
یقین که از خارج مفصل مسموع و موضوع شده
باشد الحال هم بسر حک بعضی روسای اسلام که
حرکات منافی آئین اسلام بعمل اورده عهد و معاهدات
کفار بدانجام رسانده اند مشغول است چنانچه درین
ایام بمضمون احکام خدا و رسول ص که باطراف و
اکناف ارقام و ابلاغ ساخته نقل آن صحیفه
منت لا یمسه الا المطهرون خواهد رسید بان
حمیت دینی آنست که تمامی اهل اسلام اتفاق
بمدیگر و قلع و قمع کفار از فرائض انگاشته
حتی المقدور بکوشند تا دین احمدی یوما فیوما رونق

تازه پذیرد وضعف سلطنت هندوستان مبدل
به تسلط واستیلا گردد و در مملکت جناب ظل الٰهی
که نایب مناب حضرت رسالت پناهی است
نغره فجره مقرر و ما و اسلامیان و رونق بای اسلام
پیش جناب پیمبر صلی الله علیه وآله وسلم شرمسار
نشوند بمقتضای محبت قلبی برای رسانیدن
یکدست خلعت تمول و سجان رای نوشته شد
خواهد رسید از قبول آن مسرور باید نمود همیشه
بوصول نمایق انا بق مسرور باید داشت

پروانه موسومه محمد جعفر قلعدار بالانور کلان در باب
واداون کاوان قدیم موت کشتی بعامل و کرفتن
دوکاو جوان و مضبوط بعوض آن از عامل مرقومه
مرقومه شب پنجم ماه ماضی سال اول سنه ۱۱۹۰ آنجه
از دارالسلطنه بین

پروانه موسومه راجه رام چند در باب عدم قبض

Drilo

برای زر باقی از عامل حسنا لاہور و بسہولیت وصول
کردن زر واجب الطلب تا اتمام سال از عامل
مذکور تاریخ صدور

پروانہ موسومہ عامل حسنا لاہور معہ پروانہ موسومہ
راجہ رام چندر بعبارت صدور

بنام غلام حیدر عامل بنگلور در باب تقریر کردن سرج
کلیہ موجب گفتہ راجہ رام چندر

بنام خاطر محمد خان قلعدار کشن گیری در باب تنبیہ
کردن سرشتہ دار جدید دہم بدغہ و ایران بسبب آنہا
و رفت داشتن او

ششم ماہ میاضی پروانہ بنام محمد غیاث عرضداشت
مرسلہ مرقومہ نوزدہم ایزدی از نظر گذشت و بمضمون
مندرجہ موضوح گشت زر مقررہ موجود شد ہرگاہ
سرداران انجا درخواست نمایند ہندوی ساہو
فرستادہ میشود کیفیت شرارت زمیندار نگندار

یکسال بنور محمد خان نوشته میشد ماند کور همه سرداران
انجا ظاهر کرده باشند اگر همچنین زمیدار ادنی مانع
سرکار رانیه نشود دات سرکار چکونه خواهد بود ایضا
راو راسنی هم کفتند لهذا قضیه او ضرور شد اکر انجا
هم نفهمد فیها والا متصل خواهد شد کماشته
اناجی راو مداچهار رهون ورماه مقرر نمایند در سوال و
جواب مخفی نثار واران راشریک نکرده شما و
نور محمد خان باتفاق بعمل باید آورد اکر سرداران
انجا احسانات سرکار را فراموش کرده برای
کمک زمیدار سرکند فوج مخالف روانه نمایند
چه مضایقه بفصل آنهی فوج سنکین نه تنخیر سرکند ماهور
ست از فوج انطرف چشم زخم نخواهد یافت بدستور
نور محمد خان مکرر زیاده انیکه در مقدمه دستخط نمودن
بر همه بندوبی کم شده بموجب کفته را کهه زناک
نوشته شده بود دستخط بسر سنکر اد که فرود کمکرا

است درکار نیست

هشتم ماه مباصی بنام براجه رام چندر دربارهٔ فرستادن
توپ شانزده رطلی و دیگر الوات نوتبار بر لنگارهٔ
بحصور و آفتاب دیپ و نابنده درست کنانیدن
با بهای دحره پروانه شاه نورالله متضمن اینکه
امسال روانگی روم موقوف کرده شد بالفعل همه
اسباب مطلوبه مهیا کرده و بر جهاز جهاونی تیار
کنانیده درکناری باید داشت تا در موسم آینده
برای روانگی توقف نشود

دهم ماه مباصی به رسم علیخان دو پروانه یکی در
بارهٔ داون وه پیاده بطریق بدرقه از کدی
بکدی سرخد سرکار از رای کوته بجانب راجه رام چندر
که از پائین گهات می آید دوم دربارهٔ صرف نمودن
سه صد من کوکرد ولایتی که در انگریز بکلوست
رجاری داشتن کار تباری پاروت

پروانه به بدر الدین خان در باب محسوب نمودن
وجه اثاثه مرسله شهرخان قلعدار کورنال در تقصان
ضایع شده با دوت کورنال و مابقی وضع
گرفتن در طلب نامبرده بموجب اقساط
پروانه براجه رام چندر در باب طلبیدن خویش
خود از پائین کهیات و فرستادن طبیب جهت
معالجه عامل حسک بالا پور از بنگلور و دادن
پنجهون برای سج متعلقان رام راو دوبهاسے
اطلاع و روانگی انها بحضور بموجب درخواست
بابت قلعدار بنگلور و دوبندن باس بقدر
مناسب برای کامکاری و یک محل و یک پروانه
بنام عامل حسک بالا لوزمعه پروانه بموسومه
نواز بیگ درباره گرفتن نیم حصه گاه و اداوت
مرحمت شدن بر عایا

بست و سوم ماه ماضی بمجلس اشرف وارد و نه گهری

165

کوتی در باره رسیدن دو نهان دو ربه وح نهان بیه
و بسته افتادن آن و فرستادن بحهوری های تاریخی
دو دربه او وسیله ها انچه خرید کرده باشند و ازاینده
موقوفی خریدی آن

مرقومه بست و چهارم ماه سیاسی برین العابدین بخشی
احشام چتیل درک عرضداشت مرسله از نظر گذشت
و کیفیت بعروضه بوضوح پیوست نوشته بودند
که کسی در قلعه زمین کتری متصل قریه منجانه
تجار میبود در انجا زمینی بدستش آمد معلوم شد در
ازان سرکار است ظلیبن داخل سرکار باید نمود و تا
به مقام دار السلطنت نبین

بان برداشت مقام قلعه از میبود و در باب عدم مزاحمت
و روانه قلعه بهایا و غیره معامله ملکی موجب حقهای عامل و
پروانه بعامل نبیر خواهد شد

یک پروانه برین العابدین بخشی درک مصحوب مراد

Ghulo

[illegible] جناب بهشون محمد علی سپهدار و موجودات
گرفته و ادن طلب موجب [illegible] دست بدست مردم
شدن نامبرده و یک پروانه بنام سپهدار مذکور
در باب نکردن شرارت و باحتیاط داشتن اهالی را
که بکلو توال و مردم بهره و چند رعایا را مخروج
کردند که بعد رسیدن حضور سیاست کرده خواهد
شد و ادن مال رعایا بر عایا و یک
پروانه بعامل بکلو در باب فرستادن عود سفید
[illegible] ماه زاید احمدی سال گذشته محمد نبات و نور محمد خان
بجهت مطلوب نداشتن سردار ان اخی احسانات سرکار
را غرم بالجزم است که تمامی ملک کتاوز را بتصرف
تصرف سرکار بیاورد لهذا نوشته می شود که
اگر سوال و جواب دلخواه شود بهتر و الا مالیات و
نور محمد خان صوازی را بدستی مرخص نماید خود را
حضور بایدرسانید تاریخ چهاردهم ماه احمدی

[illegible]

سال جلوکوچ تقرر یافته ست و در صورت عدم لطف
زود خود ها را بحضور رسانند نوشته بودند که میر محمد
منشی در سفر همراهی مدار المهام شست روپیه و ماهانه
می یافتند والحال چهل روپیه میرسد و مثل اله
کثیر العیال استند و چهل روپیه کفایت نمیکند معلوم
شد اگر مثل اله همراه ایشان آرادو ... حضور
داشته باشند شصت روپیه خرماهه باید رسانید
والا چهل روپیه کافیست

ششم زاید احمدی سال جلو محمد غیاث و نور محمد خان
دو قطعه عرضداشت از نظر گذشت شقه متضمن چند
سوالات که نزد او راستی فرستاده نقل آن
بحضور ارسال داشتند مضمون ان در یافته
شد مستحسن و بجاست ایشان راه و کار آزموده
استند یقین ست که بهیچ امر وقیعه از دفا نوشته
دعای فروگذاشت نخواهند کرد

هفتم رابد احمدی پروانه بنام برست علیخان دربا
ورسانیدن زین العابدین بقلعداری کنوره کنده
ونوشتن بصدیق درنامه نامبرده ازطرف خود
بنام عامل دوازده محال وپروانه تاکید درباب
سپردن قلعه سوکنده بنام مالنکار کنکنی بدسته
حافظ محمدخان قلعدار کشن گیری وهم یک پروانه
بنام حافظ محمدخان متضمن رسانیدن پروانه تاکید
مذکوره بمالنکار مسطور قلعه شیوکنده ملفوف پروانه
جوسومه برست علیخان مرسول شده وپروانه درباب
رسیدن مفوشون خود بزودی نزد نبرد قمرالدینخان
یک پروانه بنبرد قمرالدینخان متضمن آنکه محمدعلی سپهدار
را تاکید بزودی رسیدن مفوشون نزد شما
برقوم وملفوف ست نزد نامبرده بفرستند

دهم ماه رابد احمدی بعفوت محمدخان رفعت و
عوالی نشان سلیمه عرضداشت مرسله مع افراد

حساب بورخه دوازدهم ربیع الاول سنه ۱۱۹۹ هجری ششم
ماه جمادی الاول مصحوب رام جی هرکاره وسید حسین
دهلت وسوما کولر و مرزا محمد از تنظر گذشت و کیفیت
معروضه موضوح گشت سپرکاظم وغیره را عوض ایشان
روانه انجا نموده شد بعد رسیدن ایشان را با شماعه
زر نقد موجوده و جوانان با رهبر اهل خود و حساب
انجا عازم حضور باید شد چهل و سه راس محرر شد
متصدی کجرالی قوس را که مرزا نه ده روپیه برای
نوشتن حساب نوکر داشتند خوب شد جهت خریدی
مرواریدمبصران را روانه نموده شد خرید کرده خواهند
آورد مبلغ یانصد و بجاه روپیه که بهم جی دلال
به عثمان خان وغیره داده روانه بصره نمود مثل دکو
بدلال مسطور باید رسانید شال وغیره مایحتاج
تواضع خلفاین باید کرد و مقدمه دلال وغیره از انا
وخلفان انجا دریافته انچه واجبی باشد باید داد

یک پروانه بنام ابراهیم جی دلال درباره گرفتن مبلغ پانصد
روپیه از غوث محمد خان

سیزدهم ماه زاید احمدی بمجد اشرف رفعت و عوالی
نشان عرضداشت مرسله معه فرد ملفوفه ارسال
نزد بتوسکی نه بتن از نظر گذشت و کیفیت مندرجه
آن گاهی بوضوح پیوست انچه از رسیدن

۲۵ ماه واقعی سرمان الدین مسموع شد که سوار
هولکر دیگر ضربی بمعیت معاهیر بطرف شمار روانه
شده است باید که بخبرداری تمام بیاشد و غارتیان
را معه چهار نفون برای بحال شما فرستاده است
باید که خانه کور معه نفون مرقوم همراه خود گرفته به
خبرداری تمام بیاشد

از مرحدی بوسکی سید رسیدولا کار پردازان پونه
ما وصف احسانات بی شمار ما تفاق فوج نظام علیخان
بمقابله لشکر فیروزی امده بودند بحول و قوه الهی

بل. 380

بیک حمله فرودگاه لشکریان مضرب خیام لشکر فیروزی
شد و انها سر جنگ واقعی و شکست فاحش یافته رو
بهزیمت نهادند و انجانب باشنه کوب تعاقب
انها ساعی ست

بستر دلوس کورنر چنانچه در نیولا فیما بین دوستدار
و کاریردازان پونه و نظام علیخان رنجش بی جهت
رو داده دوستدار هرچند نظر بر رفع شر بردم افوج
خود تاکید بعدم اقدام داشت لیکن در صورت
مقابله تقید ایمعنی نمیتوانست بحول و قوه الهی
یک حمله فرودگاه لشکریان مضرب خیام لشکر دوستدار
شد و انها سر جنگ واقعی و شکست فاحش یافته
رو بهزیمت نهادند و انجانب باشنه کوب تعاقب
انها ساعی ست بمقتضای دوستی بالقلم آمد

---

۱۸ ارسدی براجه رام چندر نوشته بودند که ده نفر
آهنگر کاریگر تبلاش بسیار بهرسانده حواله

قاسم جان وغیره در پیولا کار پردازان پوند احتیاط
بی شمار دوستدار فراموش کرده با تفاق نظام علیخان
در ملک متعلقه دوستدار با جمعیت لک سوار و
توپخانه اقدام کرده فتنه آراشدند دوستدار برای
دفعیه انها کوچ کرده اول با دولی که حصن حصین
متعلقه نظام علیخان بود رسیده مورچال قایم
کرد انشد و درین اثنا نظام علیخان تمامی فوج خود را
بسرکردگی مغل علیخان برادر خود برای برآوردن
برادر زاده و ناموس برادر خود که در قلعه بودند
روانه نمود انها از پناه جبال بقلعه رسیده توپخانک
رامعه مستورات برآورده شبانه از پناه
جبال راه حیدرابادپیش گرفتند دوستدار نادریا
سلک بهدرا تعاقب انها پرداخت و بیشتر
اسباب و دواب انها دست بردلشکریان دوستدار
شد و هم قلعه حسکی سرانجام مفتوح گشت من بعد

جهت تنبیه کار پردازان بونه که معه فوج نظام علیخان
برسانور رخت اوبار داشتند کوچ کرده معه
تمامی لشکر و توپخانه بر کشتی ها عبور کرده دریای
مذکور نموده بلغار بر سر وقت انها رسیده پنجم
ذی حجه اتفاق محاربه روداد هنوز کار شمشیر و
سنان نرسیده بود که از آتش ریزی آتشخانه
آتش بار بسیاری از کفار واصل واصلبوار
گردیده خیام و بیشتر سر انجام برفرود گاه گذاشته
راه فرار پیش گرفتند و شهر سانور هم مفتوح شد
فلله الحمد والمنه بعد عوده محترمه بازه تنبیه
بنامی پردازد و برای این مطلب خاطر عاطر ابهه را
قلم آمد

بدستور لسجبان رای و مواجند دیم درباره فرستادن
سه سه جوری قاصد نو ملازم بعد دو دو ماه بحضور
معه جواب طلب انها و انچه طلب انها داده باز بندیج

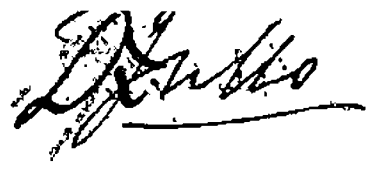

نزد شمار وانه نموده خواهد شد

اثبات حروف تهجی مطابق ضابطه کلام الله که اسم آن
زر نهاده شد حروف دو عدد سی مد ستور ارجمان
زر نام سی سال مقرر نموده شد - چون زر بی نظر
در کلام الله که حرف هستند ما سیله بطبق حروف مسلسل
حب الفرمود سلطان عالیجناب بتصاویب
حرف اول مران بود عشر حرف دیگر آزان نامه حرف
بعد ازان در شمار زلودی الف بشمار ای مرد کار
که هست لام الف نیم و همزه دگر بود ربع نامش نهاد
زر ز احدی جمل حرش ماضی تو روی که رشته
نقی جو راحیث مده مری رطان ابار کرکا نکه جعفری
اسد سراون سمه حبدری ستبلا بهادر مدکیما حسروی
سران اسدیح ملاوسی عقرب کارمک ورحیله ذاکری
قوس مارکیروحس رحمانی حدی لوش فکر رازی
بلو ماکیه کسبه بهائی حوت نهاکن بین احد احمد آن

ای باب تاب ناسخ تاج مانند آداب بار
حاجب خبر رجا خاد قرار راحت بار درج
مراج نار خرد مدرسات ورتاج ذادار ربود رراز
بنظر زاب بنار رباب زب نار سنج سنی دراز
بساط عاجبات اشتار پر جد سجه ساجرا سنج
ش داجرا ستا سار خاد اب انار ش اوز مای
سنام انشرف ار سات ارج السد صالح ارشاد

۲۲ چندری به غلام علیخان و لطف علیخان و شاه نورالله
عرضداشت مرسله بتاریخ پنجم ماه جمادی سال دلواز
نظر گذشت نوشته بودند که بتاریخ ست و دوم جمعوی
سنه ۱۲ هجری بخیر و عافیت بفضل الهی در مسقط رسیم
و ۲۴ ماه مذکور از مسقط شتر براهی بصره می شوم و
کافی کیفیت از عرضی شاه نور الله ظاهر حضور خواهد
و بیش ازین یک قطعه عرضداشت متضمن رسیدن
مسقط و دیگر دو کلمات مفصل مصحوب [illegible]

روانه حضور نموده شد معلوم گشت تا حالت تحریر هرکاره
های مذکور بحضور نرسیدند و برحسب کدام کس روانه
کرده اند اطلاع دهند تعجب است که با وصف نوشته
دادن حکم نامه کیفیت بعضی موشته بعرض شاه
نورالله حواله داده اند ازین معلوم شد که شما حکم نامه
را نمی بینید بقول اکبر برات عاشقان برشاخ هوا
باز دیگر موبس نباخته موافق حکم نامه کار بندید
نوشته بودند که مبارک خان جوقدار فوت کرد اگر حکم نو
محمد منور دی را عوض و بجوقداری مقرر خواهم کرد
موضوح گشت شما را حکم نامه مختاری نوشته داده
شد همه امورات رو داد وقت را مناسب دین
بعمل باید آورد و انتظار حکم حضور نباید کرد چون رسیدن
شما بولایت قراسیس دیر خواهد شد لهذا
با تفصل محمد روشن خان و اکبر علیخان و محمد عثمان وغیره
سرداران را بموجب خطوط و پیغامها از پیلچری برچاز قراسیر

۳۷۰

بود راه فرا میس روانه نموده شد اطلاعا بقلم آمد از
خارج مسموع شد که در راه سقط یک زنجیر فیل سقط
شد یعنی که شما ها نوشتند موجب تعجب است و
بجانه عرضداشت تاریخ دماه و سال میمون باشد
و کیفیت نبشه شغل و مرتبه بدستور صدر بقلم آمد

یک رسید زر موصوله توشکخانه بنام شما و استدعای
نمال رسیدات علحده بابت مبلغ زر فرستاده
خود ها بنام خود ها نوشته بودند معلوم شد رسید توشکخانه
مصور که بنام شما میرسد نزد خود نگاهدارند و رسیدات
علحده بنام عمال از طرف خود نوشته مساده باشند
در ماده تقرر عمال علحده برای معلمات مذکور از
حضور مامور و مقرر شده عقریب میرسند در ماده
تاریخ ایضا بقلم صدر عامل بنگلور و قطعه عرضداشت
متضمن کیفیت کاوان نولکاهرات و لدر موزن

هو الکریم

نقد یکصد روپیه بابت نذر بیبی مریم بانو که در ماه گذشته بعمال محول شده بود

هولکند ابه پیاده های انجه بموجب ایمای راجه رام چند
از نظر گذشت جمع امور متعلقه خود براجه رام چند ظاهر
باید کرد و قسمی که راجه مذکور بگوید موافق ان بعمل
می آورده باشند و احتیاج حکم حضور ندارند زیاده چه

یک پروانه بنام عبد الحلیم خان حاکم سالور ظاهر
شد که سلطان حی لوبه صحه جمعدار معه جوانان برادری
خود لب لور رسیده بسبب عدم خرچ نشسته است
لهذا بقلم می آید که مبلغ دوصد روپیه جهت خرچ ما بوده
و باینده روانه ادلان تعین کرده نود و جمعدار مذکور
را معه برادری او در پروانه حضور فرستاده باشد که
او مبلغ مذکور مصحوب ملازمان آن مهربان فرستاده

شد

پنجم ذی الحجه سال جلوس پروانه موسومه زین العابدین
بخشی احشام چنبل درک عرضداشت مرسله از
نظر گذشت مرقوم بود که در قلعه بیرا ذخیره خالی

ورا کی زیاده هست معلوم شد در حکم نامه قلعه مذکور هر قدر
ذخیره که مندرج باشد در یافته موافق آن باید
داشت زیاده هر قدر که باشد در صورت ضرورت
به قلعجات دیگر باید فرستاد در مقدمه ذخیره
قلعه بود همال مرقوم بود موضوح گشت در حکم
نامه قلعه مذکور انچه مرقوم باشد مطابق آن کار
بند باید کرد دید زیاده

[illegible] نور الله عرض داشت مرسله بتاریخ پنجم ماه
جیدری از نظر گذشت و کیفیت معروضه موضوح
گشت مرقوم بود که دو ماه در بندر مسقط هست
فروخت صندل و الایچی و بکسل لطف علیخان
و غیره اتفاق و قفه شد و صندل فی لنگری به نرخ
فی لنگری بچهار و هون و نیم هون جیدری و چهار
و نیم لنگری الایچی به نرخ فی لنگ ماسوده هون به
فروخت آمد معلوم شد بانی بموجب بندانه موسوم

غلام علیخان

میر کاظم علی و دلال سفط دو قطعه پروانه یکی بموسوم
غلام علیخان و داد علیخان و یک بنام و با جواب
عرایض شان ملفوف است شاراد با هر جا که باشند
بدست رونده کان انجا بفرستند و هرکاه عرضداشت (۵) 12
ایشان نزد شما برسد ارسال حضوری نموده باشند

پروانه محمد عبات و نور محمد خان بتاریخ ۱۴ ماه زاید احمدی
حال حلو عرضداشت رسیده مورخه ۲۰ ماه زاید
احمدی بست و یکم ماه مذکور از نظر گذشت و همه کیفیت
مندرجه موضوح کشت ترجمه پروانه فارسی حضور
را انهمان بتحریر خود نویس نبده نزد راور استی فرستاده
نموده ان ملفوف عرضداشت ارسال داشتند
مضمون ان دریافته شد خیلی سخن و بجاست انچه از
تقریر راور استی در مقدمه مرقوم کند و قبولیت نشاند
هزار روپیه بالفعل جریانه دادند تقرر کرده دادن

ایصال وجه پیشکش سال بسال موافق سابق و مبالغه
برخاست مورچال سرکار رشد و حاصل نوشته بودند
معلوم شد نظر بر انجا و راو راستی درخواست جریمه
از زمیدار مذکور موقوف کرده شد مکرر زمیدار مذبور
وجه پایمالی ملک سرکار و زر پیشکش کرده مرا و ما قیت
برساند نبردار ان سرکار تاکید برداشت مورچال
از نزکند که بفصله قریب الفتح است نوشته خواهد
شد هر سوال و جوابی که باشد و هم نقول بر و انجات
حضور نویس نیده نزد راو راستی نماند فرستاد
منصدی راو راستی را طلبیده انچه نویس نیدن
باشد از دست او نویس نیده باید فرستاد و نادست
آویزان مهربان مدت شان نباشد خریطه برسله
موسومه راو راستی را که ایشان مصلحتاً برسانند
نزد خود داشته انچه خوب شد خریطه مذکور را واپس
بفرستند الحال خریطه موجب نوشته انمهربان نویسند

رسالت باید رسانید در مقدمه ایصال زر نقد
سالیانه نامه دربار خرج که بموجب اظهار راو راستی
بشرح و ربط نوشته بودند مفهوم شد چون نور محمد خان
جیو از جمع مراتب انجا و حقیقت دربار خرج واقف
اند خان مسطور را روانه حضور باید نمود که همه مراتب
دریافته فکر آن بعمل آید مسموع شد که هشت ده هزار
سوار آنطرف عبور کشنا نموده آراده برخاش با
فوج سرکار دارند تا حال از طرف سرکار باوصف
احسان فراموشی آنطرف هیچ عهد شکنی نشد چون
از انطرف باوصف عهد و پیمان مودت و احسانات
شما سرکار سبقت بحرکات ناشایسته بظهور رسد
دفعه آن ضرور بعد دفعیه و تنبیه هیچ لطف نخواهد ماند
اطلاع عالو مستحضر شد

برواله بنام حکیم خان سالور تاریخ بحرمت و مهادم ماه
زاید احمدی با بوداو و رام داو و غیره متصدیان راکه برای

فیصلہ حساب جاگیر مشروطہ روانہ نمودہ بودند درباب
حساب بعمل آمد مبلغ سی و شش لک چہل ہزار و
ہفتصد و ہشتاد و ہجروبہ از روی واجبی ندیہ
متصدیان مذکور برآمد از انجملہ دو لک روپیہ معاف
کردہ شد سی و شش لک و چہل ہزار و ہفتصد ہشتاد
و ہجروبہ را حوالہ بہوان بسرکار داد متصدیان
مذکور معہ بہوان در اجمیر میرسند زود وصول
مبلغ مذکور بہوان کردہ بہوان را روانہ حضور
باید نمود اگر در جواب توقف و تعویق بظہور رسد
خوب نیست باقی دو لک روپیہ ہم بموجب مجملکہ
متصدیان المہربان موافق وعدہ عامد سرکار باید
نمود

مست و ستم رائے احمدی کہ تعلقدار ضلع بالاپور
در بارہ خرید کردہ دادن راکی از نرد رعایا برای
ذخیرہ بندی کنندہ دواون راکی کہنہ و ناکارہ و خیرہ

347 Inclo 175

کنده مذکور بر عایا بتقدیر چیزی قیمت مناسب وقت

پروانه موسومه شیخ عبدالملک قلعدار ہسکوته مرقومه ۲۶
زاید احمدی عرضداشت مرسله از نظر گذشت انچه در
ماده تصدیق کماتیان و داروغه دشت مهوک تعلقه
باغات سرکار نوشته بودند مکشوف گردید و رپات
دریافتن حقیقت باغات انجا و فرستادن تصدیق
طلب کماتیان و داروغه دشت مهوک تعلقه باغات
بنام برست علیخان حسب ملفوف است پروانه ملفوفه نزد
خانمذکور باید فرستاد که خانمذکور کیفیت باغات در رپات
تصدیق مردم متعلقه آن خواهنده فرستاد زیاده حد

Inclo

Enclosure 5

پروانه موسومه برست علیخان مرقومه تاریخ صدر در جواب
قلعدار ہسکوته بحضور معروضداشته که هیچ باغ سرکار
احتیاط آن بخود متعلق است و با نزده نفر کماتی و یک
داروغه و یک شاهوک که بکار باغات مسطور مقرر
اند تصدیق انها نرسیده لهذا نوشته می شود که انهمان

کیفیت باغات مذکور دریافته کماتی او وداروغه و
ساهوک بقدر ضرورجهت درستی باغات نگاه
داشته تصدیق انها بفرستند و تاکید سازند که منجمله
باغات سبیل طلب مردم متعلقه باغات بشود و
فواکه بحضور برسد زیاده

م م و اصفی السید حمید و سید غفار و شیخ عمر و محمد علی
بموجب حکم سابق بیماران و مجروحان و ضعفا و
زنان را در الولی داشته بهیر و نگاه و سامان
جز و کل درمان کرفته بخبرداری تمام بیایند و برای
کمک شما قومبات دیکر هم رسله شده رسیده باشند

م م زاید احمدی بمیر فخرالدین نمان عرضداشت مرسله
مرقومه م م زاید احمدی متضمن رسیدن ایشان معه
جمعیت همراهی خود به نرسند و ملاقات معوقون با برهان الدین
از نظر کذشت و کوائف مرقومه مفصل بکشوف کشت
باید کشیا موجب خود و جمعیت متعینه برهان الدین

146

رور روشن برای تنبیه مفاهیر اقدام کرده سرحلقه
دسته واقعی رسانند که بار دیگر رو بمفاسد نیارند

بنام محمد حیات و نور محمد خان عرضداشت مرسله رسا
از نظر گذشت و کیفیت مندرجه موضوع کشت موافق
مرضی راور است سی سور جال از برگند برحالت کنا بند
فوج فیروزی را بقاصله دو سه کروه فرود آورده
شد بر او راسی باید گفت که جریمانه از سیدار
مطور در کار نیست مگر وجه پایمالی ملک سرکار و
زرسالیانه که بذمه او باقیست بدانند و باز
فرستادن نور محمد خان پیش ازین مکرر نوشته شد
زود مسدراله را روانه حضور نمایند

ششم ماه احمدی یک پروانه بنام راجه رام چند
درباب نوکر داشتن منشی فارسی بدرماهه سی و
پنج روپیه و یک پروانه بنام رستم علیخان درباب
طلبیدانشتن خیاطل مالک ملک درک کلکی و بقید کردن

Tel. No. 21 (b)

This is the
letter
written
He enters the
His letter was
written on or
about the 28th
Zeid Khan's
Ali Nur Jan
to him the news
on the letter 21 (b)

Folio

انها و داخل نوشکی نه ست خمس اثنا نه دوسه هزار

نفد و جنس

عزه ربیع احدی سال دیو هزار و نه اسک خمس حصار

و بارده داون طلب دوازده ماهه بدستور سابق

بردم اسک راه کدوال

دهم احدی بکور مذکور جناب من حامی مالک مالکار تعلقه

ترجنا پلی که ملک کرور و عبره متعلقه سرکار ناخت و

تاراج کرده مواشی و نقد و جنس و غله غنیمت نمود

برده بود لمذروی مقابله و مواجهه رعایا مبلغ هشتاد

و شش هزار روپیه بدهنه مالکار مذکور ثابت شده

چنانچه کبش مذکور و سمرا ندرس جبری مقابله

زرمذکور شده جبری باقی بود درین اثنا هردو

نامبرده ملتوی داشته بازپس رفتند و زرمذبور

موصول نشد لهذا بالقدم و داوجمی در آمد که مالکار

مذکور را چنان تاکید نمایند که مبلغ مذکور زود تر رساند

داین

دابده صورت برخاستن لشکر صدیه بکرمروند و بعضی بالکلا

بازدهم ماه احمدی بدین الفاظ دین بخشی اختام درک

پروانه درباب نوشتن کرفتن حساب کهدی سارعلیخان

از لوشکی مذدرک

بست و پنجم احمدی بعبد الفادر مسطر آباد درباب تقید

کرده فرستادن حس مالک معه عیال و اطفال او مالک

مذکور سابق بردکشتم مایر لود در بنولا در اختام نوکر

شده فرادی کشته رفته بست

یک پروانه بنام عامل بنکلور درباب کذاشت مانجه

انبه قادر شاه دیوانه

ویک پروانه بنام محمد عیاث درماده فرستادن عطر بود

برانجه

ویک پروانه بنام محمد زین الدین تعلقه ازکرات کره

معه پروانه تاکید بنام قلعدار انجا

مرقومه ۲۹ احمدی بنام محمد عیاث و نور محمد خان دو تعلقه

رضیدانت مورخه ۱۱ احمدی از نظر گذشت کیفیت
سوال وجواب که بواسطه پیکار راسبی بعمل آمده نوشته
بودند موضوع شد فوج آنطرف آمده ملک مت لک
هون سرکار را بتاخت وتاراج کرده حرکات نابلایق
آورده لهذا سرداران فوج سرکار لاچار شده سرحک
واقعی بفوج آنطرف رسانیده الطرف گشته رامزد
درقت معاودت رام درگ رابتسخیر ساخته باز
به نرکنند مورچال قایم نمودند بموجب نوشته سابق
اگر بهانای شکش معموله وجه باعالی ملک سرکار عاید
شود تسخیر نکنند موقوف خواهد شد والاتعرض
مفتوح بسکرده باقی همه مراتب بایشان نوشته
شده است هندوی های همراهی خود واز نزد
نورمحمدخان سوکه کرفته آمده بسکدار یعنی برانچه
ارسال حضور دارند اگر جان مسطور سرداران
انجا مرخص کرده روانه خواهند نمود جمیع مراتب انجا

دریافت فکر ترسیل زر بعمل خواهد آمد جمع و خرج مرسله
رسید برای خرج مردم همراهی ایشان متعاقب هندی
فرستاده می شود

۲۹ واجبی برهن العابدین بخشی احشام و رجم باب حصار
عرضداشت مرسله از نظر گذشت انچه از عدم اعتماد
بادوه های سهل پوشته بودند معلوم شد در بادوهای
متعلقه کهری خود مردم اعتمادی و مضبوط طلبیده بدو
جوکیات قلعه دیره باید کرد

محمد سعید وارد عرضداشت بنگلور متضمن رسید طلا زیور
بتاریخ بست و ششم ماه بهادری بنام محمد عباس و نور محمد خان
سه قطعه عرضداشت از انجمله دو قطعه مورخه نهم ماه بهادری
و یکقطعه مورخه سیزدهم ماه مذکور معه هیچ قطعه هندوی دران
میان چهار قطعه همراهی خود و یک قطعه که نزد نور محمد خان
صبو بود و دو لاکت لکهوته از نظر گذشت از خبر کی سدا سو
هر کاره مشروحا مرقوم بود معلوم شد نا برده هر کاره است

با او چه گفتگو و از امور مخفی او را چرا مطلع باید کرد و کار
که از و کرفتنی باشد باید کرفت اکر امری مخفی نباشد
از روی قاعده بهتر آن که مرقوم و رسول ست باید نوشت
اکر مدار المهام و غیره نور محمد خان صبوا مرخص حضور نمایند.
فبها در صورتیکه برای روانکی آن مهربان و خان مسطور
مبالغه نمایند و مرخص سازند بهتر ست ان مهربان و
نور محمد خان صبوا باتفاق روانه حضور باید شد

سیوم ماه جعفری سال جلوس نور والا مقصد بان آن
مهربان زر واجب الادای سرکار را که حواله ساهوان
بسرکار داده معه ساهوان دران قواح رسیده اند
می باید کرفتن زر ساهوان نموده ساهوان مذکور
را زود تر روانه حضور سازند زیرا که از رفتن ساهوان
اکثر امور سرکار بتعویق افتاده اند درین ماده اصلا
و قطعا توقف و تعلل مناسب نیست

هفتم جعفری سال جلوس مجد اشرف درباره رواج دادن

524 (c)
Ze Fr. 76.

در تمام ملک نام کولی به فیض حصار و بزین العابدین
و فتح خان و دولت خان در باب رواج دادن نام
درک به فرح ماب حصار و محمد تقی قلعدار بلهاری در باب
رواج نام بلهاری نمیباشد

بروانه برومه بهم ماه جعفری به راجه رام چندر از روی
عرضداشت غلام حیدر عامل بنگلور بعرض رسید که
بنجفرت بهوک فی نفر در ماهه ۵ ده ۵ فلم کنی را
از قدیم نوکر و مامور دروازه های پیته بنگلور هستند
در بنولا در تصدیق حضور و اخلای انهاست لهذا
بقلم می آید که ان لایق العنایت شیخ نفر مذکور بر
دروازه های پیته مذکور نوکر داشته و مامور نمایند

زیاده چه

عرضداشت محرره دهم جعفری سال طلو بحضور بادشاه
بوردود فرمان عالیشان سرافخار رواج اعتبار یافته به
مقتضای عنایات بیغایات متبرکات خاص کرامت

اختصاص که از پیشگاه ارفع اعلی مصحوب راو بال
عنایت شده بود در اسعد ازمنه تشرف وصول آن
سرمایه اعزاز و مباهات اندوخت در ادای این عطیه
عظمی اداب تسلیمات بجامی آرد عقیدت کیش نظر
بهمیت دین متین محمدی ص که بهنیه فریق نصارا
پرداخت و اهانات محاربه بنیاد کرده بکمال عجز و
الحاح بابلی مصالحت شد نذر این اشتهار محتاج
عرض و بیان نیست بحول و قوة الهی و تفضلات
ظل اللهی الحال هم عزم قلع و قمع اعدای دین متین
دارد و باقتضای خلوص ارادت یکصد و بیست و یک
اشرفی بسمل نذر مرسل حضور پرنور است بشرف
اجابت مقرون شود امید وارست که بورود مناشیر
کرامت تاثیر معزز و مباهی باشد زیاده حد ادب

ششم یوسفی سال دلو به راجه رام چند در باب
مراد دن سی و پنج خشم منجمله حویلی نهاد و میر علی بخشی

دوم احرام

بداروغه های توشکخانه در باب اینکه بفاصل اینجا باید
گفت که در روضة الصفا و با در قصص الانبیا دیده
کیفیت بنای مسجد اقصی نبوده اند

تاریخ ایضاً منظور علیخان صاحب مهربان کرمفرمای
دوستان سلمه الله تعالی محاسن اخلاق و محامد
وفاق انمهربان زبانی را دم بال مکند امس موضوع
موجب وفور انبساط و مسرتهاشد خریطه عرصه
موسکصد و بیست و یک اشرفی مذر بحضور پر نور رسل
است بمقتضای محبت وفاق از نظر مبارک باید
گذرانید اکثر اهل اسلام مبابر ما بحتاج خود اشرفی
و روپیه در جیب و بغره نزد خود میدارند چون طلا
و نقره سکه نام حکام زمان الاطال نماز میکنند لهذا
اشرفیهای تازه که دران اسمای الهی و حضرت
رسالت پناهی ص و حضرت شاه ولایت و میران

بهترین تجویز کرده مسکوک و مروج نموده شد خاطر از
بمان قسم اشرفیها نذر حضور و بست و پنج اشرفی
بمقتضای دوستی با بان مهربان سمت ترسیل
یافته دوستدار را خواهان خیریت ها دانسته بوصول
رقایم محبت ضمایم مسرور و منشرح باید دانست باقی
کیفیت از نوشته راو مسطور میباید انکشاف خواهد
یافت زیاده جمیعت و شادمانی بلا

پروانه موسومه میر اشرف علیخان مرقومه دهم جعفری
عرضداشت مرسله متضمن تصمیم آراده رسیدن حضور
و استدعای مبلغ یکهزار روپیه برای خرچ خود از
نظر گذشت و کیفیت مرقومه ظاهر گشت در باره
رسانیدن وجه مذکور تاکید تمام بابو راو متصدی
سرکار صادر شده زیاده مذکور از راو مسطور گرفته و
بتهیه سرانجام روانگی خود پرداخته بخاطر جمع معه متعلق
روانه حضور شوند که بعد رسیدن حضور بقدر شخصیت

منور و پرداخت و تقرر کار و خدمت خواهد کرد بنابراین

محرره دهم ماه جعفری پروانه موسومه سول چند و سنجان را

عرضداشت رسله معه افراد اخبار را نظر گذشت و

کیفیت معروضه موضوع گشت خریطه عرضداشت بحضور

پرنور بابکصد و بست و یک اشرفی سکه تازه بطریق

مدرو یک خریطه منظور علیخان بهادر با بست و پنج

اشرفی سکه تازه برسم دوستی مرسل ست احیاطا

اشرفیهای مذکور را در حوضه های هرکارهای ملازم

سرکار دوخت گنانیده شده ست باید که بعد

رسیدن انجا از حوضه های هرکاره اشرفیها برآورده

بکصد و بست و یک اشرفی با خریطه عرضداشت معروض

منظور علیخان بحضور پرنور باید گذرانید و بست و پنج

اشرفی با خریطه خط بنجا منظور باید رسانید مبلغ

مبلغ یکهزار روپیه مرسلت منجمله ان طلب شش ماهی

سابق بحساب سی روپیه در ماهه چهارصد و هشتاد روپیه

وطلب یکصد و پنجاه روپیه و پنجاه
روپیه کجوری هرکاره ها داده اند جمله هشت صد
و پنجاه و هشت روپیه شما ها بگیرند یکصد و چهل روپیه
باقی برای دادن طلب هرکاره های ملازم سرکار
نزد خود نگاهدارند و جوری هرکاره که از حضور
فرستاده شده است در انمیان یکجوری باسم
تولارام ده روپیه و مهادجی نه روپیه مواجب دارد
و جوری دیگر باسم کشناجی و سنتاجی نه نه روپیه
مواجب دارد و هر دو جوری مذکور را من ابتدای
غره رجب سنه ۱۱۹۹ هجری لغایت آخر رمضان سنه
بموجب مرقومه الصدر وجه طلب سه ماهه ارسرکار
رسیده است شما ها جوریهای مذکور را تا که در انجا
خواهند داشت از ماه شوال سنه موافق مرقومه
صدر طلب داده وقت روانگی بهر یک جوری
روپیه پیشکی داده روانه حضور باید کرد و اخبار

انجا راست و درست باید نوشت نوشته بودند که
پیش ازین عرضداشت معه دو سواری بهمدانه
مصحوب جوری هرکاره اجیر فرستاده شد جوری
مذکور معه عرضداشت و بیارهمانرسید بموجب نوشته
سما مبلغ هفتاد و دو روپیه وجه اجوره هرکارهای
اجیر فرستاده از سرکار داده شد باقی کیفیت از
نوشته راو بال مکنداس مکشوف خواهد شد زیاده

۱۴ جعفری بمحمد غیاث و نور محمد خان متضمن اینکه اگر
سرداران انجا نور محمد خان را مرخص حضور نمایند فهما
و کرهرود کس را رخصت ندهند الزامات برانها داشته
عازم حضور باشد

۱۵ جعفری بنام راجه رام چندر دربار متضمن آنکه
در ماهه متقدمان در برگنات دوازده محال با
دو پروانه ملقوفی یکی بنام حافظ محمد خان قلعه اکشن گری
دربار متعین ساختن سه بهره جوانان مرانی تقدیر

تحصیل و حفاظت محبوسان بتعلقه عامل منصوب

دوازده محال بموجب عمل هر دامن عامل معزول

و یک پروانه بنام شیخ علی مالک دسمه دار در باب

اذیت نرسانیدن برعایای مدیون مسلی

---

۱۰ احمد قری به محمد اشد در باب فروختن غله زاید

قلعه ثمرین معرفت عامل انجا و خرید کرده داخل

ذخیره ساختن جنس مطلوبه

---

۱۱ احمد قری بزین العابدین بخشی اختتام فرح باب حصا

در باب داشتن کاوان کوتهی در هر قلعه موافق

حکم نامه انجا و طلبیدن کاوان زاید بکوتهی فرح

باب حصار و کاوان کسر زاده کاوان ملم نالک

هنکوته سپرد عامل انجا کنانیدن تا عامل مذکور کش

رعایای انجا فروخت آرد و تاکید کند که مردم کسر

نالک مذکور بر رعایا فراهم آورده کشتکار کنند

یک پروانه محی الدین ملیحان دیوان کهری کربه در باب

۱۵ ای

جاری داشتن موضع سه صد و پنجاه چکره برای خرج
مقبره میرصاحب شهید بموجب سند حضور و دادن وجه
طلب بجوانان شالیسته بحالی قلعه کورم کنده موافق
ارشاد حضور و تقید و بندوبست نمودن بکامکاری
قلعه و مقبره و روانه ساختن میرساقی نایب و احدعلیخان
بعد رسیدن قلعه اردو اهل منشور بقلعه کورم کنده

تاریخ ایضاً به سالور والا رقیمه خیریت ضمیمه همراه
ارای وصول شده مسرور و مبتهج ساخت انچه
از معذرت خطا نامرقوم قلم و دادر رقم کشته بدرنافت
رسید در خاطر دوستدار اصلا خلشی نیست مگر آن
مهربان همین خطا و قصور نمودند که بکمیت و کیفیت
وحساب مالی و ملکی وانرسیده تصنع زرساختند
منصدیان سرکار حساب ملک مشروطه را دریافته
خرج جمعیت سرداران انچه مجرا دانی بود بواجبی
مجرا داده زر واجب الطلب بذمه سامی برآورده اند

بموجب نوشتجات سابق زودتر شان زرحواله به
ساهوان نموده ساهوان مذکور را رواه حضور
باید ساخت در بناب مجور توقف نباید شد متصدیان
وغیره تعلقه سامی انچه خورد و برد نموده باشند
به نشد و نقد زر مسروقه از انها معرض وصول
با بد آورد در مقدمه ملازمان و تعلقداران آن
مهربان کسی مزاحم و متعرض نخواهد شد

۱۸ جعفری سال جلوسه محمد غیاث و نور محمد خان عرضداشت

رسله مورخه نهم جعفری ۱۸ ماه مسطور از نظر گذشت
نوشته بودند در وقت سوال و جواب بار اورا سی
از کلماتی که بر زبان بهری بندث جاری شد صورت
بجرمتی و خفت خود یابد یافت رسد در بصورت
ماذن خود یابد در انجا لطفی ندارد معلوم شد آنمهربان
و نور محمد خان جیونک کس را از تعلقداران خود
در انجا نگذاشته بهر طور عازم حضور باید شد و منتظر

اطلا

احکام دیگر نباشند که در صورت بی لطفی و بیمهری به
فایده دارد

بم ماه جعفری سال جلو بمیر معالی خان قلعه دار مدکل
خالصاحب مهربان دوستان سلمه الله تعالی در بنولا
از عرضی نایب قلعه کجدر کنده معلوم شد که آنمهربان
باستقلال تمام جمعیتی فراهم آورده قلعه مدکل را
مستحکم نموده استمدعای اعانت سرکار دارند
لهذا لگاشته میشود از هر قسم امداد و اعانت که
منظور باشد بی تکلفانه اطلاع باید داد ان شاء الله تعالی
سرانجام آن باینین بهین بعمل خواهد آمد

نروم بست و یکم ماه جعفری سال جلو بمحمد افتخار خان
خان اتحاد نشان عزیز القدر سلمه الله تعالی دو قطعه
خط مرسله یکی سابق ازین و یک قطعه حال رسیده بر
کیفیت مندرجه مطلع ساخت بخاطر بود که جواب خط
سابق بعد رسیدن ان شاد میشود باید نوشت

در بین اثنا از خط موصول حال کیفیت رسیدن ایشان
بکنار کشنا و متوقف شدن در انجا از استماع بد
مزاجی امیر الملک و اینکه معزالیه سیاس نایک
ساهوی نامومن محمد امین خان را در قلعه ادهونی
مقید ساخته اند هر یافت آمد عرضی متصدی سرکار
هم موصول شد نوشته بود که مشیر الملک بهادر
بخود گفتند که سیاس نایک ساهوی را امیر الملک
مقید ساخته اند بحضور ما بنویسند که خطی بامیر الملک
ما هم نوشت که ساهوی مذکور از ان ماست ا
معه اثاثه او بگذارند لهذا بموجب ایمای مشیر الملک
بهادر در جواب نامه ناصر الملک نوشته شد ایشان
هم زود جواب این هر نگارند که باز مکرر در باب گذاشت
ساهوی مذکور معه اثاثه او مبالغه بالغه نوشته رای
او بعمل خواهد آمد

تاریخ ایضاً نزین العابدین اجتماع فرح باب حصار

الفاظ:

Fullo 185

عرضداشت رسیده مع فرد اخبار مرقومه جعفرحسین خان
برادر ایشان بایشان از نظر گذشت و کیفیت مندرجه
موضوع گشت خاطر مظهر را باید طلبیدان والله تعالی
درخور لیاقت و شخصیت معنی او غور و پرداخت بعمل
خواهد آمد نوشته بودند که مبلغ پنجهزار روپیه در قطعه مارد کنده
امانت است معلوم شد مبلغ مذکور را طلبیده داخل
توشکخانه فیضماب حصار نمایند

تاریخ ایضا برآجه رام هندر سه قطعه عرضداشت مرسله
از نظر گذشت بموجب نوشته شما سرشته داران
و سهوکاران مالکسن کری و مابور و سونکل و
باکلور از حضور روانه نموده میشود کلهی از تعلقه مذکور
بحضور نباید فرستاد متعلقات متعلقه مذکور و سته
که فرد داده اند مدسته های مذکور از تعلقات متعلقه
و کلهی میرسیده باشند برای وضع نمودن کرات
و بهای کلی رای در طلب پیاده های کسامار دوازده

حال وامر بهدر درک وکاویری پین وغیره نواکید بر عایت علیخان
جیو باید نویسانند

۲۵ جعفری محی الدین علیخان دیوان کرنه در باب
جمع کرده فرستادن و دران کارستک دو هزار خانه
و دران کار کل دو هزار خانه حضور باطها را بنکه از حضور
حکم کامکاری قلعه سد هوت میشود و هم مقرب میوبار
که انها میوبار غله هم میکنند

۲۶ بختیان هر دو کچهری شش هشت نفر جوده ار هو
لایق فراهم نمودن جوانان دیده مثل انها در حضور
کنانیده سپرد کچهری احشام نمایند و شرح و سرشته
مردم نعیاتی نویسانیده بدهند

۲۷ جعفری محمد عیات و نور محمد خان دو قطعه عرضداشت
مورخه ۱۲ و ۱۴ جعفری از نظر گذشت نوشته بودند که
مرکوز هری پندت وغیره انست که نور محمد خان روانه حضور
شوند و ایشان زبان بر بندند که بعد رفتن نور محمد خان

۹۶

اگر در رسیدن زر لیت و لعل بعمل آید من نشان نمام
معلوم شد اگر پیغام نمایند باید گفت که ما مردم ملازم سرکار
هستیم بی حکم حضور چه یارا داریم که هیچ امر زبان دهیم
اغلب که بعد رسیدن نور محمد خان و دریافتن همه
کیفیات از حضور فکر ترسیل زر لعل آمد نوشته بود
که راو را اسی میگویند که مبلغ یک لک و هفتاد و پنجهزار
روپیه از زمیندار سرکند بطریق جریمانه قبول کنانیده شد
بحضور معروض داشته مورچال نرکند موقوف کنانند
معلوم شد زمیندار مذکور از ملک سرکار مبلغ ده لک همون
وصول کرده است قطع نظر از جریمانه مبلغی که از ملک
سرکار وصول کرده است واپس دهد البته مورچال
برخاست کنانیده خواهد شد

~~پروانه برای رام چند متصل طلبیدن زر باقی گذرانی~~
~~و قبولیت کهونی سوار از مکسور~~

~~متعلقه از حکم بالا بور پروانه موسومه نواز بهک درباره~~

کاوش نکردن برای کلهی از عامل مذبور وطلبیدن کلهی
از معرفت ماجه رام جمدر وغیره بسبب اسپان درزمین مراد
سلخ ماه جمادی بمحمد علی سپهدار متضمن رسید خریطه
سرپیچ رواهدی بازار مشتمل نامبرده وباز نافت کردن
طلب سررشته دار وکوتوال بازار بابت ماه زایداحمدی
پنجم ماه واردای براجه رام جمدر در باب طلبیدن
سوداگران نزد شورسا راردام ماری وغیره متعلقات
سازه محال وتبارکنانیدن شوره ودر متعلقات نوکری
خود وسقدرت ساختن توشکخانه در دیوان خانه خورد
متصل رنگ محل
مومن العابدین بخشی اختتام فرح یاب حصار ورتاب
مروحص کوسفندان نزد قصابان انجا بحساب
سررا سس یکروپیه وجانوران ضعیف وناکاره حواله
فتح محمد خان نمودن که خانه کور بقیمت مناسب
رعایا تقسیم خواهد کرد

متعلقدار توری که در باب بنداوان و نوکران
توری که بردم حکنا یک مسلی

ششم دارائی محی الدین مبلغ ۱۰ دیوان که عرضداشت
مرسله از نظر گذشت نوشته بودند که حسب الحکم ابراهیم علیخان
مقدر گذاشت مقدار انکت کبری را هفت هزار
هون از وکلای انجا فیصله داده بودند آنان دو هزار
هون دیگر قبول کنانیده برای هزار هون دیگر رد و بدل
دارند معلوم شد که هزار هون زیاده از فیصله سابق
کافیست افزایش هزار هون دیگر درکار نیست در مقدر
مذکور خود دخیل نشده همه نوشت و خواند از ابراهیم علیخان
مکاسد خانه که حسب الحکم معمل خواهند آورد و هم در باب
نوکر داشتن یک مقدی برای نوشتن مکاسد و کان
هر کار که در کار است

باحسان الله خان معه پروانه موسومه قلعه دار است کبری
برای جوانان حشم معه زر مساعده

هشتم داراي محمد غياث و نور محمد خان عرضداشت
سورخه ۱۳ جعفري از نظر گذشت نوشته بودند که
هر جا بندت معرفت راه راستي با آن مهربان پيام
کرد و فرکه مردم بار همراهي تمود را روانه حضور سازند و
ايجاد استن خاصب نيست معلوم شد پيش ازين بکرات
نوشته شد و الحال بار نوشته ميشود که اراده سردار ان
انجا انديشه بر صرف و دخل و دبودن آن مهربان و
نور محمد خان هبود در انجا موجب کمال بي لطفي است بايد
که سعه تمامي مردم همراهي عازم حضور شوند و اين حکم را
بجاي صدر حکم دانسته منتظر احکام ديگر نباشند بمجرد
صدور اين منشور آن مهربان و نور محمد خان هبو سعه
همه مردم همراهي عازم حضور بايد شد بار ديگر در جواب نقلم
نخواهد آمد

۱۳ ماه داراي جناب عمدة الدولة ميرابو المعني خان بهادر
حالصاحب مهربان دوستان سلمه الله تعالي رقيمه خيريت

صحیفه متضمن افزایش محبت و وداد بهره ارای وصول
شده مسرور و مشرح حسن و باستحکام بنیان دوستی
باپرداخت مرقوم بود که بمقتضای غیرت با معتمد و
شبنه مفاد ان پرداخته میشود موضوع شد فی الواقع
شرط غیرت و جوهر شجاعت همین ست اگر استدعای
امداد و اعانت منظور باشد بی اندیشه و تامل این
سرکار را از ان خود دانسته بر فکار نداشته و الله تعالی
حسب دلخواه سرانجام ان بعمل خواهد آمد
تمکین بعد از تحریک پروانه

---

۱۴ ماه دارای محمد غیاث و نور محمد خان دو قطعه عرضداشت
مورخه ۳ و ۴ جمادی از نظر گذشت نوشته بودند
که از انطرف پیام روانه نمودن مردم بارهمراهی درویش
و بی لطفی بیش ازین معلوم شد ایشان و نور محمد خان
بخانه راستی رو به بسته باراستی بگویند که دارا با
مدارالمهام و غیره هیچکس کاری نیست هر طور راه داری باید

دهانند که روانه حضور سوم الحاصل از خوشی و ناخوشی هر قسم
راه داری گرفته معه همه مردم همراهی عازم حضور شوند و
این حکم را بجای صد حکم دانند دوم قطعه متضمن روانه کنانیدن
شما ها بنام کشن راو نارائن و راو راسی مرسلت سید
زین العابدین خان را همراه خود آرند بوای خرچ دکرانی همه
چیز نوشته بودند معلوم شد الحال که شما ها عازم حضور میشوند
فرستادن خرچ به ضرور نام و مرتب حاکم کهانک بر
لگارند که خریطه فرستاده خواهد شد باهم مستعد خبک سیتم
بی اندیشه زود راهی حضور شوند میر محمد شفیع را معه مدد
نویس همراه خود آرند

۱۷ اداراي براجه رام چندر دو قطعه عرضداشت مرسله ارلکر
گذشت نوشته بودند که از روی فیصله حساب چوتری باقی
کنداجا در حد تعلقه براس می محالات دهم بقایای محالات
برهمان اساس مبلغ مخطر واجب الطلب است در صورت
تقاضا ما قرره الات مبلغ باقی کنداجا در بدستور بر تقدیر

دوازدهم

درخواست باقی عذر ادای زر محالات در پیش آورده
بست و معلل می گذرانند لهذا وصول زر هر دو باب
بتعویق می افتد معلوم شد باید که شما زر باقی کند اجار
که براساس محالات است معه زر باقی محالات بوصول
آرند و باقی محالات که بر مردم کند اجارست بموجب علیحان
چه بگویند که زود بوصول آورده داخل توشکخانه سازند
نوشته بودند که سربان شتران ایشان را در قلعه می
آورد جوان برادری سپاهسنگ صوبدار که برنهره بود
شتر مذکور را از جان کشت لهذا صوبدار مذکور بگصد
و هفتاد و پنج روپیه جریمانه قبول ساخته است معلوم شد
مبلغ مذکور از صوبدار مسطور گرفته شتر دیگر خریدنمایند
محمد زین الدین عامل توری کره عرضداشت مرسله
از نظر گذشت نوشته بودند که از کچهری سیزده هزار
روپیه مکولی هر پرگاره مغزول انجا مقرر کرده روانه انجا
نموده بودند هر پرگاره از یک لک درطوق زنجیر است هر چند

نشد و معلوم نمی آید لیکن عوض بکدام پیش او منظور نمی آید
تا صد روپیه که همه اثاثه او فروخته بوصول شده بود
ارسال توشکی نه ساخت الحال آن مذکور میکوید که اگر
خود را از طوق و زنجیر رهای شود چهار صد روپیه
بهر طور میرسانم معلوم شد نامبرده را از طوق و زنجیر
رها کرده چهار صد روپیه بعوض وصول آرند نوشته بود
که در کوتهای دوستان بعضی عوض دارد و بعضی بی
عوض معلوم شد برنامبرده نازیاده تشدد نکرده انچه
ممکن باشد زر وصول آرند

۲۲ دارای بستر دیوبس کور بر جبابین رفعت و
عوالی مرتبت شوکت و معالی منزلت ملاذ مهربان
معاذ مخلصان دام مجده رقیمه خیریت ضمیمه متضمن تقرر
یافتن خدمت کوتری بندر جبابین بان رفعت
مرتبت در دوانیدن لارد بکر مهی بهادر بولایت
بهره ارای وصول شده بمدت سرور نامحصور خت

مرقوم بود که این دوستی و محبت قسمی که فیمابین سرکار
دلارد معرالیه مبسوط و مربوط بود ان شوکت سولت زیاده
از ان خواهش و ملحوظ دارند موضوع شد لارد معرالیه
فرازنامه ها که بمهر و دستخط کورنر جنرل بنگاله دستی طلبیده
فرستاده براستی و درستی نوعی بر جاده مستقیم
خلت قایم بود ند ظاهر است یقینکه ان رفعت مرتبت
زیاده ازان بنای محبت و موافقت را استحکام
خواهند داد مرقوم قلمی و داذ رقم گشته که افسر و نکول
را لنگارش رفته که حالی اکنول با نک با لنکار را مقید
باید داشت و هرکاره مردم سرکار بسر حد رسیده
اطلاع دهند نا نک مذکور را حواله مردم سرکار نمایند
معلوم و مستحسن شد مقتضای مزید دوستی ها همین
است بفوجدار کهم نوشته شد که مردم سرکار بسر حد
فرستاده با فسر و نکول نوشته نا نک مذکور را
طلب داشته بدو سپارد از اطلاع دهند خلی بود که بسیار

کلاه پوشش علاقه دار انجا در ملک سرکار محبوس شدند
ایمعنی از عهد و پیمان بعید شد بی اطلاع و دوستدار
بوده باشد بعلاز مان سرکار در باب مخلصی انها با بدلو
مفهوم کشت ما وصف انضباط عهود و مواثیق از
سرداران عمده ایچنین امر نا شایان بظهور رسیدن
امکان ندارد و از طریق ریاست بس بعید ایمعنی
را از رفعت مرتبت عور باید نمود و نوشت و
خواند و اصرار در مقدمه ممتنع الوقوع نا شایان و
نامناسب سوادو در خاتمه اشعار کشته که ابراهیم علیخان
از تعلقات ضبطی متعلقه و نکت کیری ناکرام علی و غیره
مواضع تا حال نگذاشتند و عذر حکم حضور دارند
مفهوم شد تاکید بنام خانمذکور درباره نگذاشت
مواضع مسطور ملفوف ست پیش موسی الیه باید فرستاد
و هم موسی الیه نوشته بود که وکلای دنکت کیری را همه
مقدمه فیصله کرده و همه تعلقات ضبطی گذاشته روانه
کرده

کرده شد اطلاعا بقلم آمد مرقوم بود که در صورت سرکشی
سامی نایک جنرل هارن جمعیت براو متعین و مامور
خواهند کرد موضوع شد از تاکید سرداران ترجمایلی
نایک مذکور چند موضع کرور راکذاشته بود الحال از تغیر
حاصل کرور معلوم شد که نایک مذکور باز مصدر فساد شده
مواضع کذاشته را دیگر متصرف کشته است لهذا بقلم درداد
رقم می در آید که نوعی تاکید سوکه نایک مذکور باید نمود که مواضع
سرکار راکذاشته از شرارت وفساد باز آید دوستدار
را باس عهود و مواثیق و روز افزونی دوستی و اتحاد
کمینی مدنظر است ترصد که بوصول رقایم خجسته ضمایم
مسرور و روشن دمان باید داشت بمقتضای دوستی تا
یکدست خلعت کارچوبی مرسل است خواهد رسید زیاده
جمعیت روشن دمانی باد

تمت

بمستر جان کور نر جنرل بهادر بنکاله رفعت و عوالی مرتبت
شوکت و معالی منزلت علاوه مهربانان معاد مخلصان وفاقم بخیر

دو قطعه رقیمه مهربانی طراز منضمن تقرر یافتن خدمت کورنر
جنرلی بنگاله بانهربان و استعفا دادن مستر مینن بهادر
و اینکه مراسم دوستی و اتحاد سرکار و کمپنی را قسمی که
بموجب عهود و مواثیق مستر مزاله منظور و ملحوظ
داشتند زیاده ازان بان رفعت مرتبت منظور آ
چهره ارای وصول شده بهدست نشاط طاموفور و انبساط
نامحصور شد و ستاد را نهر باسس عهد و پیمان
و استحکام اتفاق و اتحاد کمپنی زیاده از حد مدنظر
است و یقین که روز افزونی اینمراتب پیش نهاد
آنمهربان هم خواهد بود که اینمعنی موجب رفاهیت
خلق الله طرفین و مفید امور ست مترصد که
مشتاق دانسته بوصول رقایم محبت شمایم مسرور
و شادمان باید داشت زیاده چه محبت و شادمانی

۱۸

۲۲ حیدری سال دیو لبستر یونس رقیمه ضربت ضمیمه

روی وصول نموده مسرور ساخت نوشته بودند که
بعضی انگریزان در قلعه بنگلور مقید اند و هم خمس والس نام
نیز مقید است انها را حکم مخلصی باید فرمود معلوم شد
هر قدر انگریزان که وقت مصالحت مقید و زنده بودند
بموجب عهد و پیمان سامی همه را مخلصی داده روانه
نموده شد الحال هیچکس از علاقه انگریز مقید نیست
و کسی که مقیدی انگریزان باشد مهربان ظاهر کرد مخلص
غلط و دروغ دوستدار را بهمه وقت پاس عهد
و پیمان منظور و ملحوظ است معنی را بفحص تصور باید نمود
یک قطعه خریطه معه یکدست خلعت کارچوبی برای کورنر
منصور بنگاله و یک خریطه موسومه مسترجان رطن
رسولست به بنگاله باید فرستاد

بجنرل عالس ارل کاس ولس رفیمه مسرت ضمیمه تضمن
رسیدن خود بحدود کورنر جنرلی بنگاله چهره ارای وصول
شده بهدت سرور موفور وانبساط نامحصور گشت

(1786)

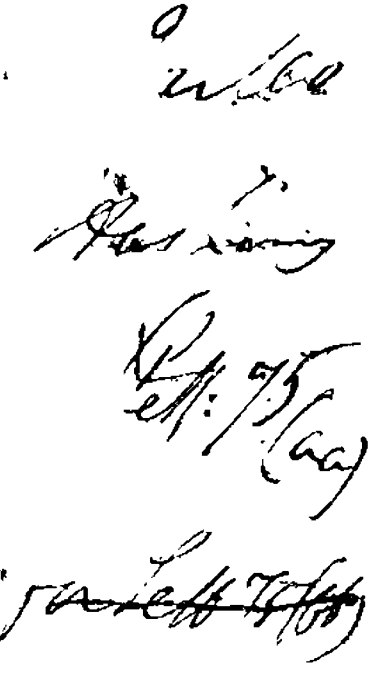

الحمد لله که دوستدار بیاس عهد و پیمان سابق
و الفت خود هم با فرزندان مراتب دوستی و استحکام
میان همدیگر موافق خواهند پرداخت همیشه
بوصول رقایم خیریت ضمایم
نواب رفعت مآب نوابصاحب شفیق مهربان دوستان
سلمه الله تعالی بر قیمه خیریت ضمیمه مصحوب خواجه
لطف الله چهره آرای وصول شده مسرور و مشرح
ساخت و هم زبانی مومی الیه مراتبی که محول بود
بموضع رسید مبلغ یازده لک روپیه که واجب الطلب
بود بمحله ان نظر بر محبت و داد که انمهربان از مدت
مرعی و مسلوک دارند و هم بیاس اسلام و عهدی
خاندان سامی چهار لک روپیه گذاشته شد باید
که بقیه مبلغ هفت لک روپیه زود عاید سرکار نمایند
که موالفت محبت و اتحاد افزایش پذیرد باقی مراتب
فی مومی الیه مکشوف خواهد شد همواره بتر قیم رقایم
از

قربت ضمایم مسرور بی پایه واشت نزارت دارائی
۲ آ دارائی براجه رام چندر دربار تاکید کردن به
ملجوارا ان جهت عدم مزاحمت خانزه کاران
وزرگران
بحی الدتعلقی ن دربار مقرر کردن عامل نوبه مرول
و تغیر کردن عامل سابق تعلقدار انکیس دوی
غره ۳ ماشهی بیست و میرارمنی دربار رسیدن حضور
۳ ماشهی محمد حیات و نور محمد خان عرضداشت
رسله از نظر گذشت بیست روز دربانگاه شما
درانجا بلیت و تعل گذرانده من بعد بهر طور عازم
حضور باید که درانجا ماندن بی لطف است
ماندن شما درانجا بی لطف است
بی لطفی ماندن خود و بجرمتی دنیا بجا ظاهر گردید بهر طور
عازم حضور شوند
۵ ماهر میر محمد اکبر خان معه سه پروانه نام عامل نوبل

باذامی و مکاتبه در باب فرستادن کلی و نخود و
ماش و نوشته و صوب و دلاک و جوار و باجره نزد
خانمسطور برای اسپان طویله

۹ بخشی میر قمرالدین در باره رسیدن حضور
معه فوج خود و فسون شیخ عنصر را سیر و رهان الدین
نمودن

بخشی رضا خان جاگیردار اول کنده پروانه معه
خلعت برهان پوری

۱۳ بسید محمد خان بخشی اسد اللهی در باره دعا
سه پاو برنج یومیه بعبورات رساله سید محمد و رضا بیک

۱۹ میر قمرالدین بمضمون صدر

بیستم معه پروانه موسومه داروغه های صدارت
متضمن رسیدن حضور معه خان و وفا رمتعلقه
کچهری مذبور

پروانه مرقومه بیستم شوال سنه ۱۱۹۱ هجه موسومه سید

دلاور

دبوسن کورند ورجنابین مدتیست که خط محبت نمط
رویی وصول به نمود موانع غیر از خیر تهاامری محال
لازم دوستیها آنست که همیشه مشتاق خبر تهادا شته
بتحریر وتسطیر رقایم خیریت شما یم مسرور ومبتهج می
موده باشند فیمابین سرکار وکمپنی انگریز بنابی
روابط اتحاد واخلاص بابین بهین استحکام یافته
است ودیش نهاد خاطر دوستدار اینکه همیشه
موافق قرار وعهد نامه طرفین معمل می آمده باشد
بقین کلی است که آن رفعت مرتبت هم باشش
عهود ومواثیق ملحوظ داشته موافق ان کاربند
خواهند کردید ودر انچه مراسم اخلاص دیکهنی
روز بروز افزایش پذیرد معمل خواهند آورد ودر
ملک کرد مالیکاران متعلقه این فسادارا
هستند مانهانا کید نمایند که از حرکات ناشایسته
خود باز آیند زیاده چه ٥

خلعت

سواد نشان همایون سرمایک کوهر مدور همایونی مرصع
بیج بارچه کارچولی رفعت وعوالی مرتبت شوکت ومعالی
منزلت ملاذ مهرمان معاذ محبان دام مجده رقیمه عزت
ضمیمه متضمن رسیدن خود به بندر همایونی جهت انتظام
امورات انجا که منصوب رام راو وکیل چهره ارای
وصول نشده بود جواب آن سه خلعت پیش ازین مرسل
شده موصول شده باشد منظور ومحفوظ انجانب است
که دوستی سرکار وداجه فرانسیس که از قدیم الایام مربوط
ومنربوط است روز بروز ترقی پذیرد ومافصال انجا
امورات فرانسیس رونق تازه راجه
فرانسیس که فقا بوطنی هستند اظهر از انجاکه ان
رفعت مرتبت سردار راه وعمل هستند یقین است
که بفکر بندوبست ان مرکوز خاطر داشته باشند
سابق ازین که فوج انکریزی ازینجا رسیده
بود وسرداران مرهته تاب مقابله نیاورده بجواستند

Folio 195

کرخانه‌ای خود را آتش زده و بر بلغار نهضت سرکار
میمی امداد و اعانت شده و هستکه از سرکار بنظر بعهد
و پیمان انها مهم چهار ساله کرناک بعمل آمد جان و مال
و ملک و ناموس انها محفوظ ماند انجمعتی اظهر من الشمس
و بدلو لا زمیدار که از زمیداران متعلقه سرکار بود و از
شرارت و فتنه سری ملک سرکار را راج می نمود لهذا
فوج سرکار بجنبه او و تسخیر مکان مذکور مامور شده بود
رجه‌های بمطوع حقوق احسانات بیشمار سرکار را فراموش
کرده فوج خود را بکمک زمیدار مذکور فرستاده با فوج
سرکار محاربه نمود و اتحاد و اتفاق را گذاشته فتنه و فساد را
ان راه داده لهذا بنا بر انها قسمی که بعمل می آید تسمیع آن
رفع مرمت خواهد رسید باقی کیفیت مشروحا
زبانی رام راو وکیل موضوح خواهد شد چند تومان
ارجه برسم دوستی مرسل است

خلعت

مهم باشی بوسی سربلک کورند در بهولجری معه

ح بارجه کارچولی رفعت دعوالی مرتبت شوکت دستگاه

خصلت ملاذ مهربان معاذ محبان دام مجدهم رفیعه مرتبت

ضمیمه متضمن رسیدن خود به بندر بهولجری جهت انتظام

امورات انجا که مصحوب رام راو وکیل چهره ارای

وصول شده بود جواب آن معه خلعت پیش ازین مرسل

شده موصول شده باشد منظور و ملحوظ ابی بنت

که دوستی سرکار در راجه فرانسیس که از قدیم الایام مبسوط

و مربوط است روز بروز ترقی پذیرد و باتصال انهی

امورات فرانسیس رونق تازه راجه

فرانسیس که تعلق بوطلبی دستند اظهر از انجا که ان

رفعت مرتبت سردار راه و عمل هستند بفحوای

که تفکر نمود و بسب ان مراتب خاطر داشته باشند

سابق ازین که فوج انگریز بشت کروهی از بونه رسیده

بود دو سرداران مرتبه ناب مقابله نموده میخواستند

30 Juillet 1915

کخانه ای خود را از آنش نشاده بدو بلغار ایشان سپر کار
میخی امداد و اعانت شدند و قشکه از سرکار بقطع بعهد
و پیمان انها هم چهار سال کرنا نک بعمل آمد جان و مال
و ملک و ناموس انها محفوظ ماند انمعنی اظهر من الشمس
در بنولا زمیدار که از زمیداران متعلقه سرکار بود و از
شرارت و خیره سری ملک سرکار را تاراج می نمود لهذا
فوج سرکار به تنبیه او و تسخیر مکان مذکور مامور شده بود
مرتبه ای بمقتضی حقوق احسانات بیشمار سرکار را فراموش
کرده فوج خود را بکمک زمیدار مذبور فرستاده با فوج
سرکار محاربه و مقاتله نموده آرام و فتنه و فساد را
از آن ولایت رفع نمود انهائی که بعمل می آید بسمع آن
رفعت مرتبت خواهد رسید باقی کیفیت مشروحاً
زبانی راقم راد و کیل موضوح خواهد شد جدید نهان
یار جانی دوستی مرسل است

۴۴ ہاشمی بمیر قمرالدین در جواب عرضداشت
فرستادن فسون شیخ عنصر معه حاضری وصول نزد میرزمان الدین
خوب شد در باب فرستادن زر برای جمع سپاه نوشته
بودند معلوم شد بالفعل جریده سواری خاص رونق افزای
بنگلور است زر در توشکی نه رکاب معمور لهذا بتوشکخانه
بتن در باده فرستادن زر نزد شما نوشته شد حسب الحکم
شما راهداری دادن و انه بلکارخانه همراهی شما
بقدر مطلوبه بنام تعلقات سرکار و یک پروانه بنام
نه میدار اما کوبدی و در باب دادن توکره و ملاحان
و عبور کنانیدن لشکر شما از کهات کیلی و یک پروانه
بنام عامل پرمال جهت فرستادن توکره و ملاحان به
کهات کیلی برای عبور لشکر ملفوف بهته رود معه فوج برسند
و توقف ننمایند

۴۵ ہاشمی پروانه موسومه حافظ محمد خان قلعدار کشن
مقام بنگلور عرضداشت مرسله از نظر گذشت انچه

از اشغال

از انتقال بمودن علی مردان خان جاگیر دار ارکده و
بودن چند جیوه های علاقه خانمرحوم در انجا و اینکه از
فاقه کشی می میرند در صورت حکم کدام است خواهند کرد نوشته
بودند معلوم شد مستورات علاقه خانمذکور را باید
گذاشت که بمکان خود بروند

بمحمد اشرف دیوان بعضی حصار در باب تقرر نمودن
عمل تاریری بشیخ فتح محمد و تعلقه تاریخی مراز وارخان
و تعلقه ایلافور به رنگو کوچند و تعلقه بارکی به سوب راو
و بموجب نوشته شد راو دلک بروانه به دیوانیان حضور
معروضداشت و فرد مرسله محمد اشرف ۴۴ ا سیمی

۴۴ ا شمی بروانه موسومه حافظ محمد جان قلعدار کشن گیری
باظهار غلام محی الدین منشی معروض رسید که رحمان شاه
درویش متوکل می تواند در انجا سکونت دارند لهذا به
جهت مصارف درویش مذکور یکقلم کهی رای یومیه
مقرر نموده بروانه ناکید در باره رسانیدن وجه یومیه

مذبور بنام عامل انجا مرقوم و ملفوفست پروانه ملفوفه
بعامل رسانیده وجه پومیه مذبور بقید کرفته شاه مذبور
میرسانیده باشند تا وجه مسطور صرف معیشت خود نموده
بدعای ازدیاد عمر و دولت اشتغال دارند زیاده

پروانه موسومه شیخ عمر سه دار مرقومه تاریخ صدر
عرضداشت مرسله از نظر کذشت انچه کیفیت راجه
اول و زرک و مطلب چهاری انجا نوشته بود مفهوم
شد بالبکار مذبور علاقه دار سرکار ست هیچ یکی کمک ان
نخواهد کرد و جایکه در پیاده منام کور نرخنامین نوشته
شده تا کسی از مالبکاران کمک آن نکند در منصورت
شما بخاطر جمعی چاربی را قطع کنانیده مکان را
بکسپرد و آرند شش هزار پیاده نزد شما حاضر اند باقی
هم روانه میشوند زیاده

پروانه موسومه محمد شفیع معتمد ا
عرضداشت مرسله از نظر کذشت و کیفیت معروضه

لایی

کاهی بوضوح پیوست انچه از اراده رسیدن حضور
بجهت اظهار مراتب دولتخواهی نوشته بودند معلوم شد
بالفعل بر کار ماموره خود سرکرم باید بود و در آبادی
تعلقه و قوفر جمعبندی کفایت و دولتخواهی بانظهور باید
آورد هرگاه سواری خاص دران نواح رونق افزا شود
شما را برای ملازمت طلبیده خواهد شد زیاده
۲۴ درصدی بخشی و دیوان فیض حصار مضمن بندر تهیت
مارده مارده روپیه

۲۵ پروانه بدر الامان خان در باب تیار کرده دادن
مسجد قوتمبار بکار سفال

۲۶ به قمر الدین خان مبلغی برای خرج سپاه همراهی شما
پیش ازین فرستاده شد بدربار رسیده باید
مرسوم الخان خود نزد قلعدار دربار فرستاده مبلغ مذکور
طلبیده بسپاه همراهی خود تقسیم نماید و زود بحضور
برسند

Jutta

Ref Liang

P225

به جیب الله بیک داروغه دار الضرب نگر پروانه تفحص
رسیدن بچاه هون مضروبه سح سکه و سکه حضور و
چهار سکه نادرست سترد و ده سکه پولادی هونها
و ده سکه پولادی قلم ها همت کنده و فرستادن آن
بتوشکخانه تتن و انبکه داروغه ای من هونها و سکها
را کنده کنانیده پیش شما خواهند فرستاد

۲۷ بداروغه های توشکخانه تتن پروانه جمعه هونها و سکه
های مذکور و انبکه سکه های مذکور را کنده کنانیده مع
هونها نزد جیب الله بیک به نگر فرستند

۲۸ بر پروانه بمحمد عباسی و نور محمد خان سه سه قطعه غرصداشت
مرسل از نظر گذشت خوشنود بودند که مرضی مدار المهام
بر خصت خود ها ملیست و لعل است معلوم شده مضایقه
ها که مرضی شان بداشتن شما ها باشد متوقف باید بود
نه برای روانگی خود ها تعجیل باید کرد هرگاه رخصت یابند
روانه حضور باید شد

۳۵
۱۹۶

۲۸ مشهد بوشش کورنر چاپلس در بنولار سپدار بکشور
که از تعلقداران سرکار است طرح بغاوت و شرارت
اختیار کرده از نیمروز فوج سرکار به تنبیه او مامور شده
است بزمیداران تعلقه سالکده تاکید باید نوشت
که تعلقداران او دار را اگر پناه خواهر پناه ندهند

۲۹ باشی پروانه موسومه محمد بیت و نور محمد خان
انچه سرانجام نوشتنی بود بشرح و ربط از هندوی
نوشته شده از رویش خواهند دریافت باید که از
منشی زاد و اعتمادی که بهمه وجوه محل اعتماد و مناط
اعتبار تواند و افشای راز نتواند مضمونش دریافت
نماید زیاده چه

پروانه مرقومه تاریخ صدر موسومه میر صادق حسب الرقم
ایشان بجهت بحال داشتن دلکشا که برعایای مارمری
از حضور مامور و روانه کرده بنام محمد اشرف
دیوان کوی فضل حصار مرقوم و مرسل گردید زیاده

۱۱۱۵

پروانه محرره تاریخ صدر مجدد اشرف سابق و ملک
ماهی ساکن نکریعالی تاریری از حضور سرفراز گردیده
متعلقه رسیده است باید که نامبرده را بر عالی تاریری
بحال و مامور دارند و بموجب فرد مرسله خود نیز بر
سه تعلقه دیگر مامور نمایند

غره واسعی پروانه موسومه شمس الدین خان و علام سید
دار و غه فوشکی نه بنن عرضه اشت مرسله معه یادداشت
ملفوفه روزمی تقسیم کهری نور الصفا رخان ادلظر
گذشت تمام ساعی یک هم پروانه محتوی وصول
کلش های خمه خاص و بسته کاغذ ابران یکقطعه

غره دوم واسعی پروانه دو قطعه موسومه محمد صادق
در ماده روانه ساختن همین عامل معزواچک مالایو
نزد راجه رام چندر برای فیصله حساب نام حافظ
محمد جان قلعدار کشن گری در مقدمه گذاشتن همشیره
علی مرد اسخان

فرمانه

رقومه تاریخ صدر پروانه موسومه میرزا قمرالدین خان عرضداشت
رسله محتوی تکلیف اخراجات مردم همراهی خود از نظر
گذشت پیش از ترقیم شما بمعاینه تصدیع اخراجات
مردم متعینه ایشان سابق فرستاده شده خانچه مرقوم
رسیده افتاده است باید که سواران علاوه خود فرستاده
زر مذبور طلبیدارند سوای ان الحال عوض مبلغ هزار
هون از حضور فرستاده شد خواهد رسید بعد رسیدن
رسایل وحال بمردم همراهی خود تقسیم نمایند و اطلاع
دهند زیاده چه

دویم واسعی پروانه موسومه شمس الدین خان و اعلام صدر
انچه از رسیدن مبلغ ماروده هزار و هشتصد و شصت
هون و برای ایابت فرصه طلب رساله بود من خان
وغیره سواران و فرمون سید محمود حسن کچهری دویم
متعینه تعلقه کوچمنور نوشته بود مفهوم مستحسن شد
و افزاد مرسله سابق وحال بتحویلداران دادو بستخانه

نسخه ۲

کنز زیبا

روانه مرقومه تاریخ صدر موسومه شمس الدیخان و غلام حیدر
میر غلام علی را بدار الضرب و بجهت
تعلیم نمودن مهر کندی بست جوان بار اسد الهی و
خبر گیری انها از تاریخ دوم دو اسی سال علوم در ماه
نه هون کسی رای مقرر نموده دیگاه هیشکی برای خرچ
اده موی الله را روانه من نموده شد باید که نامبرده
را بعد رسیدن انجا مهر کندی و تعلیم جوانان مذکور
و خبر گیری انها مامور نمایند و تاکید سازند که هم مهر کندی
تعلیم نماید و خود هم مهر کندی مینموده باشد زیاده چه

روانه مرقومه تاریخ صدر موسومه میر محمد صادق بعرض
رسید که اولیا نامی منصدی توشکی نه قرب المرگ
و خسر پوره او در هوریت لهذا القلم می آید که ان
خسر پوره او را سوگماشتهای او در نزک داشته
بتحقیقات زندگی و احوال او نموده بنا بر ان کاری از

بعرض وصول آرند و در ینما ده جد و جهد موفوره بعمل
آرند الجاهن نامی مقصدی نوشکی نه از کیفیت زندگی
نامبرده وقفیت خوب وارد از وهم دریافت ساخته
هرجا که مال و اموال او پیدا بوده باشد طلب باید کرد
پیش از ین شما و دیگران بحضور عرض کرده بودند که
زندگی ملک هوتی وارد سراغ ان بهمرسانیده اموال
مذکور در سرکار طلب باید نمود زیاده

سیوم واسعی به شمس الله خان و غلام حیدر داروغه
نوشکی نه پنج جوره بکری ما مفصله ذیل ما هوار
به قیمت معرفت خواجه فراست به بنگلور رسانیده رسید
بگرفته باشند

جوری اول	جوری دوم	جوری سیوم	زیاده
بیست بکری	سی بکری	پنجاه بکری	

رقومه تاریخ صدر شمس الله خان و غلام حیدر داروغه
قطعه عرضداشت بر سله سه بندهای یاداشت ملفوفه

در نظر گذشت بچه از رسیدن روز بنی الجهری مطلب الزمان
دشتر خانه نوشته بودند معلوم و مستحسن شد بندهای
مذبور تحویل متصدیان فوشکخانه شد زیاده

رقوم سیوم منه پروانه موسومه سید محمد قلعه ارتین
بعرض رسید که کشن راو متصدی حبش را کک دیوا
گزیده لهذا القلم می آید که شما حکیم محمد بیک را تاکید نمود
برای معالجه متصدی مذبور مامور نمایند که حلاب سودا
داده اصلاح طبیعت نامبرده نماید و بحکیم مذبور بگویند
که رحم را بند شدن نداده باشش ماه منضج دارند و
بهمان مضمون پروانه بنام حکیم محمد بیک صادر گردید

ششم دیقعده پروانه موسومه کور نرجانین مسترد یوس
بفعت و عوالی مرتبت شوکت و معالی منزلت
ملاذ مهربان معاذ مخلصان دام مجده زمیدار بنگلو متعلقه
سرکار که مصدر فساد و هنگامه آرایی شده بغاوت
اختیار کرده بود لهذا فوج سرکار برای تنبیه ان مامور شده

است در نولا مسموع میشود که بالیکاران پ تکده وغیره
متعلقه ان رفعت مرتبت کمک زمیدار مذکور منمایند
چون فیمابین سرکاردان رفعت افزایش انجا دوا شتکام
بنیان دوستی و وداد و یاس قرار مدار بطور است
لذا اینجا مرقوم می قرآید که در مقدمه عدم کمک
نمودن زمیداران مکسور به بالیکاران پ تکده وغیره
تاکید بزمد باید نمود که احدی از علاقه داران ایشان
کمک زمیدار سرکار نه نماید که ایمعنی شایسته عالم
دوستیهاست زیاده

بروانه مرقومه هیچم واسی سوال جلو موسومه نور محمد خان
و محمد غیث از دارالسلطنه بکلور متوانر مسموع شد
که راو راسی ایشان را طلبیده بودند ایشان بسبب
رویداد مجهلکه بواسطه زنان اهل اسلام فیمابین انها در میان
امد نرفتند و گفته فرستادند که اگر زن مذبور را خواهند
گذاشت خواهیم آمد از ایمعنی محل تعجب و تحیر گردید قضیه

خانکی و سکنه ملک انهاست شما را چه ضرور بود که در نماده
دخیل شده حسب الطلب راه مذکور نرفته مجور برهمی
کار سرکار شدند معلوم میشود که بسبب کبر سن و بیا
سری تفاوت در مزاج افتاده و پاس جان و ابروی
خود ها ملحوظ نکرده مقتضای صلاح وقت و خیر خواهی
آن بود که مجور رعیت اهل اسلام شده بانی رخنه
انداز بی وفا و بکدبکر مسند و خود تماشا بینی نمود
سود اسلام می انگاشتند نه برخلاف ان سفارش
نمودن باعث انواع استعجاب و بعد از دانائی
شما متصور برگاه نصارا صد نازن مسلمین را
بتصرف خود آورده بودند ان وقت حمیت اسلام
کجا رفت که در اینجا بمعنی مد نظر کرده لازم که آینده
رنهاده در مقدمه خانکی انها شریک نشوند و در انجه
دولتخواهی سرکار باشد تکاهل نبذ باید کرد و باز انش
فتنه را مشتعل باید کرد که ما کذبکر بحالت خود ما مبدر

باشند زیاده

واسعی پروانه موسومه راجه رام چند رمتضمن دادن نه
هون کسی رای به سر غلام علی داروغه سیومی دارالضرب
پتن درسانیدن سه قلم بومه بفرنگی توپ ساز مسقه
بکلور

پروانه مرقومه ششم واسعی سال جلوس ۱۱۹۹ هجریه موسومه
مربع الزمان تعلقدار هسکونه نوشته بودند که بسبب
بودن تصدیق کوتوال درکناچار قلعدار هسکونه شخص
سفله را بر کوتوالی مامور نموده درکارهای شما خلل انبار
می شود معلوم شد بحالی و برطرفی کوتوال ذمه داشته
باید که بموجب تحریر خود کوتوال سابق را بحال داشته
دوجه درماهه آن رسانیده برکارهای سرکار سرکرم
دارند خانچه درمقدمه کوتوال پروانه مبنام قلعدار
برصادر گردید که بحالی و برطرفی آن ذمه شما ست زیاده

پروانه مرقومه چهارم واسعی سال جلوس ۱۱۹۹ هجریه موسومه

محی الدین علیخان دیوان کچهری هفتم کورم کنده عرضداشت
مرسله از نظر گذشت وکیفیت معروضه گاهی ظاهر
گشت انچه از خورد و برد عامل کهم نوشته بودند
معلوم شد بالفعل خورد و برد عامل مذکور از ردی
مواجبه و مقابله دریافت نموده زر سرو قه از نازیانه
هاری بعرض وصول آرند عامل دیگر هم از حضور مقرر
شده میرسد برای بدلی عامل کریم آبا تو که نوشته بودند
منظوم شد شخص باهوش و دیانت دار و فهمیده
دیده مقرر نمایند و بحضور اطلاع دهند زیاده

سید محمد خان دیوان سیوم دار السلطنته بابن عرضداشت
مرسله علمه و اصلیه قی حساب تعلقه کرور و غیره از نظر
گذشت انچه از توقف نوشتن حساب بسبب قلت
نویسنده های فارسی و اینکه اگر حکم حضور صادر شود
از هندوی مکتری حساب تیار کرده روانه خواهند
کرد نوشته بودند معلوم و مستحسن است زیاده

نامه بدیع الزمان بتعلقدار مشکوه در باره رسیدن

حضور

نامه امارت و ایالت مرتبت حشمت و شوکت
منزلت خافصاحب مهربان دوستان نجم الدوله نجم خان
بهادر دلاور جنگ سلمه الله تعالی حاکم کنهایت
باستماع محاسن اخلاق و محامد اوصاف ان امارت
مرتبت خبلی خاطر مسرور و منبسط گردید مقتضای اخلاق
خوبهای ان شوکت مرتبت شایسته همین است لازم
همیشه خوانان خیر تهادانسته بوصول رقایم خیریت
شمایم منشرح و منفرج باید داشت که شایسته عالم
اتحاد غایبانه خواهد بود زیاده چه لب میبطلوبه بوصول

نامه حشمت و شوکت مرتبت رفعت و معالی منزلت
محمد غیاث خان و نور محمد خان سلمه الله تعالی نوشته بود
که فیمابین سید زین العابدین خان علوی و نور الدین حسین خان
که از طرف مستر ماتم خبرل بنبی برای وکالت آمده اند

رابطه اتحاد بکمال است و سید مذبور بمقتضای خیر
خواهی سرکار بطریق اخفا باطنی انجا میرسانند در
صورت حکم حضور محرک دوستی سرکار با جنرال مذکور
خواهند گشت معلوم شد خوب چه مضایقه بموجب تحریر
خود از سید موصوف سلسله جنبان شوند و اخبارات
انجا بواقعی دریافته اطلاع می نموده باشند و ظاهر
نمایند که ملک سرکار و انگریز همسایه واقع است و در
زمان مصالحت فیمابین سرکار و انگریز قرار یافته
که ظاهر و باطن با مخالفان سرکار کمک نباید کرد چنانچه
عهد نامه بشرایط مرقومه الصدر از مهر کورنر مکاله و
مبنی و چنانچه بحضور رسیده است در همصورت
کورنر هیی باوجود نوشته دادن عهد نامه بمهر خود
اعانت مخالفان سرکار نمودن مناسب این اتحاد
نیست بلکه سحر بنقض عهد و پیمان است ظهور ایمنی
از رسم و آئین سرداران عمده نیست بعید بموجب تحریر

شما خریطه موسومه نجم الدوله ها در مرقوم و ملفوف است
برسانند زیاده چه

۸ منه برهان الدوله انچه کیفیت کار لابندت نوشته بودند
من وعن معلوم شد بموجب تحریر و مضمون نوشته شما
بروانه بنام بندت مذکور مرقوم و ملفوف است برسانند
واگر با وصف صدور بروانه هم برآمدن حضور راضی
نشود و کار بندسرارت کرد و بکقصد جوان متعلقه
عسکر را بدون بندوق یا شمشیر و کتاریش بندت
مذکور باید فرستاد که بکلم کنان نزدیک او رفته دفعته
ده دوه جوان بر یک یک جوان افتاده اسلحه بندت
مذکور و رفقای او گرفته دست و بابسته معه بندت
مذکور مسلسل کرده روانه حضور نمایند بروانه بنام
سید غفار بموجب مرقوم الصدر مرقوم و ملفوف
ست برسانند زیاده چه

۹ منه زیاده عدم مزاحمت کودا کار تعلقه لودر

دستکاف خزیده می آرد منام بخشی احشام زین العابدین
که تاکید به مارسی متعلقه مذکور نماید زیاده

حکمنامه مرقومه مفهم و امسی سال جلوس ۱۱۴۹ هجریه باسم
جاه میرزا خان انکه در رمولا شما را مع جمعیت متعلقه شما
برای تسخیر اول بلی مقرر و مامور نموده شد شیخ عمر سپه دار
هم در انجا است موجمعیت همراهی خود سوای این چهار هزار
پیاده کمپنی بنگلور متعین شما نموده شد منجمله پیاده ای
مذکور چند پیاده در انجا رسیده اند باقی هم روانه میشود تا باید
که شما بجا رسیدن مکاتب مذکور پیاده ای زمبدار بنگلور
را که در رخصاری بوده فی الحال انهسته باتفاق سپه دار
مذکور تنبه نموده از انجا کوچ کرده نزد اول بلی فرود آیند
و مورچال قایم نمایند همراه سپه دار مذبور چهار توپ
کلان و دو توپ خلوی فی دو قاره هستند سوای آن
اگر انواب کلان دیگر مطلوب شما باشد نوشته برای فرستادن
آن به حضرت علیجان بخشی احشام حکم کرده شد موافق

طلب شما توپهای مسطور نزد شما خواهند فرستاد توپها
مذبور را در مورچه داشته کولاندازی شروع نمایند و
قلعه اول بلی مفتوح کرده تهانه سرکار قایم سازند بر قلعه
مذکور حکمرانی زمیدار و نایکوار بان معتبر بهتدار تقیید
انها را اسیر و دستگیر کرده کیفیت انها بحضور بنویسند
واگر کن مذبور از راه جهاری فراری شده بملک
چندر گیری و حصور و بخره پالیکار علاقه فرنگی رفته پناه
گیرند به تعلقدار امکان بنویسند که در وسرکار است
او را پناه نداده نزد خود نفرستد و این کیفیت را بحضور
هم بنویسند تا این حقیقت را مکور زجا بتن نوشته فکر
یکدر آوردن پالیکار مذبور نموده خواهد شد و اگر پاده
های پالیکار مکور در جهاری مستور شده باشند سراغ
انها بهم رسانیده اسیر باید کرد بهمراه شما باروت
بحمل سی ده راس گاوی راس یکصد و بیست انار بقدر
شش هزار انار و سرب گولنکی جهت هزار دستک چقماق

چهار نفر اراده شد با خیاط داشته وقت جنگ فرج
باید کرد و اگر باز هم سرت و باروت و گلوله مطلوب باشند
به بخشی مذکور نویسند که بموجب حکم حضور نزد شما خواهند
فرستاد بعد رسیدن سرت و باروت و گلوله ها رسید
آن نزد بخشی مذبور بفرستند برای فرستادن دواهیت
اسپان کچهری شما بمحی الدین علیخان دیوان کریه و
رام چندر حکم کرده شد ماصه مذبور یک متصدی را
از طرف خود خواهند فرستاد تا متصدی نزد شما ماند
دانه شما خواهند رسانید بدستور خانمذکور یک متصدی
و یک مرد آدمی را از طرف خود نزد شما روانه خواهند
کرد تا دانه با سپان کچهری شما خواهد رسانید باید که
دانه بقدر مطلوب گرفته رسید آن بدستخط و مهر خود به
متصدی هر دو علاقه مذبور سپرده باشند تا متصدی
های مذکور رسید خود را بعاملان متعلقه خواهند داد و ملک
منکلسور از آن سرکار است برای تحصیل رسد اسپان را

مقرر نموده شده بردم همراهی خود ناکید باید کرد که
ملک را تاراج و غنیمت نمایند و در ملک فرنگی که
نزدیک بنگلور واقع است سواری نکنند و اذیت
مرسانند در نماده تفتیش مزید دارند و اگر عمال فرنگی بشما
بنویسند که در ملک خود سواری نسازند و اذیت ندهند
جواب آن انچه مناسب باشد نوشته بفرستند و هم بحضور
اطلاع دهند روز بنی استجاب علاقه شما نزد شما
و در رسی علاقه جیش سرو سبه دارند پور فرستاده خواهد
شد شما زر علاقه خود دست بدست تقسیم نمایند و زر
علاقه جیش سبه دارند پور تقسیم خواهد کرد پیاده وغیره
اگر زخمی شوند موافق ضابطه علیحده که حواله شما نموده شد
زخم بنی بدهند و باطنی از رعایا وغیره آن تعلقه طلبیده
مجروحه پیاده روپیه مناسب دیده باید داد و داسیا علیدار
انجاست دلاسا و دلبری او نموده بمعرفت نامزده
از راه کوه اول بلی و حصبت همدا مذکور و ملک فرنگی

Fallo

نزد یک اول پلی واقع است بمجرد رسیدن خود را برای
طمانیت تعلقداران فرنگی باید نوشت که بالیکار بنکبور
سرشوخی برداشته بود برای تنبیه آن ارجضور مامور
شده ایم اگر ملک شما پناه گیر شود پناه نباید داد
واگر کسان سرکار سزای پیاده های شقی زمیدار مذکور
بیارند بجزویه انعام بدهند واگر کسی را گیر درآورده
خوده بیارند هم بجزویه انعام بدهند

X

نهم واسعی به علی راجه لی ایچه ارزانیدن زر
بست هزار روپیه بمیرزین العابدین فوجدار ظفرآباد نوشته
بودند معلوم و مستحسن شد باید که زر باقی هم بمعرض
اتصال ارند بعد رسیدن شما بحضور بمراتب ملتفانه
فرموده خواهد شد بلچری فرست تعلقداران عفت پناه
واقع ست اخبارات انجا ایچه بدریافت رسد می نوشته
باشند

تاریخ صدیقه محی الدین علیخان دیوانه که بعرض رسید

رشما

حویلی های ملازمان سرکار که در انجا از مدت ها سکونت دارند
وزرها خرج کرده برای سکونت خود تیار کرده اند بحیث
خالی کنانیدن ان نشده و موقوفه می نامند بطور انقسم
حرکات ناشایان منجر بقباحت و منافی مرضی حضور است
باید که ازین حرکات بجا باز آیند و حویلی کسی از ملازمان
سرکار خالی نکردانند و بموجب حکمنامه کار بند باشند
و مجبور خود رائی نشوند زیاده چه.

بروانه مرقومه تاریخ صدر موسومه میر محمد الدین خان بموجب
تحریر شما بروانه در باره عدم مزاحمت حویلی های ملازمان
سرکار بنام محی الدین علیخان دیوان کرده مرقوم و ملفوف است
رخانند کور بروانه نما بند انچه در باره خرده رسیدن خود
برای ملازمت حضور نوشته بودند معلوم شد راست
همه فوج خود روانه سرنگ پتن شوند که سواری خاص بجا
رونق افزا میشود زیاده چه.

مراسلی به برهان الدین در باره نوکر داشتن

نویس و انبکه یک هزاده و دوازده جوان با کالا بندت متفق
شده اند باید که یکصد جوان عسکر را با سپر و شمشیر تیار کرده
و در رویدت مذکور فرستاده تاکید نمایند که یک یک
کس متفقه او دو دو سه جوان چسپیده بگیرا ورده بندت
مذکور را با همراهان او بموجب نوشته سابق روانه حضور
سازد

---

۱۳ بمحمد غیاث پروانه معروضداشت برات الدین متضمن
روانه نمودن شتر سوار راسی

---

۱۴ بمحمد غیاث و نور محمد خان متضمن انکه بارگاه مدار المهام
روانه کند روانه حضور باید شد و بروز دوشنبه در مردم
باز هند و ان بده کس یک کوسفند و بعد ذبح بمسلمین
تبرک دهند کس یک کوسفند باید داد

---

۱۴ بغلام علی بخشی اخبار حضور متضمن انکه در باب
روانه نمودن لشکر بیک و حکمایک و غیره ح کس ح
واقعه بنام میر الامان خان نوشته بودند از انجمله

یک کس لشکر نمک رسیده چهار کس دیگر هم خواهند رسید
اینها را برای چه کار حضور طلب کنانیده اند بر نگارند

---

۲۷ ماه واسعی به لارد مکرتنی گورنر معزول چنانچه
در بنولا مسموع شد که ان رفعت مرتبت را از ولایت
گورنری بنگاله تفویض یافته ازین نوید سرور موفور واساط
نامحصور عاید خاطر محبت مآثر گشته مرکوز و مکنون دوستدار
انست که محبت و اتحاد طرفین ترقی پذیرد و بنای
دوستی و وداد بوما فیها استحکام گیرد لازمه خلت
انست که زود از نوید تقرر خدمت مسطور و خبر وعافیت
خود مسرور و شادمان سازند بارجمعت و ثانی

بار

بستر دلوس گورنر چنانچه در بنولا مسموع شد که
از ولایت خدمت گورنری بنگاله بلارد مکرتنی بهادر
تفویض یافته لهذا خریطه موسومه لارد موصوف بلفوفت
بمقتضای اتحاد پیش لارد معزالیه فرستاده جواب طلبید

باید فرستاد

همه محمد عباسقلی و نور محمد خان عرایض مرسله از نظر
گذشت دو غلاف کمخاب خرید کرده و بخاه بخاه روانه
درگاه حضرت حسام الدین و صلاح الدین قدس سرهما
از طرف سرکار رسانند

برین العابدین نوشته عرضداشت مرسله از نظر
گذشت با وصف اطلاع از موسم برسات کندله را
چرا همراه نبرده اند یعنی موجب تعجب است غله از نزد
رعایای رجوع از سرکار بقیمت خرید سازند و رعایائی
که بغی اختیار کرده باشند غله انها مغتنم ساخته کار روائی
فوج همراهی خود سازند و کمک لجرام هزاری نمایند

نزه ریر حدی به مدر الامان خان در تعلقات بالا لکها
و پائین کهات تکر سه نکر هر قدر دیوسان که هستند
سرانجام انجا حالی بصدست لهذا نوشته می شود
که یک مرد آدمی و یک متصدی و یک هرکاره از طرف تمونی

نرسیاد محمد حیدر و یک مرد آدمی و یک مقصدی و یک ہرکاره
از طرف خود بتمامی دیوستان روانه کرده نمی خواهد
نقد مهره و طلا و نقره و مس و برنجی و کسمد و غیره
بقید وزن نوشته نبده یک می سرد خود دارند و یک
می مفصلی بحضور نفرستند و به تعلقداران دیوستان
تسکین دهند که مال دیوستان کسی نمکیرد و بکسی را بے
جهت دست و اچاط نمی نوشته نبده می شود

نام پادشاه فراسیس لوی روانده فرانس

نام وزیر کشتری

نام راجه انگریز کنگ جارج

القاب راجه فراسیس شهباست و آبالت ترتیب
رسالت و اهبت منزلت سر آمد فرمان روایان کشور
فرنگ عمده حکام با فرهنگ بعد توضیح مراسم اخلاص
و استحاد و تشریح لوازم اختصاص و وداد مشهود خاطر
ملت مظاهر نموده می آید بدیوان او

رفع القصد منع الشان سنوده منش بلند مکان مهربان
اعتضاد دوستان بعد اظهار مراسم خلت ولوازم
محبت مشهود خاطر تود و مبطاهر نموده می آید

۱۴ اثنی سال دلو موسی کشتی کوزیر هولیری
خطاب رسله مصحوب پیر مندرون بمضمن انکه انچه نقد
وجنس ازطرف سرکار موسی دشمن و موسی سفرین
و موسی هوسی رسیده باشد حساب فرموده بنابرده
ارشاد شود تا دجه عوض ان بموجب حکم راجه خود عاید سرکار
نموده شود رسید و سرور کردانیدا می ب ازقدیم الایام
راجه فرانسیس دوستی دلی داریم و ابروی خود و
ابروی راجه فرانسیس را واجب می دانیم لهذا تا
ع سال کرورها خرج نموده و لکوک مردم را بکار آمد
ساخته محبت ما که کرده ایم محض برای افزایش دوستی
نام آوری طرفین انست ، انشاء الله تعالی آینده هم سعی موفو
عمل خواهد آمد باقصد بندوق که بطریق نذر فرستاده

بودند رسید نظر بدوستی راجه فرانسیس و جبر جوابی
شما قبول فرموده شد پیش ازین غلام علیخان و لطف علیخان
وغیره سرداران سرکار را معه آگه بسی تلنگ و یک
قبل پا عماری نفره نزد راجه فرانسیس فرستاده شد
از راه جده باسلام بول رفته از انجا پیش راجه مذکور
خواهند رفت الحال هم چند عمده ها با تلنگ نزد آن
عوالی مرتبت فرستاده میشود همراه شده رون برجهاز
سوار کرده روانه باید نمود موافق اظهار نامبرده یک
تاکید درباب عدم مزاحمت بر بهات متعلقه مهی بنام
تعلقدار کلنکوت مرقوم و محول و یک تاکید بنام تعلقدار
سلم بمضمون مرقوم شد که چتهی راهداری مد بخط
ان عوالی مرتبت بعد اسم شاهود تعداد تلنگ وان
بخط فرانسیس وارد می هرگاه برسد مطابق آن
گذاشت مینموده باشد باید که چتهی مذکور بشرح صدر
فرستاده باشد بعضی مراتب مخفی متعلق کارهای راجه فرانسیس

به سرمندرون کفنه شد ظاهر خواهد کرد و یک
خلعت و یک اسپ از راه محبت فرستاده شد خواهد رسید

تاریخ الفاظ نور والله رقیمه خیریت فحیمه متضمن
بعضی مراتب اوده کاغذ دیگر چهره ارای وصول شده
مسرور ساخت از انجا که فیمابین لوازم یکجهتی و یگانگت
متحقق و مثبت است چه امکان که او در انجا و طرفین
بیگانگی و مغایرت راه یابد ان مهربان همه جهت
خاطر خود را مطمئن باید داشت و وجهی من الوجوه
در یکجهتی ها قصوری نباید انگاشت ان شاء الله تعالی
غریب دوستدار دران نواح میرسد و به تهیه
اشتیاقی پردازد

۲۹ هاشمی به برهان الدین و عبد الامان خان و سیهه
بحول و قوه الهی ما عبور بنک بهدرا نمودیم فردا
پس فردا کوچ کرده بر دشمار سیم شما تیری ها
بارکنیده جای که هستید بیا جا اقامت ورزید

بحزم وهوشیاری سرکرم منبه مخالف باید بود واگر
یکدو بیتری دیگر ضرور باشد تیار کنانند

حاشیه براجه رام چندر در باب فرستادن یکهزار
کاو بابت دست برد کهالی مکدیر نزد دیوان
ظفرآباد باد داشت قیمت وطلبیدن زر قیمت
ودادن باقی یکهزار کاو وسواری وغیره اجناس
بورنکان ورعایای متعلقات بنکلور ووصول
کردن زر قیمت بمهلت پنج شش ماه ومقید کردن
عیال واطفال عامل منفرور کورت کره ودوانیدن
یک بوجلی

جام دیوان ظفرآباد در باب گرفتن یکهزار کاو
مذکور وتقسیم کرده دادن برعایا وزر وصول کرده
فرستادن بمش راجه رام چندر

حاشیه براجه رام چندر در باب طلب
مهلسانان نوشته بودند بمش ازین فرستاده شد

اگر در رسیدن طلب انها چندی توقفی رود هرچند
برسم علی الحساب داده بعد رسیدن طلب انها
وضع کرده گرفته خواهد شد و برقرار داشتن یکصد
پیاده به تعیناتی کهری و دوانیدن خانه ها در هفته برای
سکونت و ایستکان عمال متعلقات خود و به قلعدار کفته
تاکید بچوکیداران دروازه های هفته کن بندن و در ما
عدم گذاشت احدی ازانها و دادن جهول و غیره
سرانجام نوبافیال جزای هموزن گرفته سرانجام
کفته و داشتن اجیال بجزای هموزن بدستور سابق و
تاکید کردن بداروغه فیلخانه که کماه خشک را کی هوکرلی بجوار
طلبیده بافیال نورانیده مرتب کنانند

۱۶ ماه واسعی بمتبر الملک نواب صاحب رفیع الشان
مظهر خوبیهای بیکران سلمه الله تعالی و بریست که باطلاع
نویدنیرو حافیت نواب نظام الدوله دان رفیع الشان
سرور و انبساط عاید خاطر مشتاق گردد سوانح بخیر باد